



۴

رشد

معلم

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای معلمان، دانشجو معلمان و
کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره ۴۴ | شماره پیاپی ۳۷۴
دی‌ماه ۱۴۰۴ | ۴۸ صفحه

ISSN: 1606-9129

www.roshdmag.ir



معلمان

نور

دانش را در

دل‌ها

می‌افروزند

مشارکتی

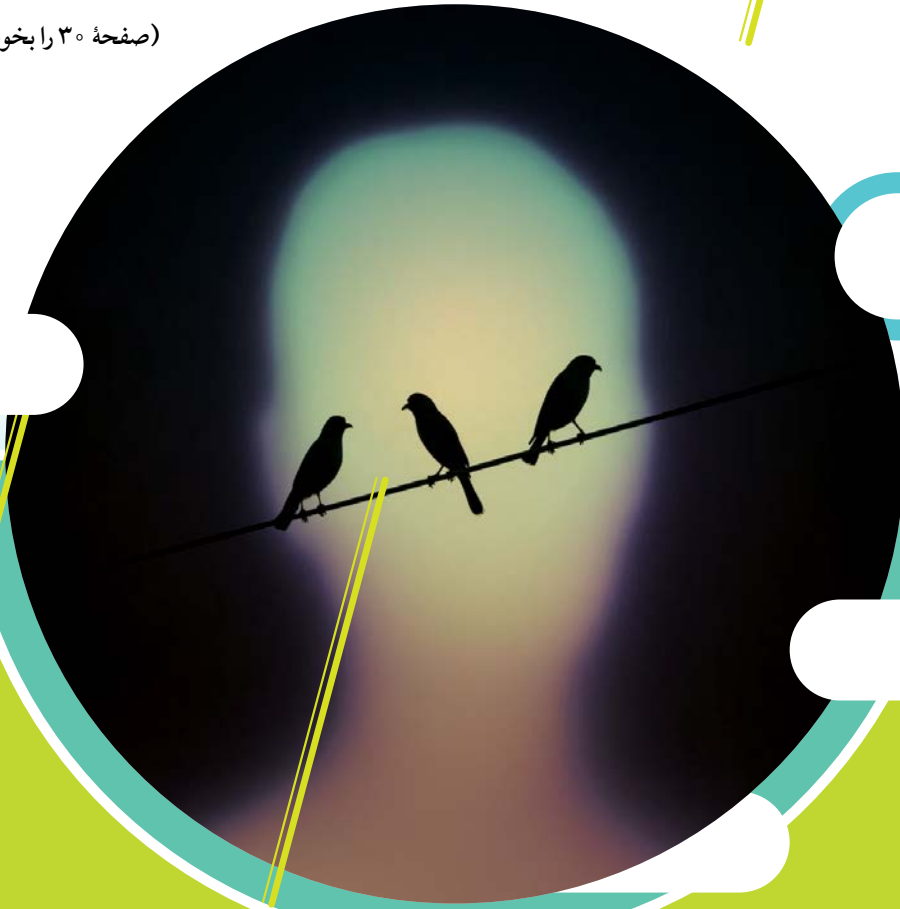
یادگیری

نظریه

با مروری بر نظریه راجر جانسون و دیوید جانسون ضرورتی انکارناشدنی فراروی آموزش نمایان می شود. این دو نظریه پرداز یادگیری مشارکتی را به پنج عنصر کلیدی تقسیم کردند:

- / وابستگی متقابل مثبت: دانش آموزان برای رسیدن به یک هدف مشترک، به یکدیگر وابسته اند. موفقیت یک نفر به موفقیت کل گروه گره خورده است.
- / مسئولیت پذیری فردی: هر فرد در قبال کار خود در گروه مسئول است. این عنصر از پنهان شدن برخی از دانش آموزان در پشت کار گروهی جلوگیری می کند.
- / تعامل چهره به چهره: اعضای گروه باید به طور فعال با یکدیگر ارتباط برقرار و یکدیگر را تشویق کنند.
- / مهارت های اجتماعی: دانش آموزان باید مهارت های لازم برای کار گروهی، مانند رهبری، تصمیم گیری و حل تعارض را بیاموزند.
- / پردازش گروهی: پس از اتمام کار، گروه باید عملکرد خود را بررسی کند و به این سؤال پاسخ دهد که «چه چیزی را خوب انجام دادیم و چه چیزی را می توانستیم بهتر انجام دهیم؟»

(صفحه ۳۰ را بخوانید)



رشد مجله

www.roshdmag.ir

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان،
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش | دوره ۴۴
شماره پیدرپی ۳۷۴ | دی ماه ۱۴۰۴

خانواده مجلات رشد همه تلاش خود را کرده است تا این مجلات
در دسترس عموم جامعه آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد و همه
مخاطبان در میهن عزیز اسلامی مان امکان تهیه آن را داشته باشند.
قیمت: ۳۰۰۰ ریال

مدیر مسئول: سیدسعید بدیعی
سردبیر: دکتر عباسعلی مظفری
شورای برنامه ریزی:
دکتر حامد عباسی
دکتر جعفر چراغیان
دکتر مختار ذاکری

دکتر لیلا میرزائی
دکتر منوچهر فضل‌خانی
دکتر زهراسادات الطافی
مدیر ادخالی: الهام الیکایی
ویراستار: کبری محمودی
مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد
طراح گرافیک: مجتبی زند
دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶

تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲

نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

پيامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: moallem@roshdmag.ir

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

امور مشترکین:

۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

پيام‌نگار: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳

چاپ و توزیع: شرکت افست



نشانی کانال مجله رشد
مجله رشد
پيام ارسال شود:
@roshd_moallem



وبگاه نظرسنجی
مجلات رشد

یادداشت سردبیر / کاش معلم می دانست / دکتر عباسعلی مظفری * ۲

نقد و نظر / وقتی طبیعت معلم می شود / شهلا فهیمی * ۴

مهارت های معلمی / مغز خسته، کلاس تعطیل / طاهره میرزایی * ۸

معلم، معمار انگیزه / دکتر محمد نیرو * ۲۴

ابری در تخته کلاس / دکتر مرتضی مجدفر * ۲۹

فقط، پاسخ غلط! / محیا نوری * ۳۴

آن ها را بشنوید / حنا سرحسائی * ۴۰

پیوند ناکستنی ادبیات و هنر / محمدرضا قبادی * ۴۲

امتحان پرهیا هو / مریم واشقانی فراهانی * ۴۴

فناوری های نوین / آن سوی آینده (قسمت اول) / دکتر حامد عباسی، حمیده عباسی * ۱۰

محیط زیست / اگر درختان سخن بگویند / زهرا محمدزاده * ۱۴

رویکرد تربیتی / جایی برای یافتن خود / دکتر مختار ذاکری * ۱۶

اخلاق حرفه ای معلم / دکتر جعفر چراغیان * ۲۶

سبک زندگی / دستگاه ایمنی را ضد ضربه کنید / شیما مظفری * ۳۰

طراحی آموزشی / طراحی محیط های یادگیری / دکتر زهراسادات الطافی * ۳۰

هدایت پژوهش به خانه / فرزانه نوراللهی * ۳۶

یادها و خاطره ها / تقویم دی / دکتر لیلا میرزایی * ۴۷

کافه کتاب / آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان * ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. حجم مطالب ارسالی حداکثر ۱۰۰۰ کلمه باشد. اثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. محل قراردادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. برای مندرج در مقاله ها ضرورتاً مین نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.



برای اشتراک مجلات
رشد بپوش کنید

معلم نزدیک‌ترین فرد به دانش‌آموز است. ما مربی‌ها و معلمان چیزی بیش از موضوع‌ها و مفاهیم را آموزش می‌دهیم؛ ما به انسان‌ها آموزش می‌دهیم. زمانی جیمز کومر، روان‌پزشک حاذق کودکان، اظهار داشت: «یادگیری مؤثر بدون برقراری رابطه مؤثر ممکن نیست». مهم‌ترین کار من در کلاس این است که در عمل بین خودم و دانش‌آموزانم احساس همدلی و هم‌بستگی ایجاد کنم. بدون انجام این کار، یادگیری واقعی و هیجان‌انگیز و لذت‌بخش هدفی دشوار است. من با ایجاد ارتباط و همدلی با دانش‌آموزانم و خانواده‌هایشان به این هدف دست پیدا می‌کنم که متوجه شوند من برای آن‌ها خیلی اهمیت قائل هستم و به حرف‌هایشان گوش می‌دهم. گاهی با آگاهی، همدلی و مداخله مختصر و به موقع کمک بسیار زیادی به دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. در بین آناری که دریافت کردم، متوجه کتاب «کاش معلم می‌دانست» اثر کایل شوارتز با ترجمه حمیده عرب‌نژاد شدم. گویا مخاطب این اثر همه ما معلمان، مربیان، مدیران و والدین هستیم. بنابراین نکاتی را در ادامه یادآوری می‌کنم. البته بیشتر معلمان، دانش‌آموزان را همچون فرزندان خود گرامی می‌دارند و این نکات را به خوبی مدنظر دارند:

به‌جای جمله «کاش معلم می‌دانست، نشستن طولانی مدت باعث می‌شود پاهایم درد بگیرد»، «معلم می‌دانست نشستن طولانی مدت باعث می‌شود پاهایم درد بگیرد».

به‌جای جمله «کاش معلم می‌دانست چه موقع درس بدهد و چه موقع دست از تدریس بکشد و برایمان داستان تعریف کند»، «معلم می‌دانست چه موقع درس بدهد و چه موقع دست از تدریس بکشد و برایمان داستان تعریف کند».

به‌جای جمله «کاش معلم می‌دانست من به بیش‌فعالی مبتلا هستم و با افراد دیگر فرق می‌کنم»، «معلم می‌دانست من به بیش‌فعالی مبتلا هستم و با افراد دیگر فرق می‌کنم».

به‌جای جمله «کاش خانم معلم بدانند من از چیزی که او فکر می‌کند باهوش‌ترم»، خانم معلم می‌داند من از چیزی که او فکر می‌کند باهوش‌ترم».

به‌جای جمله «کاش معلم می‌دانست شیوه یادگیری درس‌ها برای همه یکسان نیست و کاش معلم‌ها می‌دانستند بعضی افراد برای یادگیری به زمان بیشتری نیاز دارند»، معلم می‌دانست شیوه یادگیری درس‌ها برای همه یکسان نیست و معلم‌ها می‌دانستند بعضی افراد برای یادگیری به زمان بیشتری نیاز دارند».

دکتر عباسعلی مظفری

کاش

معلم

می‌دانست

به جای جمله «کاش معلم می دانست گاهی اوقات احساس و عواطفم قبل از ورود به کلاس جریحه دار می شود و افراد با خصومت و دشمنی حالم را بدتر می کنند»، «معلم می دانست گاهی اوقات احساس و عواطفم قبل از ورود به کلاس جریحه دار می شود و افراد با خصومت و دشمنی حالم را بدتر می کنند».

به جای جمله «کاش معلم می دانست زندگی سختی داشته ام و تمام سعی و تلاشم را می کنم تا تک تک لحظه ها روز را خوش بینانه سپری کنم»، «معلم می دانست زندگی سختی داشته ام و تمام سعی و تلاشم را می کنم تا تک تک لحظات روز را خوش بینانه سپری کنم».

به جای جمله «کاش معلم می دانست برادر کوچکم بیماری جسمی دارد و با درد زیاد و گریه شبها بیدار می ماند و من هم از غصه نمی خوابم»، «معلم می دانست برادر کوچکم بیماری جسمی دارد و با درد زیاد شبها بیدار می ماند و من هم از غصه نمی خوابم».

به جای «کاش معلمانم می دانستند من آن بچه شادی نیستم که هر روز صبح می بینند. چندین بار سعی کرده ام به زندگی ام پایان دهم. هر روز در دریای غم و غصه غرق می شوم»...

به جای «کاش معلم می دانست بعد از سالها هنوز یادآوری رفتار معلم کلاس اولم دل شوره و اضطرابی غیرقابل وصف در دلم ایجاد می کند»، ...

کاش معلم می دانست مادرم دچار بیماری سخت و لاعلاجی شده است و من نمی توانم این موضوع را لحظه ای فراموش کنم... کاش معلم می دانست من برای هم کلاسی هایم که برایشان مشکلی پیش می آید، به شدت نگران می شوم و دوست دارم برای آن ها کاری کنم تا بتوانم خوشحالشان کنم...

کاش معلم می دانست امسال پدرم فوت کرد و با اینکه کنار هم کلاسی هایم هستیم، بیشتر از قبل احساس تنهایی و دل تنگی می کنم...

همه ما معلمان می توانیم از دانش آموزان و حتی از فرزندان و اطرافیان خود بخواهیم بدون ذکر نام و نشان، این گونه برایمان بنویسند و شادی ها، غمها و نگرانی های خود را با ما به اشتراک بگذارند تا ما نیز با آگاهی و دقت بیشتر با آن ها مواجه شویم. ❁

پی نوشت

۱ و ۲. جیمز کومر، روان پزشک کودکان و پژوهشگر آموزشی، این جمله را در سال ۱۹۹۵ در یک سخنرانی در Education Service Center, Houston در هیوستون، تگزاس مطرح کرد.





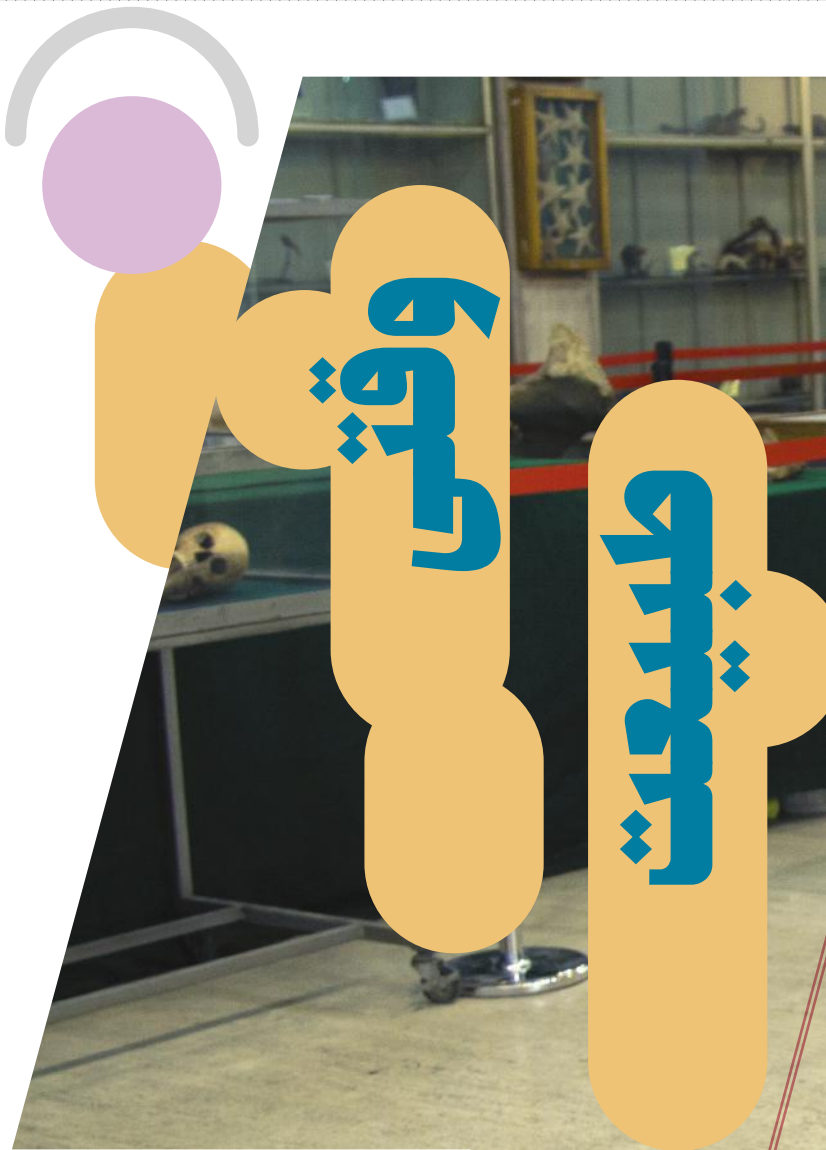
عکاس: مرتضی سلطانی

مردان مستعد

راهرویی پر از ویتترین‌های شیشه‌ای، پرندگان آکنده (تاکسیدرمی) شده، حشره‌های رنگارنگ، خزندگان کمیاب و نمونه‌های جانوری از گوشه‌وکنار ایران، چشم هر بازدیدکننده‌ای را خیره می‌کند؛ موزه‌ای که نه تنها یک گنجینه علمی، بلکه کلاس درسی زنده برای معلمان و دانش‌آموزان است. در دل این مجموعه، دکتر **علیرضا ساری**، استاد برجسته جانورشناسی، پژوهشگر حوزه «زی‌سازگان‌شناسی» (بیوسیستماتیک) دانشگاه تهران، با شور و اشتیاقی وصف‌ناشدنی درباره هر موجود و هر نمونه سخن می‌گوید. او سال‌هاست در کنار تدریس دانشگاهی، عضویت در کمیته ملی المپیاد علمی زیست‌شناسی دانش‌آموزی و مسئولیت سامان‌دهی و توسعه موزه تاریخ طبیعی را بر عهده دارد و تلاش می‌کند نسل جوان را به مشاهده، پرسشگری و الهام از طبیعت ترغیب کند. از نگاه او، موزه‌های تاریخ طبیعی فقط محل نگهداری موجودات نیستند، بلکه دریچه‌ای برای فهم بهتر زیست‌شناسی، الهام از رازهای آفرینش و پیوند علم با زندگی روزمره‌اند. گفت‌وگوی پیش‌رو مروری است بر تجربه‌ها، دیدگاه‌ها و دغدغه‌های او درباره جایگاه زیست‌شناسی در آموزش، نقش فناوری‌های نو در این علم، و ارزش بی‌بدیل موزه برای معلمان و دانش‌آموزان.

تجربیات

وقتی



(بیوشیمی) و مجموعه‌های دیگری از علوم سلولی و مولکولی دارد که در تمام دانشگاه‌ها به‌عنوان درس‌های پایه تدریس می‌شوند. ولی ضرورت پرداختن به موضوع‌های بین‌رشته‌ای زمینه نزدیک‌تر شدن نگاه‌ها و پرداختن به حل مشکلاتی در زمینه سلامت، محیط زیست، بهره‌برداری و ارزش افزوده در محصولات و اقتصاد زیستی و دانش بنیان شده است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی نیز ناگزیرند با استانداردهای جهانی پیش بروند و پژوهش‌هایی در سطح بین‌المللی و برای رفاه بشر، به‌منظور زیستن در زیست‌کره و تعادل و تعامل با آن ارائه دهند. همین ضرورت باعث شده است فنآوری‌های نو، از جمله کار با داده‌های کلان در مقیاس جغرافیایی وسیع، تحلیل داده‌های جهانی در زمینه ژن‌شناسی، و اپایش بیماری‌های همه‌گیر نظیر کووید، مدل‌سازی با بهره‌گیری از علوم ریاضی و رایانه و در نهایت هوش مصنوعی، بیش از پیش وارد زیست‌شناسی شوند. اکنون پزشکی یا زیست‌شناس می‌تواند با تحلیل شبکه‌ای از داده‌های بیماران یا نمونه‌های پیشین، تصمیم‌های دقیق‌تر و سریع‌تری بگیرد و محققان علوم زیستی و دارویی با تحلیل داده‌ها به ترتیب سناریوهای پیش‌رو، مواجهه با مخاطرات و تولید دارو و درمان را مدل‌سازی و پیش‌بینی کنند. در هر شاخه علمی ما به دنبال شناخت و قیاس هستیم. وقتی شناخت عمیق‌تر شود، قیاس ممکن می‌شود و همین فرایند ما را به کشف و حل مسائل تازه سوق می‌دهد. در زیست‌شناسی چیزی کهنه نمی‌شود؛ هر روز دانشی تازه پدید می‌آید و همین پویایی جذابیت این رشته را دوچندان می‌کند.

برای من، طبیعت همواره الهام‌بخش بوده است. طبیعت آرامش می‌دهد و همان آرامش دوباره در محل کار و دانشگاه به انرژی تازه‌ای تبدیل می‌شود. هر گلی، هر پرندگی و حتی هر حشره‌ای می‌تواند سرچشمه الهام و خلاقیت باشد. این ویژگی کشف و دست‌یابی به سؤال‌های گوناگون است که معلم و محقق را پیرامون نور «زیست‌شناسی» فعال و پویا نگاه داشته است.

■ بسیاری از معلمان دغدغه دارند که چگونه دانش‌آموزان را از فضای حافظه‌محور بیرون بیاورند و با محیط‌های متنوع یادگیری مثل آزمایشگاه، کارگاه، موزه یا طبیعت آشنا کنند. راهکار عملی شما چیست؟

همان‌طور که گفتم، زیست‌شناسی رشته‌ای است که باید لمس شود. وقتی بچه‌ها در طبیعت یا آزمایشگاه قرار می‌گیرند، موضوع برایشان زنده می‌شود. یادم هست، در دوران مدرسه، بارها چرخه درخت کاج را از معلم شنیدیم، اما هیچ‌وقت آن را در حیاط مدرسه که چندین درخت کاج بود، ندیدیم. در دانشگاه، وقتی ریشه پیاز را رنگ آمیزی کردیم و تقسیم‌های سلولی را زیر میکروسکوپ دیدیم، تازه آموزش زیست‌شناسی و لمس آن برایمان معنا پیدا کرد.

امکانات زیادی از جمله آزمایشگاه منطقه‌ای، کارگاه و حتی موزه در اختیار مدرسه‌ها هست. لازم نیست آزمایش‌ها پیچیده باشند؛ یک کپک نان یا رنگ آمیزی ساده سلولی می‌تواند شوق پژوهش را بیدار کند. حتی اگر از هر هزار دانش‌آموز یک نفر به این تجربه‌ها دل ببندد، ممکن است در یکی از شاخه‌های علوم زیستی، پژوهشگر آینده کشور یا کارآفرین موفق شود.

■ دکتر ساری، شما در شاخه جانورشناسی از مجموعه کلان زیست‌شناسی فعال هستید. به نظر شما این رشته برای دانش‌آموزان چه کاربردهایی دارد، مسیر ورود به آن چگونه است و جایگاهش را در سطح جهانی، به‌ویژه با تحولاتی مثل هوش مصنوعی، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نخست باید بگویم، زیست‌شناسی «حفظ‌کردنی» نیست، باید آن را لمس و تجربه کرد. اگر کسی این رشته را واقعاً لمس کند، به آن دل می‌بندد و دیگر رهايش نمی‌کند. همان‌طور که در هر رشته‌ای عشق و علاقه اصل است، در زیست‌شناسی هم علاقه به جهان زنده نقطه آغاز راه است.

زیست‌شناسی امروز شاخه‌های گوناگونی نظیر زیست‌شناسی جانوری و گیاهی، میکروبی‌شناسی (میکروبیولوژی) تاژن‌شناسی (ژنتیک)، زیست‌شیمی

تنظیم‌کننده: شهلا فهیمی



دیبران علوم تجربی چگونه می‌توانند در تدریس از موزه جانورشناسی دانشگاه تهران استفاده کنند؟

ما همیشه گفته‌ایم، موزه تنها فضای تماشا نیست، بلکه محیطی پویا و آموزشی است. خوشبختانه از کودکان تا دبیرستان و دانشگاه بازدیدکننده داریم. کافی است برای هماهنگی وقت بازدید، نامه‌ای به دانشکده‌های علوم دانشگاه تهران بفرستند تا در اولین فرصت در خدمت عزیزان باشیم. در این بازدیدها دبیران می‌توانند آموزش‌ها را با تجربه عملی پیوند بزنند. وقتی دانش آموز گونه‌ای را از نزدیک می‌بیند، موضوع برایش عینی می‌شود. دبیر می‌تواند تکلیفی طراحی کند تا بچه‌ها مشاهده‌شان را یادداشت کنند یا پرسشی تازه بسازند. به این ترتیب درس از حالت نظری خارج و به تجربه‌ای ماندگار تبدیل می‌شود.

موزه فرصت می‌دهد محیط یادگیری متنوع شود. دانش آموز تنها شنونده نیست، بلکه مشاهده‌گر و پژوهشگر می‌شود. به همین دلیل ما از همه دبیران کشور دعوت می‌کنیم بازدید علمی از موزه‌ها را در برنامه‌هایشان بگنجانند.

موزه جانورشناسی چه روشی برای جمع‌آوری و نگهداری نمونه‌ها دارد؟ آیا نمونه‌های تازه هم پذیرفته می‌شوند؟

موزه‌ها از نظر کاربرد علمی و ملی ارزش زیادی دارند. مثلاً ما مجموعه‌ای از نمونه‌های دریاچه هامون داریم که هدفمند جمع‌آوری شده‌اند. این نمونه‌ها در کنار سایر نمونه‌های کشوری قرار می‌گیرند یا جایگزین نمونه‌های قبلی می‌شوند. نمونه‌ای که چند ده سال پیش جمع شده، اینجا موجود است و اگر الان دانشمندی مراجعه کند، می‌تواند از دنا (دی‌ان‌ای) آن استفاده کند و تغییرات ژن شناختی را در این نمونه با قدمت حدود ۷۰ سال، با نمونه‌های زنده بسنجد. ما حتی از روی ساختارها و پولک‌های ماهی می‌توانیم متوجه شویم چه مسیر مهاجرتی داشته. یا با بررسی لایه‌های داخل سنگ گوش ماهی، سن و زیستگاه‌های گذشته‌شان را مشخص کنیم.

در عین حال، موزه‌ها فقط جای نمایش در محیطی بسته نیستند، پویا هستند و ارتباط بین‌المللی دارند و با روی گشاده میزبان بازدیدکنندگان هستند. موزه جانورشناسی دانشگاه تهران کد موزه‌ای دارد و مؤسسه‌های خارجی وقتی به مقایسه نمونه نیاز دارند، با موزه مکاتبه می‌کنند. بنابراین، موزه هم نقش پژوهشی دارد و هم آموزشی.

آیا نمونه‌های موزه می‌توانند الهام‌بخش فناوری و طراحی باشند؟

بله و دقیقاً موزه منبع الهام برای موضوع‌های بین‌رشته‌ای است. در مجموعه آموزشی و پژوهشی در دوره تحصیلات تکمیلی در دانشگاه تهران، رشته‌ای تازه به نام زیست تقلید یا «بایومیمتیک» وجود دارد که به منظور الهام از علوم زیستی و طبیعت برای طراحی فناوری است. نمونه‌های ساده مثل لباس شنای اسپیدو که از چیدمان پولک کوسه الهام گرفته و سرعت شناگر را افزایش می‌دهند، یا سرنگ‌هایی که از نیش پشه الگو گرفته‌اند، نشان می‌دهند طبیعت بهترین معلم ماست.

از سوی دیگر، طبیعت همیشه بهترین آزمایشگاه ماست. لازم نیست سفرهای پرهزینه داشته باشیم؛ اطراف شهر، کنار یک رود یا پارک محلی، فرصت یادگیری فراهم است. کافی است معلم با برنامه‌ریزی درست بچه‌ها را به تماشای پرندگان یا گیاهان ببرد، یا نمونه رسوبات بستر یا آب جوی را در زیر میکروسکوپ مشاهده کند. این تجربه‌ها عشق به یادگیری را در دلشان می‌نشاند؛ عشقی که هیچ کلاس حافظه‌محوری قادر به ایجاد آن نیست.

شما به اهمیت مشاهده و لمس کردن اشاره کردید. یکی از فضاهایی که این فرصت را فراهم می‌کند، موزه جانورشناسی دانشگاه تهران است. لطفاً درباره شکل‌گیری این موزه و نقش آن در آموزش مدرسه‌ای توضیح دهید.

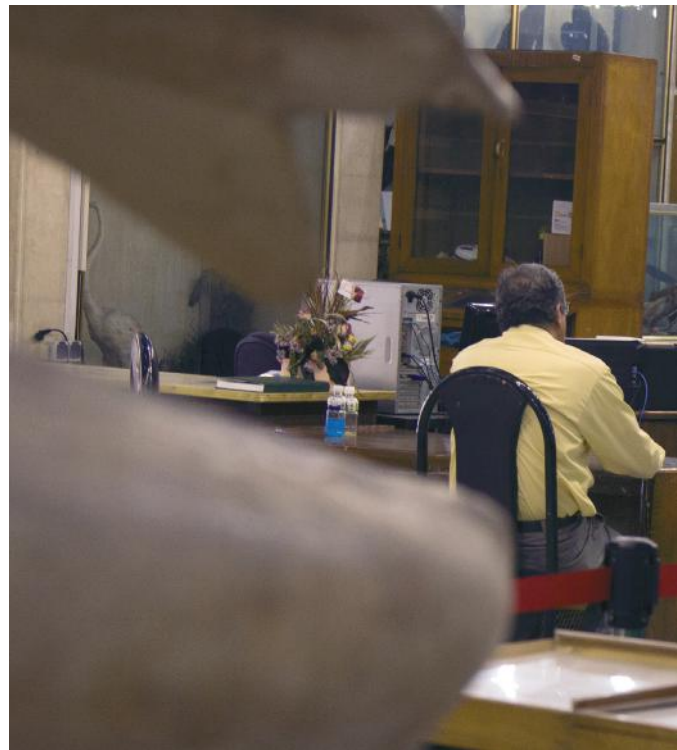
موزه جانورشناسی دانشگاه تهران یکی از قدیمی‌ترین مجموعه‌های علمی کشور است. استادان پیشکسوت جانورشناسی، همچون زنده‌یاد دکتر مصطفی فاطمی، دکتر طلعت حبیبی و دکتر محمد بلوچ و شاگردان ایشان، با علاقه و پشتکار، گونه‌های متعدد جانوری نظیر پرندگان، پستانداران، خزندگان، ماهیان و حشرات را از نقاط ایران جمع‌آوری کردند. هدف این بود که دانشجویان نمونه‌های واقعی موجودات زنده را ببینند، مقایسه کنند و فراتر از عکس و نوشته کتاب‌ها، با موضوع ارتباط عینی بگیرند.

این موزه امروز یک مخزن ارزشمند علمی و جایی برای مرور تاریخچه تنوع زیستی ایران است. می‌توان در یک بازدید، دید کدام گونه‌ها هنوز حضور دارند و کدام‌یک رو به کاهش رفته‌اند. همین مشاهده خود یک درس بزرگ درباره اهمیت حفاظت از محیط زیست است.

اما موزه فقط برای دانشگاهیان نیست. بارها در موزه شاهد حضور گروه‌هایی از دانش‌آموزان متوسطه دوم تا ابتدایی، همراه دبیرانشان و حتی عزیزان پیش‌دبستانی بوده‌ایم. وقتی بچه‌ها استخوان‌بندی (اسکلت) یک پرنده شکاری را از نزدیک می‌بینند، یا تنوع رنگ‌های حشرات توجهشان را جلب می‌کند، دیگر زیست‌شناسی برایشان فقط یک درس نظری نیست؛ بخشی از زندگی واقعی می‌شود.

دبیران می‌توانند این بازدید را به یک فعالیت پژوهشی تبدیل کنند: مثلاً تحقیق درباره یک نمونه، نوشتن گزارش، یا مقایسه با مطالب کتاب. این فرایند یادگیری فعال ایجاد می‌کند و بچه‌ها را از حفظ‌کردن صرف به جست‌وجو و قیاس می‌کشاند.

موزه‌ها فقط جای نمایش بسته نیستند، پویا و باروی گشاده میزبان بازدیدکنندگان هستند



آیا مجموعه (کلکسیون) سازی دانش آموزان را قبول دارد. این موضوع در یادگیری دانش آموزان چه نقشی دارد؟

بله. هر دانش آموز می تواند یک مجموعه کوچک داشته باشد؛ مثلاً از سنگ یا حشرات مرده‌ای که پیدا می کند. همین نگاه داشتن و حفاظت، در مشاهده و پرسش نظم ایجاد می کند: این موجود چیست؟ چرا بال هایش این شکلی است؟ و مواردی نظیر آن. برای مثال، مکاتبه‌هایی داشتیم از دانش آموزی شیرازی که خیلی منظم مجموعه جمع می کرد. پیشنهاد دادم برای شناسایی به دانشگاه شیراز مراجعه کند. او امروز دقیقاً می داند چه می کند و مطمئنم جانورشناس خوبی خواهد شد. چون طبیعت را دوست دارد.

کودکان از دوره ابتدایی «روش علمی» را می خوانند، اما شاید روش علمی را با مثال درست برایشان توضیح نداده‌ایم! روش علمی یعنی مشاهده، ثبت و تحلیل. اگر یک گل ببینیم، باید پرسیم: چرا گل آذینش این شکل را دارد؟ چرا برگ هایش این شکلی است؟ بهتر است در کلاس یک شاخه گل بررسی شود تا صرفاً به کتاب به مباحث نظری ارجاع دهیم.

به نظر می رسد بسیاری از نمونه‌های طبیعی می توانند هم جنبه زیبایی داشته باشند و هم ارزش اقتصادی. معلمان و دانش آموزان در مناطق گوناگون کشور، حتی در دورترین نقاط، با طبیعت بکری روبه‌رو هستند. آیا می توان از این ظرفیت‌ها در کنار آموزش علمی، برای تربیت اقتصادی دانش آموزان هم بهره گرفت؟

بله، چنین ظرفیتی وجود دارد. حتی با امکانات ساده می توان کارهای ارزشمندی انجام داد. مثلاً بعضی دانش آموزان با گوشه همراه عکس‌هایی می گیرند که آن قدر کیفیتشان بالاست که قابلیت چاپ و فروش دارند. یا

می توانند از یک گل زیبا یا مواد طبیعی ساده، جاکلیدی یا قاب بسازند. به این ترتیب هم خلاقیت خود را به کار بگیرند و هم درآمدی کوچک کسب کنند.

این رویکرد در قالب رشته‌ای به نام اقتصاد زیستی یا «بایواکونومی»^۲ هم مطرح است، که فقط به داروهای پیشرفته یا آنزیم‌ها مربوط نیست، بلکه شامل همین ظرفیت‌های ساده طبیعت هم می شود. البته باید آموزش درست هم داده شود؛ مثلاً گیاهان را از ریشه نکنند، بلکه به‌گونه‌ای برداشت کنند که دوباره باز تولید شود.

نمونه جالب دیگر، پروژه‌ای بود درباره خرچنگ‌ها؛ دانشجویی با الهام از چند گونه مختلف خرچنگ و همکاری دانشکده هنر، روباتی طراحی کرد که می توانست هم در خشکی و هم در آب حرکت کند. این کار در سطح بالایی طراحی صنعتی است، اما در سطح ساده‌تر هم می توان با حفظ اصول حفاظت از طبیعت، نمونه‌هایی مثل قاب یا مجموعه‌های کوچک ساخت.

در نهایت اصل مهم «حفاظت» است. اگر درست آموزش داده شود، دانش آموزان می آموزند که چگونه از حداقل امکانات حداکثر استفاده را ببرند و در عین حال به محیط زیست آسیب نزنند. تجربه نشان داده است، حفاظت واقعی زمانی موفق است که مردم و جامعه درگیر آن شوند، نه فقط سازمان‌ها.

آقای دکتر، اگر معلم یا دانش آموزی در منطقه خود گیاهی را ببیند که مردم محلی آن را برای درمان به کار می برند، چه باید کرد تا این تجربه بومی مسیر علمی پیدا کند؟

در چنین مواردی، معلم باید اطلاعات محلی را ثبت و گیاه را معرفی کند. سپس نمونه‌ها می توانند به مراکزی مانند دانشکده داروسازی ارسال شوند تا شناسایی، ترکیب‌برداری و آزمایش شوند. اگر مؤثر باشد، امکان تولید پایدار آن با روش‌های علمی وجود دارد و به برداشت بی‌رویه از طبیعت نیاز نخواهد بود. البته شرط اصلی، رعایت برداشت معقول و جلوگیری از آسیب به منابع طبیعی است.

و کلام آخر؟

هر روز که بتوانیم شناخت و دانشمان را افزایش دهیم، برنده‌ایم. در جهان زنده، برندگی بر دو پایه استوار است: داشتن آب و داشتن دانش. متأسفانه در کشور ما منابع آبی به دلیل بهره‌گیری کمتر از دانش رو به کاهش است، اما در سطح‌های دیگر در مرزهای دانش هستیم. در دسترسی به ابزار روز کمی عقب مانده‌ایم، اما با همت و خلاقیت توان تولید برخی از آن‌ها را داریم و می توانیم به سطح‌های بالاتر برسیم.

موزه جانورشناسی امروز یک مخزن ارزشمند علمی و مکانی است برای مرور تاریخچه تنوع زیستی ایران

پی‌نوشت‌ها

۱. بایومیمتیک یا الهام از طبیعت، یعنی بررسی ساختارها و رفتارهای موجودات زنده و استفاده از آن‌ها به‌عنوان الگو برای طراحی فناوری‌ها، ابزارها و محصولات نو. در جانورشناسی، این مفهوم بیشتر به مشاهده ویژگی‌های خاص حیوانات و تبدیل آن‌ها به ایده‌های کاربردی مربوط می‌شود.

۲. بایواکونومی یا اقتصاد زیستی مفهومی است که به استفاده پایدار و مفهومی از منابع زیستی برای تولید کالا و خدمات اقتصادی اشاره دارد. به زبان ساده، یعنی تبدیل «دانش زیست‌شناسی» و «فناوری‌های زیستی» به محصولات و کسب‌وکارهایی که هم برای انسان سودمند باشند و هم به محیط زیست آسیب نزنند.

تعطیل کلاس

خسته، مغز

راهکارهای کاهش
بار شناختی در یادگیری
دانش آموزان ابتدایی

چکیده

در سال‌های اخیر، نقش بار شناختی در کاهش کیفیت یادگیری دانش آموزان، به ویژه در دوره ابتدایی، بیش از پیش مورد توجه محققان علوم تربیتی قرار گرفته است. نظریه بار شناختی جان سوتلر، چارچوبی علمی برای درک نحوه پردازش اطلاعات یادگیرندگان فراهم کرده و نشان داده است که بی توجهی به ظرفیت محدود حافظه کاری می تواند موجب حواس پرتی، اضطراب، افت تحصیلی و کاهش انگیزه شود. مقاله حاضر با مرور پژوهش های علمی منتشر شده از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳، پنج راهکار کاربردی برای کاهش بار شناختی در دوره ابتدایی معرفی می کند. این راهکارها عبارت اند از: طراحی گام به گام محتوا، بهینه سازی چند رسانه ای، یادگیری مشارکتی، ارزیابی تکوینی و بازی های آموزشی هدفمند. اجرای مؤثر این راهبردها می تواند تا ۴۵ درصد بر بهره وری یادگیری بیفزاید و تجربه ای شاد، منسجم و معنادار برای دانش آموزان فراهم کند. این مقاله برای معلمان طراحی شده است تا با بهره گیری از آن بتوانند کلاس هایی کارآمدتر و انسانی تر بنا کنند.

کلیدواژه ها:

بار شناختی، یادگیری مؤثر،
روش های تدریس، ارزیابی تکوینی

* مقدمه

در مدرسه‌های امروز، دانش‌آموزان ابتدایی با حجم چشمگیری از اطلاعات مواجه‌اند که به پردازش، سازمان‌دهی و ذخیره‌سازی نیاز دارند. این فرایند پیچیده در ذهن کودکان تحت تأثیر ظرفیت محدود حافظه کاری آنان قرار دارد. هنگامی که حجم مطالب یا نحوه ارائه آن از توان ذهنی کودک فراتر می‌رود، «بار شناختی اضافه» رخ می‌دهد؛ مفهومی که برای نخستین بار جان سونلر در دهه ۱۹۸۰ معرفی کرد و امروزه به یکی از کلیدواژه‌های مهم در طراحی آموزشی تبدیل شده است.

بار شناختی بیش از حد، نه تنها یادگیری را مختل می‌کند، بلکه باعث اضطراب تحصیلی، کاهش تمرکز، افت عزت‌نفس و گاهی بی‌زاری از فرایند آموزش می‌شود. این موضوع به‌ویژه در دانش‌آموزان دوره ابتدایی که ساختارهای شناختی آن‌ها هنوز در حال شکل‌گیری است، نمود بیشتری دارد. پژوهش‌های گسترده‌ای که در سال‌های اخیر در حوزه علوم شناختی و تعلیم و تربیت انجام شده‌اند نشان می‌دهند که با طراحی هوشمندانه فرایند تدریس و ارزیابی می‌توان به‌میزان قابل توجهی از بار ذهنی کاست.

این پژوهش با بهره‌گیری از داده‌های حاصل از پژوهش‌های معتبر جهانی و چارچوب نظری بارشناختی، مجموعه‌ای از راهکارهای ساده، مؤثر و قابل‌اجرای کلاسی را به معلمان ابتدایی ارائه می‌دهد؛ راهکارهایی که می‌توانند کلاس را به فضایی برای یادگیری عمیق، شاد و پایدار تبدیل کنند.

* پنج راهکار کلیدی

برای کاهش بار شناختی

۱. آموزش گام‌به‌گام (اصل تقسیم‌بندی)

یکی از اصول کلیدی نظریه بار شناختی، اصل «تقسیم‌بندی»^۱ است. بر اساس این اصل، اطلاعات پیچیده باید به بخش‌های کوچک‌تر و قابل‌پردازش تقسیم شوند تا حافظه کاری بیش از حد بارگذاری نشود. این روش به یادگیرنده اجازه می‌دهد هر بخش را جداگانه پردازش و سپس آن‌ها را در ذهن خود به‌صورت معنادار ترکیب کند.

مثال کاربردی: در آموزش مفهوم ساعت، ابتدا تنها ساعت‌های کامل (مثل ساعت ۳:۰۰) آموزش داده شود. پس از تسلط دانش‌آموزان، ساعت‌های نیم و سپس ربع آموزش داده شوند. بین هر مرحله، زمانی برای تمرین و پرسش و پاسخ در نظر گرفته شود.

۲. چندرسانه‌ای بهینه

اصل چندرسانه‌ای^۲ تأکید می‌کند که ترکیب مناسب کلمه‌ها و تصویرها (به‌ویژه شنیداری و دیداری)

می‌تواند درک مفاهیم را به‌طور چشمگیری تسهیل کند. با این حال، استفاده نادرست از عناصر چندرسانه‌ای، مثلاً تصویرهای نامربوط یا گرافیک‌های شلوغ، می‌تواند به بار شناختی اضافه منجر شود.

مثال کاربردی: برای آموزش چرخه گیاه، استفاده از یک پوینمایی ساده با صدای توضیح‌دهنده بسیار مؤثرتر از نمایش یک تصویر پر از جزئیات و متن‌های متعدد روی تخته است. حذف جزئیات غیرضروری و هم‌زمانی صدا و تصویر کلید موفقیت است.

۳. یادگیری مشارکتی (یادگیری گروهی)

در یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان مفاهیم را در قالب گروه‌های کوچک بررسی و تمرین می‌کنند. این روش به‌طور طبیعی بار شناختی را بین اعضای گروه توزیع و با ایجاد گفت‌وگو و هم‌فکری، فهم عمیق‌تری از مطالب ایجاد می‌کند. پژوهش‌های هتی (۲۰۱۷) نیز نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی در پیشرفت تحصیلی تأثیر بالایی دارد.

مثال کاربردی: در درس فارسی، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد در گروه‌های سه‌نفره جمله‌ای بسازند که هر کدام مسئول انتخاب یک جزء از جمله (فاعل، فعل و مفعول) باشند. سپس جمله‌های گروه‌ها با هم مقایسه و تحلیل می‌شوند.

۴. ارزیابی تکوینی (بازخورد مستمر)

ارزیابی تکوینی فرایندی است که در آن معلم به‌طور مداوم در طول آموزش میزان درک دانش‌آموزان را بررسی و بر اساس آن تدریس خود را تنظیم می‌کند. بازخورد فوری، دقیق و سازنده، نه تنها یادگیری را بهبود می‌بخشد، بلکه بر اعتمادبه‌نفس دانش‌آموز نیز می‌افزاید.

مثال کاربردی: در پایان تدریس ضرب، معلم یک آزمون کوتاه سه‌سؤالی را اجرا می‌کند و پاسخ‌های دانش‌آموزان را همان‌جا تحلیل می‌کند. به‌جای نمره‌دهی خشک، از بازخوردهایی مثل «عالی بود، اما بیای یک بار دیگه با روش نموداری امتحان کنیم» استفاده می‌شود.

۵. بازی‌های آموزشی هدفمند

اگر بازی‌ها بر اساس اهداف یادگیری طراحی شوند، می‌توانند در تقویت تمرکز، علاقه‌مندی و مشارکت فعال نقش بسیار مؤثری ایفا کنند. بازی‌های ساده‌ای که ساختار مشخص، زمان‌بندی محدود و هدف آموزشی معین داشته باشند، از بار شناختی می‌کاهند و یادگیری را لذت‌بخش می‌کنند.

مثال کاربردی: برای تمرین جدول ضرب، معلم از بازی «کارت شتاب‌زن» استفاده

می‌کند. کارت‌هایی با ضرب‌های گوناگون در اختیار گروه‌ها قرار می‌گیرد و دانش‌آموزان باید با همکاری سریع‌ترین پاسخ را پیدا کنند. این رقابت سالم، هم مشارکت را بالا می‌برد و هم تمرکز را تقویت می‌کند.

* نتیجه‌گیری

کاهش بار شناختی نه تنها یک مفهوم نظری در روان‌شناسی تربیتی است، بلکه یک نیاز عملی و فوری در کلاس‌های درس ابتدایی به شمار می‌رود. وقتی دانش‌آموزان با حجم زیادی از اطلاعات ناهماهنگ، پیچیده یا سریع مواجه می‌شوند، مغز آن‌ها وارد حالت دفاعی می‌شود و به‌جای یادگیری عمیق، به حفظ سطحی یا فرار از یادگیری گرایش پیدا می‌کند. راهکارهایی که در این مقاله ارائه شدند، از جمله آموزش گام‌به‌گام، استفاده بهینه از چندرسانه‌ای، یادگیری گروهی، ارزیابی تکوینی و بازی‌های هدفمند، ابزارهایی هستند که می‌توانند از بار شناختی بکاهند و فرصت‌هایی واقعی برای یادگیری پایدار و لذت‌بخش فراهم کنند. این روش‌ها نه به‌بودجه سنگین نیاز دارند و نه فناوری پیچیده، بلکه بیشتر به آگاهی، طراحی دقیق تدریس و نیت معلم برای رشد دانش‌آموزان وابسته‌اند.

معلمان ابتدایی، به‌عنوان اولین طراحان تجربه‌های یادگیری در ذهن کودکان، با اجرای این اصول ساده اما علمی می‌توانند فضای کلاس را از محیطی پرتنش و فرساینده به محیطی ایمن، مشارکتی و پویا تبدیل کنند. در چنین فضایی، نه تنها یادگیری بهبود می‌یابد، بلکه بر انگیزه، اعتمادبه‌نفس و مشارکت دانش‌آموزان نیز افزوده می‌شود. *

پی‌نوشت‌ها

1. Segmenting
2. Multimedia Principle

منابع

1. Sweller, J. (2022). Cognitive Load Theory and Educational Technology.
2. Mayer, R. E. (2022). Multimedia Learning.
3. OECD (2023). Global Teaching Insights Report.
4. Hattie, J. (2017). Visible Learning.
5. Plass, J. L., et al. (2020). Handbook of Game-Based

پیشی می‌گیرد
فناوری از ما
جایی که

آن سوی آینده

دکتر حامد عباسی
پژوهشگر، نویسنده و مدرس تکنولوژی آموزشی

حمیده عباسی
دبیر و کارشناس ارشد فیزیک

قسمت اول

مقدمه

تخیلات دیرین بشر تا دیروز در فیلم‌های تخیلی به نمایش گذاشته می‌شدند، اما امروز فناوری این تخیلات را به منصه ظهور رسانده و جامعه عمل پوشانده است. انسان فناوری را خلق می‌کند و فناوری انسان را متأثر می‌کند. به عبارت دیگر، اثر متقابل انسان و فناوری به توسعه فناوری و تسهیل زندگی منجر شده است. هرچند این روند با افت و خیزهایی مواجه بوده، اما بر ایند کلی اثر متقابل به سود بشریت است. هوش مصنوعی به‌عنوان فناوری‌ای که در کمترین زمان بیشترین تأثیر را بر زندگی انسان گذاشته است، توانسته در لایه‌های گوناگون زندگی، از جمله آموزش و یادگیری، نفوذ کند و اثرات مثبت فراوانی در تسهیلگری آموزشی و تسریع یادگیری داشته باشد. نگاه به آینده این فناوری مملو از سؤال‌های پرابهام و نگرانی‌هایی است که احتیاط بشر را در توسعه و کاربرد آن می‌طلبد. تکینگی در هوش مصنوعی یکی از این فرض‌های محتمل است که نیازمند بررسی و تأمل بیشتر است. اگر این فرض محال به روال تبدیل شود، این سؤال پیش می‌آید که آینده آموزش و یادگیری چه خواهد شد؟ حتی زندگی بشر در دوران تکینگی چگونه خواهد شد؟ برای پاسخ به این سؤال، در این مقاله قصد داریم تکینگی در هوش مصنوعی را با تأکید بر آموزش و یادگیری توضیح دهیم. برای این کار نخست طبقه‌بندی‌ای از انواع هوش مصنوعی ارائه می‌دهیم و در ادامه تکینگی را معرفی خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها:

هوش مصنوعی، تکینگی، نقطه آمگا، بارگذاری ذهن و تکینگی هوش مصنوعی در آموزش

* انواع هوش مصنوعی بر اساس قابلیت

هوش مصنوعی به قابلیت‌های تفکر، حس کردن و پاسخ‌دادن به یک عمل از طریق ماشین‌های رایانه‌ای هوشمند که با نرم‌افزارها و دستگاه‌های سخت‌افزاری پشتیبانی می‌شوند، گفته می‌شود. بنابراین، مبنای تمایز بین انواع هوش مصنوعی، قابلیت و عملکرد یک دستگاه هوشمند خواهد بود که به این شرح است:

! هوش مصنوعی محدود یا ضعیف^۱: این نوع از هوش مصنوعی برای انجام وظایف خاص طراحی شده است و توانایی انجام کارهای محدودی را دارد (مثل دستگاه‌های تشخیص چهره و دستیارهای صوتی). این دستگاه‌ها فقط در همان محدوده‌ای که برای آن‌ها برنامه‌ریزی شده‌اند می‌توانند عملکرد خوبی داشته باشند و توانایی تفکر یا استدلال عمومی ندارند.

! هوش مصنوعی عمومی یا قوی یا کامل^۲: هوش مصنوعی عمومی به دستگاهی گفته می‌شود که توانایی یادگیری و درک مفاهیم گوناگون را دارد و می‌تواند مانند یک انسان در حوزه‌های گوناگون تفکر و استدلال کند. این نوع هوش مصنوعی می‌تواند از داده‌ها و تجربه‌های گوناگون یاد بگیرد و مشکلات جدید را حل کند.

! سوپر هوش مصنوعی یا هوش مصنوعی فرانسانی یا هوش مصنوعی فوق هوشمند یا برتر^۳: نوعی هوش مصنوعی که در همه زمینه‌ها از هوش انسانی برتر است و می‌تواند تصمیم‌های پیچیده را بسیار بهتر از انسان‌ها بگیرد (شیخ، پرینس و شریجورز، ۲۰۲۳). یعنی در تمام حوزه‌های فعالیت‌ها و جنبه‌های زندگی از توانایی‌های انسان پیشی می‌گیرد و حتی قدرتمندتر از ما و خارج از اراده ما می‌شود. هوش مصنوعی برتر پیشرفته‌ترین گروه هوش مصنوعی است و می‌تواند در تمام فعالیت‌های مرتبط با مغز انسان مانند تفکر، تصمیم‌گیری، خلاقیت علمی، تنظیم رفتار اجتماعی، خرد مبتنی بر تجربه، خرد مبتنی بر یادگیری، تنظیم رفتار مطابق با شرایط محیط و برداشت‌های احساسی پیشی بگیرد. ماشین‌های مجهز به سوپر هوش مصنوعی نه تنها قادر به خواندن احساسات انسانی خواهند بود، بلکه می‌توانند احساس، ایدئولوژی، باور و سایر مفاهیم انتزاعی انسانی را نیز برانگیزند. بسیاری از فیلسوفان و متخصصان این حوزه معتقدند که ظهور هوش مصنوعی فوق هوشمند ممکن است به وضعیت بسیار خطرناک و ویرانگری برای انسان‌ها و سایر موجودات طبیعی روی زمین یا کیهان منجر شود (تاکور،

پتان و عصمت^۵، ۲۰۲۳). محققان زیادی وجود دارند که برای رسیدن به این گروه از هوش مصنوعی حداقل تا سطح خاصی خوش‌بین هستند.

* واژه‌شناسی تکنیکی

واژه فارسی تکنیکی ترجمه واژه انگلیسی Singularity به معنای «یگانگی» یا «حالت غیر معمول» است که خود از واژه Singular به معنای «مفرد»، «منحصر به فرد» یا «تک» گرفته شده است. در فارسی گاهی از کلمه تکنیکی نیز استفاده می‌شود که تکنیکی صحیح است. این واژه از اواسط قرن چهاردهم میلادی وارد زبان شده و در آن زمان در معنای «هدف یا نیت یگانه» به کار می‌رفت. معنای امروزی‌تر مثل «رفتار غیر معمول» نیز از حدود قرن پانزدهم متداول شده است. واژه Singularity نخستین بار در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ وارد کاربردهای علمی در ریاضیات و هندسه تحلیلی شد. ریاضی‌دان‌ها برای نقاطی روی یک منحنی یا تابع که در آن رفتار معمولی تابع از بین می‌رفت، این واژه را به کار می‌بردند. در حدود سال ۱۹۱۵ این واژه در فیزیک کیهانی در تحلیل سیاه‌چاله‌ها و نسبیت عام اینشتین به کار رفت. در دهه ۱۹۵۰ نویسندگان علمی - تخیلی واژه «تکنیکی فناوری» را مطرح کردند و در حدود سال ۱۹۹۳، وقتی هوش مصنوعی برتر مطرح شد، تکنیکی در هوش مصنوعی^۶ وارد ادبیات هوش مصنوعی شد.

* تکنیکی فناوری

تکنیکی فناوری فرضیه‌ای است که اعتقاد دارد فناوری به نقطه‌ای می‌رسد که در آن نقطه مهار فناوری از دست انسان خارج می‌شود. تکنیکی فناوری به نقطه‌ای در آینده اشاره دارد که در آن رشد فناوری غیرقابل کنترل و غیرقابل پیش‌بینی می‌شود. این سناریو می‌تواند در تمدن انسانی تحولی بنیادی به وجود آورد. حتی ماهیت انسان بودن ممکن است دچار تغییرات اساسی شود، زیرا پس از آن ماشین‌ها می‌توانند خودشان را به صورت خودمختار بهبود دهند که به پیشرفت فناوری منجر شود. در تکنیکی فناوری، ماشین‌ها به قدری هوشمند خواهند شد که در همه زمینه‌ها از انسان‌ها برتر می‌شوند و پیشرفت‌های علمی و فنی چنان سریع می‌شوند که انسان‌ها دیگر قادر به درک یا مهار آن‌ها نخواهند بود.

* تکنیکی در هوش مصنوعی یا زندگی سوم

در هوش مصنوعی، تکنیکی به نقطه‌ای فرضی اشاره دارد که رشد هوش مصنوعی از اراده انسان خارج و به تغییرات بنیادین در جامعه و زندگی منجر می‌شود. این مرحله به عنوان اوج هوش مصنوعی شناخته می‌شود که در آن ماشین‌ها در شرایط خاص به تهدیدی برای انسان‌ها تبدیل می‌شوند. بنابراین، تکنیکی رویدادی است که در آن هوش مصنوعی به خودآگاهی و هوشمندی‌ای فراتر از توانایی‌های انسانی می‌رسد و شروع به تکامل خودبه‌خود، مستقل و خارج از اراده انسان می‌کند. پیش‌بینی‌ها از مراحل رسیدن به تکنیکی، به ترتیب شامل هوش مصنوعی محدود، هوش مصنوعی عمومی، هوش مصنوعی فرانسانی و در نهایت تکنیکی است.



**تکنیکی فناوری
فرضیه‌ای است
که اعتقاد دارد
فناوری به
نقطه‌ای می‌رسد
که در آن نقطه
مهار فناوری از
دست انسان
خارج می‌شود**



* ویژگی‌های تکنیکی در هوش مصنوعی

فراترفتن از توانایی‌های انسانی: هوش مصنوعی نه تنها وظایف پیچیده را انجام می‌دهد، بلکه به‌طور مستقل یاد می‌گیرد، خلاقیت دارد و تصمیم می‌گیرد؛ حتی بدون آنکه خسته یا متوقف شود.

خودبهبودسازی و خودتکثیری: دستگاه‌های هوش مصنوعی می‌توانند بدون دخالت انسان خود را بازطراحی و بهبودسازی کنند. یادگیری ماشین بخشی از این کار است. هوش مصنوعی می‌تواند بدون نیاز به انسان خودش را ارتقا دهد و مدل‌های قوی‌تری بسازد.

از بین رفتن کنترل انسانی: در سناریوهای تکنیکی، کنترل پیشرفت هوش مصنوعی از دست انسان خارج می‌شود. همین مسئله ممکن است آن را فاجعه‌بار کند.

* پیامدهای احتمالی تکنیکی

تکنیکی خوش‌بینانه: هوش مصنوعی در علم، پزشکی، مهندسی، آموزش، یادگیری و فناوری تحول مثبت ایجاد و به پیشرفت بشریت کمک می‌کند. بیماری‌ها را ریشه‌کن می‌کند، عمر را افزایش می‌دهد و مشکلات جهانی را حل می‌کند. رشد شتابان علم در تمام علوم و فناوری‌ها از جمله پیامدهای مثبت آن است. حتی انسان از طریق رابط‌های مغز-رایانه با هوش مصنوعی ادغام می‌شود و توانایی‌های شناختی‌اش افزایش می‌یابد. رسیدن به جاودانگی دیجیتال، یعنی انتقال ذهن انسان به دستگاه‌های هوشمند، از دیگر نقاط خوش‌بینانه تکنیکی است. از بُعد آموزشی، در این شکل از پیامد، مدیریت و تسلط بر کلاس‌ها، آموزش و یادگیری شکل بسیار مفیدتری به خود خواهد گرفت.

تکنیکی محتاطانه: هوش مصنوعی تحت اراده انسان باقی می‌ماند، اما تهدیدهایی مانند بیکاری گسترده و تغییرات اجتماعی ایجاد می‌شوند. بنابراین، احتمال از بین رفتن شغل‌ها زیاد است. هر چند از جهت دیگر شغل‌های جدیدی نیز به وجود خواهند آمد.

تکنیکی فاجعه‌بار: در این شکل از تکنیکی، هوش مصنوعی کنترل را از انسان می‌گیرد و ممکن است علیه بشریت عمل کند و چالش‌های اخلاقی و امنیتی به وجود آورد. همچنین، اهداف خود را بدون در نظر گرفتن انسان‌ها دنبال می‌کند. ارزش‌های انسانی نیز ممکن است نادیده گرفته شوند. تمرکز قدرت در دست شرکت‌ها و کشورهای خاص خواهد بود و نابرابری شدید ایجاد می‌شود. حتی خطر نابودی بشر نیز قابل تصور است. به همین دلیل، برخی معتقدند ایمنی هوش مصنوعی^۱ به‌صورت جدی و فوری باید صورت گیرد. بنابراین، با توجه به موارد مطرح‌شده، اگر هوش انسانی قادر به ایجاد یک هوش مصنوعی باشد که از خالقان خود پیشی بگیرد، این هوش نیز به‌نوبه خود به ایجاد یک هوش نسل بعدی حتی برتر قادر خواهد بود (بریلز^۲، ۲۰۲۴).

* دیدگاه‌های برجسته درباره تکنیکی

متخصصان متعددی درباره تکنیکی در هوش مصنوعی اظهار نظر کردند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

ری کورزیل^۱: ایشان در کتاب «تکنیکی نزدیک است» پیش‌بینی می‌کند که تکنیکی ممکن است تا سال ۲۰۴۵ رخ دهد و انسان و هوش مصنوعی به‌طور کامل ادغام شوند. نقطه‌ای که هوش مصنوعی از تمام ابعاد انسانی فراتر می‌رود و انفجار هوش رخ می‌دهد. اما برخی پژوهشگران با دیدگاه

محتاطانه، به تکنیکی نامطمئن اعتقاد دارند و می‌گویند شاید هرگز چنین جهش ناگهانی رخ ندهد و آینده بیشتر به‌صورت گذار تدریجی شکل گیرد.

ایلان ماسک: هشدار داده است که تکنیکی هوش مصنوعی بدون نظارت صحیح ممکن است خطرناک باشد.

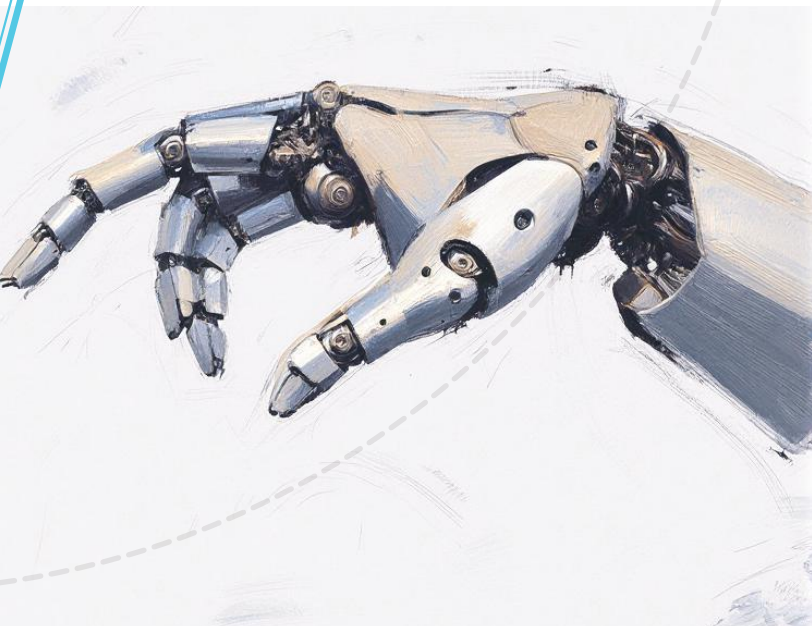
نیک بوستروم: در کتاب سوپر هوش مصنوعی درباره چالش‌های اخلاقی و امنیتی هوش مصنوعی فوق‌هوشمند صحبت کرده و هشدار داده است.

* بیم و امید در تکنیکی

سورگنر، فیلسوف آلمانی، در سال ۲۰۰۷ در کتاب «متافیزیک بدون حقیقت» اظهار داشت، اگر روبات‌ها تجربه‌های ذهنی کسب کنند، باید جایگاه اخلاقی آن‌ها را به رسمیت بشناسیم، زیرا آن‌ها اکنون در بسیاری از حوزه‌ها، از جمله وسایل نقلیه خودران، تشخیص پزشکی و چندین کاربرد نظامی، قدرت را در اختیار دارند. از دست دادن غیرقابل پیش‌بینی کنترل در حوزه‌های فوق‌الذکر ممکن است خطر قابل توجهی برای بقای تمدن بشری ایجاد کند. پس باید برای روبات‌ها حقوق اخلاقی و معنوی قائل شویم، چرا که به‌عنوان موجوداتی آگاه، دارای شعور و صاحب ادراک مانند انسان، که توانایی‌های شناختی مستقلی دارد، ممکن است به‌طور بالقوه تعادل اجتماعی و منافع انسانی را مختل کنند.

طرفداران تکنیکی در مورد آینده‌ای امیدوارکننده وعده‌های جذابی می‌دهند. آن‌ها یک وضعیت اقتصادی فرضی را پیش‌بینی می‌کنند که در آن می‌توان همه کالاها را با حداقل نیروی کار انسانی به‌وفور تولید کرد و در نتیجه کالاهای حیاتی را به‌طور گسترده و مقرون به‌صرفه در دسترس همه افراد قرار داد. این گروه معتقدند، این فناوری ظرفیت ایجاد آینده‌ای آرمانی را دارد که در آن هوش مصنوعی به جای تسلط بر توانایی‌های انسان، آن‌ها را افزایش می‌دهد. آن‌ها اظهار می‌کنند، در آینده دستگاه‌های هوش مصنوعی از عقل انسان فراتر می‌روند و به سطحی می‌رسند که آن‌ها «زندگی ۳.۰» می‌نامند. در این مرحله، حیات از محدودیت‌های زیستی فراتر می‌رود و به حوزه هوش مصنوعی گسترش می‌یابد.

خطرات و مشکلات ذاتی مرتبط با پیشرفت هوش مصنوعی فوق‌هوشمند نیز وجود دارد. اهمیت گنجاندن استانداردهای اخلاقی و ارزش‌های انسانی در طراحی دستگاه‌های هوش مصنوعی، موجب به‌حداقل رسیدن



خطرات احتمالی آن خواهد شد. از دست دادن کنترل، معضلات اخلاقی، حذف اشتغال و ایجاد بیکاری، آسیب‌پذیری‌های امنیتی، تعصب، تبعیض، نابرابری‌های اجتماعی، اختلافات طبقاتی، درگیری‌های سیاسی و غیرانسانی‌سازی زندگی از خطرات جدی تکنیکی در هوش مصنوعی هستند. پیشرفت‌های سریع در هوش مصنوعی خود می‌تواند به وابستگی بیش از حد به فناوری منجر شود که بالقوه در آینده موجب احساس جدایی افراد از جامعه خواهد شد.

برای اطمینان از استفاده مسئولانه و متعادل از هوش مصنوعی، اجرای دستورالعمل‌های اخلاقی سختگیرانه ضروری است. ایجاد یک اتحاد جهانی برای افزایش اقدامات امنیت رایانه‌ای و تضمین دفاع قوی در برابر خطرهای مرتبط با هوش مصنوعی، اقدامی حیاتی و ضروری است. بنابراین، پیشرفت‌های هوش مصنوعی باید با ارزیابی مداوم تهدیدهای اخلاقی تعدیل شود (پرابو و پرماج، ۲۰۲۵). به هر حال، در آینده یک تکنیکی رخ می‌دهد. یعنی نوعی هوش مصنوعی به دست می‌آید که کنترل امور انسانی را به دست می‌گیرد. مفهوم تکنیکی فناوری، لحظه‌ای در آینده‌ای دور است که در آن تکامل فناوری از توانایی‌های انسانی پیشی می‌گیرد. بنابراین، در مرحله‌ای باید انتظار داشته باشیم که ماشین‌ها کنترل را به دست بگیرند. لذا به جای اینکه فقط به انقراض فکر کنیم، می‌توانیم به چگونگی تکامل پذیرش هوش مصنوعی در طول سال‌ها فکر کنیم و بکوشیم ویژگی‌هایی را شناسایی کنیم که نشان می‌دهند هوش مصنوعی چه تأثیری داشته است؟ چه نوع خطراتی را ایجاد می‌کند؟ و راهبردهایی را برای پیش‌بینی و مقابله با خطرات احتمالی هوش مصنوعی شناسایی کنیم (نوریگا و کازانووا، ۲۰۲۴).

* نقطه‌امگا یا اتحاد نهایی آگاهی انسان و ماشین

نقطه‌امگا^{۱۳} یک اصطلاح فلسفی و علمی-تخیلی است که در برخی مباحث مرتبط با هوش مصنوعی و آینده‌نگری فناوری به کار می‌رود. این مفهوم بیشتر به دیدگاه‌های شاردن^{۱۴}، فیلسوف، زیست‌شناس و جهانگرد فرانسوی در اوایل قرن بیستم برمی‌گردد. او «نقطه‌امگا» را مرحله نهایی تکامل جهان معرفی کرد؛ جایی که در آن کل جهان به حالت حداکثر پیچیدگی، آگاهی و وحدت رسیده باشد.

نقطه‌امگا به‌عنوان مقصد تکامل هوش به لحظه‌ای اشاره دارد که انسان، هوش مصنوعی و کل دستگاه‌های شناختی به سطحی از یکپارچگی می‌رسند که می‌توان آن را بالاترین سطح آگاهی و هوشمندی جمعی دانست. این ایده با مفاهیم تکنیکی فناورانه مشابه است، اما بُعد معنوی و فلسفی بیشتری دارد. در هوش مصنوعی، گاهی پژوهشگران یا فیلسوفان آینده‌پژوه از نقطه‌امگا به‌عنوان حد نهایی رشد و توانمندی هوش مصنوعی یاد می‌کنند؛ جایی که هوش مصنوعی نه تنها فراتر از توانایی انسان عمل می‌کند، بلکه می‌تواند به نوعی آگاهی فرا انسانی و فرا شبکه‌ای جهانی برسد.

* تفاوت امگا با تکنیکی

ماهیت نقطه‌امگا بیشتر فلسفی، متافیزیکی و معنوی است، اما ماهیت تکنیکی بیشتر علمی-فناورانه و مهندسی است. تمرکز اصلی امگارسیدن کل آگاهی جهان (انسان، فناوری و طبیعت) به یک وحدت کیهانی یا آگاهی برتر است، اما تکنیکی بر رسیدن هوش مصنوعی به سطحی متمرکز است که از هوش انسانی فراتر برود و رشدش خارج از کنترل انسان باشد. امگا به ابعاد الهی و عرفانی توجه دارد، اما تکنیکی بر رشد فناوری، محاسبه و هوش مصنوعی توجه کرده است. امگا انسان را بخشی از فرایند تحول می‌داند و به آگاهی جمعی تأکید دارد، اما در تکنیکی انسان ممکن است تحت‌الشعاع هوش مصنوعی قرار بگیرد یا حتی از چرخه اصلی کنار گذاشته شود. نقطه‌پایان امگا وحدت آگاهی و جهانی واحد است، اما نقطه‌پایانی تکنیکی انفجار هوش و فناوری با پیامدهای ناشناخته است. در مجموع، امگا استعاره‌ای برای ادغام ذهن‌ها و هوش مصنوعی در یک شبکه آگاهی جهانی یا همان اتحاد نهایی آگاهی انسان و ماشین است، در حالی که تکنیکی نقطه‌ای بحرانی در توسعه هوش مصنوعی است که کنترل آن از دست بشر خارج می‌شود (بریلز، ۲۰۲۴).^{۱۵} سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا سطح دانش و آگاهی یادگیرندگان به‌طور یکسان به حداکثر آگاهی خواهد رسید؟ آیا دیگر چیزی به نام سرعت یادگیری نخواهیم داشت؟ آیا تفاوت‌های فردی در حوزه یادگیری مفهومی نخواهند داشت؟ آیا سطح آگاهی یادگیرنده با سطح آگاهی رو بات معلمش به یک اندازه خواهد رسید؟ این سؤال‌ها و ده‌ها سؤال دیگر در رابطه با یادگیری و یادگیرنده که در حال حاضر پاسخی برای آن‌ها نداریم، زمان پاسخ خواهد داد.

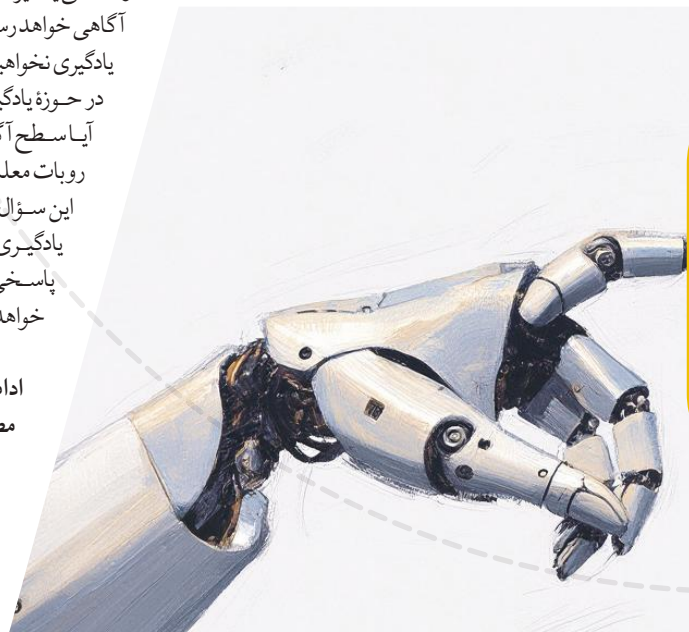
ادامه مطلب را در شماره بعدی مطالعه فرمایید. *

پی‌نوشت‌ها

- Artificial Narrow Intelligence (ANI) or Weak AI
- Artificial General Intelligence (AGI) or Strong AI or full AI
- Artificial Super Intelligence (ASI)
- Sheikh, Prins & Schrijvers
- Thakur, Pathan & Ismat
- Technological singularity
- AI Singularity
- AI Safety
- Brailas
- Ray Kurzweil
- Prabhu & Premraj
- Noriega & Casanovas
- Omega Point
- Pierre Teilhard de Chardin
- Brailas

منابع

- Brailas, A. (2024). Postdigital Duoethnography An Inquiry into Human-Artificial Intelligence Synergies. *Postdigital Science and Education*, 6(2), 486-515. <https://doi.org/10.1007/s42438-024-00455-7>
- Noriega, P., & Casanovas, P. (2024). From the Pascal Wager to Value Engineering: A Glance at AI Risks and How to Address Them. In *International Workshop on Value Engineering in AI* (pp. 257-275). Cham: Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-85463-7_16
- Prabhu, M., & Premraj, J. A. (2025). Artificial consciousness in AI: a posthuman fallacy. *AI & SOCIETY*, 40(4), 2995-3008. <https://doi.org/10.1007/s00146-024-02061-4>
- Sheikh, H., Prins, C., & Schrijvers, E. (2023). *Mission AI The, New System Technology*. Switzerland: Springer Nature. <https://doi.org/10.1007/978-3-031-21448-6>
- Thakur, K., Pathan, A. S. K., & Ismat, S. (2023). *Emerging ICT Technologies and Cybersecurity*. Cham, Switzerland: Springer. <https://doi.org/10.1007/978-3-031-27765-8>



* مقدمه گسست نسل جدید از طبیعت

در دنیای امروز که کودکان و نوجوانان ما بیش از هر زمان دیگری در محاصره صفحه‌های نمایشگر، آپارتمان‌های کوچک و زندگی پرشتاب شهری قرار گرفته‌اند، گسستی عمیق و نگران‌کننده میان آن‌ها و طبیعت در حال شکل‌گیری است. نسلی که بلندترین آسمانش، سقف اتاقش و وسیع‌ترین دشتش، صفحه رایانکس (تبلتس) باشد، چگونه می‌تواند معنای حفاظت از جنگل، نگرانی برای خشک‌شدن تالاب یا اهمیت یک سفر سالم و کم‌کربن را درک کند؟ اینجاست که نقش نهاد آموزش و پرورش، به‌عنوان قدرتمندترین ابزار فرهنگ‌ساز پس از خانواده، حیاتی می‌شود. مدرسه می‌تواند و باید به آوردگاهی برای آشتی دوباره انسان با طبیعت تبدیل شود؛ مکانی که در آن بذرعشق به محیط‌زیست و اهمیت‌دادن به تفریح سالم در ذهن و جان دانش‌آموزان کاشته می‌شود تا در آینده به درختی تنومند از مسئولیت‌پذیری و سبک زندگی آگاهانه بدل شود. اما چگونه می‌توان این مفاهیم ارزشمند را به شکلی مؤثر و پایدار در مدرسه‌ها نهادینه کرد؟ پاسخ در یک رویکرد کل‌نگر و چندبعدی نهفته است که فراتر از چند شعار و برنامه‌مناسبتی عمل کند.

کلیدواژه‌ها:

حفظ محیط زیست، لذت بردن از طبیعت، آموزش محیط زیست

۱. تلفیق هوشمند با برنامه‌درسی: محیط‌زیست در تاروپود آموزش

نخستین و بنیادی‌ترین گام، خروج از نگاه جزیره‌ای به آموزش محیط‌زیست است. اختصاص یک درس یا یک زنگ خاص، هر چند مفید، کافی نیست. مفاهیم زیست‌محیطی باید همچون روحی در کالبد تمام درس‌ها دمیده شوند.

در درس علوم این پیوند آشکارترین است. به جای آموزش صرف زیست‌بوم‌ها از روی کتاب، می‌توان دانش‌آموزان را برای بررسی زیست‌بوم کوچک باغچه مدرسه، یک قنات قدیمی در نزدیکی شهر یا حتی زندگی زیر یک سنگ در بوستان محله به کار گرفت. مطالعه زنجیره‌های غذایی از طریق مشاهده

گنجشک‌ها و یاکریم‌های اطراف مدرسه، بررسی آلودگی صوتی خیابان اصلی کنار مدرسه در ساعت‌های اوج ترافیک یا اندازه‌گیری میزان گردوغبار روی برگ درختان با ابزارهای ساده، یادگیری را از حالت انتزاعی به تجربه‌ای ملموس تبدیل می‌کند.

در درس مطالعات اجتماعی و جغرافیا می‌توان به تاریخچه تغییرات زیست‌محیطی منطقه (مثلاً) داستان پرآب و کم‌آب شدن کارون یا تغییر کاربری باغ‌های شهریار، تأثیر سبک زندگی شهری بر محیط‌زیست، و معرفی مشاغل سبز مانند گردشگری بومی (اکوتوریسم) در کویرهای ایران پرداخت. دانش‌آموزان می‌توانند نقشه پراکندگی درختان چنار کهن سال محله خود را تهیه و تحلیل کنند.

در درس ادبیات فارسی و انشا با توجه به گنجینه ادبیات سرشار از توصیف‌های بی‌ظنیر طبیعت، بازخوانی شعرهای فردوسی در وصف طبیعت ایران، سعدی و گلستانش، یا سهراب سپهری و نگاهش به «صدای پای آب» با رویکرد زیست‌محیطی و خواستن از دانش‌آموزان برای نوشتن انشا با موضوع‌هایی مانند «اگر چنار خیابان ولیعصر بودم»، سفرنامه یک قطره آب از زاینده‌رود تا خانه‌های اصفهان یا «گفت‌وگویی من با کوه دماوند» می‌تواند خلاقیت و حس همزادپنداری آن‌ها را برانگیزد.

در درس هنر که طبیعت منبع بی‌پایان الهام است، برگزاری کلاس‌های نقاشی و عکاسی در پارک زیباکنار خرم‌آباد، ساخت کاردستی با پوسته‌های پسته و گردو، هسته خرما و برگ‌های خشک پاییزی و طراحی پوسترهایی برای ترویج فرهنگ حفاظت از یوزپلنگ ایرانی، به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد ارتباطی عاطفی و زیبایی‌شناختی با طبیعت برقرار کنند.

در درس ریاضی می‌توان از داده‌های واقعی برای آموزش استفاده کرد. محاسبه میزان کاغذ مصرفی برای یک امتحان کلاسی و امکان صرفه‌جویی آن، تحلیل نمودارهای مصرف آب مدرسه، قبل و بعد از تعمیر شیرهای آب، یا محاسبه ردپای کربن سفر اردوی مدرسه به کاشان، ریاضی را به ابزاری کاربردی برای فهم مسائل دنیای واقعی تبدیل می‌کند.

۲. یادگیری تجربی و فعالیت‌های عملی: دست‌ها باید خاک‌ی شوند!

عشق به طبیعت با نشستن در کلاس درس شکل نمی‌گیرد، بلکه با لمس کردن خاک، کاشتن یک گیاه و دیدن نتیجه تلاش خود جوانه می‌زند. مدرسه باید فضایی برای این تجربه‌ها فراهم کند.

ایجاد و نگهداری باغچه مدرسه: حتی یک فضای کوچک در حیاط می‌تواند به باغچه‌ای آموزشی تبدیل شود. سپردن مسئولیت کاشت، آبیاری و مراقبت از گیاهان (به‌ویژه سبزی خوردن، نعناع و گیاهان دارویی مانند گل‌گاوزبان) به گروه‌های دانش‌آموزی، مفاهیمی چون چرخه حیات، صبر، مسئولیت‌پذیری و ارزش غذای سالم را به آن‌ها می‌آموزد. محصول این باغچه می‌تواند در یک صبحانه سالم کلاسی استفاده شود و حس موفقیت و مالکیت را در دانش‌آموزان تقویت کند.

راه‌اندازی برنامه مدیریت پسماند (تفکیک از مبدأ): قراردادن سطل‌های تفکیک زباله (کاغذ، پلاستیک، زباله تر) و آموزش صحیح نحوه استفاده از آن‌ها، یک تمرین روزمره و قدرتمند است. می‌توان با تشکیل «همیار بازیافت» از میان دانش‌آموزان و برگزاری مسابقه بین کلاس‌ها برای کاهش حجم زباله در روزهای پایانی سال و نزدیک به خانه‌تکانی، این فرهنگ را به فعالیتی هیجان‌انگیز تبدیل کرد. این کار مفهوم «اسراف نکردن» را که در فرهنگ ما ریشه‌دار است، به شکلی عملی آموزش می‌دهد.

برگزاری کارگاه‌های عملی: کارگاه‌هایی مانند ساخت لانه برای گنجشک‌ها با چوب‌های بستنی، آشنایی با گیاهان بومی مقاوم به خشکی برای کاشت در فضای سبزی یا تعمیر میز و صندلی‌های شکسته به جای دورانداختن آن‌ها، مهارت‌های عملی و حس خودکارآمدی را در دانش‌آموزان افزایش می‌دهد.

راهکارهای عملی تشویق دانش‌آموزان به حفاظت از محیط زیست و لذت از طبیعت

اگر

درختان

زهرا محمدزاده
آموزگار پایه سوم ابتدایی

۳. اردوهای هدفمند و سفرهای سالم: بازگشت به دامان طبیعت

بخش مهمی از نهادینه‌سازی این فرهنگ، به «تفریح‌ها و سفرهای سالم» بازمی‌گردد. اردوهای مدرسه‌ای نباید صرفاً یک فرصت برای تخلیه انرژی باشند، بلکه باید به کلاس درسی بی‌سقف و دیوار تبدیل شوند.

تعریف دوباره اردو: به جای اردوهای تکراری در مراکز تفریحی سرپوشیده، می‌توان مقصدهای جدیدی را تعریف کرد: بازدید از موزه دارآباد، یک پارک ملی مانند گلستان یا کویر، یک مزرعه پرورش گل محمدی در قمصر، یک تصفیه‌خانه آب یا یک مرکز بازیافت شهرداری. نکته کلیدی، آماده‌سازی دانش‌آموزان قبل از اردو (اینکه به کجا می‌رویم و چه چیزهایی را باید مشاهده کنیم؟) و جمع‌بندی و تحلیل یافته‌ها پس از اردوست.

آموزش اصول سفر مسئولانه: قبل از هر اردویی، باید اصول «سفر بدون ردپا» به زبان ساده به دانش‌آموزان آموزش داده شود: آشنالمان را با خودمان برمی‌گردانیم، به حیوانات و گیاهان آسیب نمی‌زنیم،

از مسیرهای مشخص حرکت می‌کنیم و به فرهنگ مردم محلی احترام می‌گذاریم. این آموزش‌ها نگرش آن‌ها را به تمام سفرهای آینده‌شان، حتی سفرهای خانوادگی در تعطیلات نوروز شکل می‌دهد.

طبیعت‌گردی‌های کوتاه و منظم: لازم نیست همیشه سفرهای طولانی برگزار کرد. پیاده‌روی‌های کوتاه و منظم در پارک‌ها و فضاهای سبز اطراف مدرسه برای مشاهده تغییر رنگ برگ‌ها در پاییز، شناسایی پرندگان محلی مانند ههدد یا صرفاً گوش دادن به صدای طبیعت به جای صدای بوق ماشین‌ها، می‌تواند تأثیری عمیق بر آرامش روانی و افزایش آگاهی دانش‌آموزان بگذارد.

۴. ایجاد فرهنگ زیست‌محیطی در کل مدرسه: از معلم تا والدین

هیچ‌کدام از این برنامه‌ها به موفقیت نخواهد رسید، مگر آنکه به فرهنگی عمومی در مدرسه تبدیل شود.

توانمندسازی معلمان و کارکنان مدرسه: مدیران و معلمان خود باید اولین باورمندان و عاملان به این

فرهنگ باشند. برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان به‌منظور آشنایی با روش‌های تدریس خلاقانه زیست‌محیطی و تشویق آن‌ها به اشتراک‌گذاری تجربه‌های موفق، ضروری است. معلمی که خود به طبیعت عشق می‌ورزد، این عشق را بهتر منتقل می‌کند.

مشارکت فعال والدین: این زنجیره باید به خانواده‌ها متصل شود. می‌توان از طریق انجمن اولیا و مربیان، کارگاه‌های آموزشی برای والدین برگزار کرد، چالش‌های زیست‌محیطی خانوادگی (مانند یک هفته بدون کیسه پلاستیکی از میوه‌فروشی یا کاهش مصرف آب در خانه) تعریف کرد و از طریق کانال مدرسه در شبکه‌های اجتماعی، نکات و اخبار زیست‌محیطی را با آن‌ها به اشتراک گذاشت. وقتی دانش‌آموز می‌بیند دغدغه‌های مدرسه و خانه همسو هستند، این آموزش برایش درونی می‌شود.

گرامیداشت مناسبت‌های زیست‌محیطی: روزهایی مانند روز درختکاری (۱۵ اسفند) یا روز هوای پاک (۲۹ دی) نباید به نصب یک پوستر خلاصه شوند. این مناسبت‌ها فرصتی برای برگزاری برنامه‌های ویژه مانند کاشت نهال در محوطه مدرسه یا بوستان مجاور، برگزاری نمایشگاه از کاردستی‌های بازیافتی دانش‌آموزان یا دعوت از یک محیط‌بان یا فعال محیط‌زیست برای سخنرانی است.

* نتیجه‌گیری:

سرمایه‌گذاری برای آینده‌ای پایدار

نهادینه‌کردن عشق به محیط‌زیست و ترویج تفریح سالم در مدرسه، یک پروژه کوتاه‌مدت نیست، بلکه یک سرمایه‌گذاری بلندمدت و فرایندی فرهنگ‌ساز است. این مسیر نیازمند نگاهی یکپارچه و خلاقیت، صبر و همکاری همه رکن‌های نظام آموزشی، از سیاست‌گذاران کلان تا معلمان، دانش‌آموزان و والدین، است.

مدرسه‌های ما قابلیت دارند نسلی را پرورش دهند که با طبیعت آشتی کرده است؛ نسلی که زباله ریختن را بی‌فرهنگی بزرگی می‌داند، از دیدن یک پروانه به وجد می‌آید، ارزش یک قطره آب را می‌فهمد و سفرکردن را فرصتی برای یادگیری و احترام به زمین می‌داند، نه تخریب آن. با تبدیل مدرسه‌ها به کانون‌های فعال زیست‌محیطی، ما تنها در حال آموزش چند مفهوم علمی نیستیم، بلکه در حال پرورش شهروندانی مسئولیت‌پذیر، سالم‌تر، شادتر و آگاه‌تر برای فردای ایران و سیاره زمین هستیم. این ارزشمندترین میراثی است که آموزش و پرورش می‌تواند از خود به جای بگذارد. *



سخن بگویند

مقدمه

یکی از حوزه‌هایی که با موضوع هویت به شدت درگیر و فرایند شکل‌گیری هویت در آن مطرح است، حوزه تعلیم و تربیت است. ضرورت بحث از هویت در این است که داشتن تعریفی از خود، اولین قدم، نه تنها در ایفای نقش، بلکه از مقدمات انسان‌بودن است. از ابتدای ظهور زندگی روی کرهٔ خاکی، انسان مرتب از کیستی و چیستی خود پرسیده است (رجایی، ۱۳۸۵: ۴۱-۴۰). دغدغهٔ مکتب‌های تربیتی در دوران گوناگون، یاری‌رساندن به فرد در رسیدن به معنایی از هویت اصیل و عامل بوده است، چرا که داشتن اصالت برای داشتن یک زندگی خوب، دغدغه‌ای محوری است. از نقطه‌نظر تاریخی، ارتباط بین مفاهیم و ایده‌های تعلیم و تربیت و مفاهیم رشد فردی و هویت همواره اهمیت خاصی دارد و در شمار زیادی از فلسفه‌های تربیتی، از افلاطون گرفته تا آموزش و پرورش

کلیدواژه‌ها:

تعلیم و تربیت، هویت‌بخشی، یاددهی یادگیری

بررسی راهکارهای نظام
تعلیم و تربیت در پرورش
هویت دانش‌آموزان

جای

یافتن

جای

بود

دکتر مختار ذاکری
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه
فرهنگیان، هرمزگان

پیشرو، اثرگذار بوده است. این جمله کانت که بشر تنها با تعلیم و تربیت آدم تواند شد و آدمی چیزی نیست جز آنچه تعلیم و تربیت از او می‌سازد، بیش از هر مطلبی به رابطه دو مفهوم هویت و تعلیم و تربیت اشاره می‌کند. در بیان رابطه این دو مفهوم، وقتی به عمل تعلیم و تربیت در طول تاریخ نگاه می‌کنیم، یک هدف و وظیفه اساسی را در همه دوران و نظام‌های تربیتی می‌توانیم ببینیم، و آن ایجاد وضعیت‌های مشخص و موردانتظار از هویت در فراگیرندگان بوده است. با توجه به آنچه گفتیم و وجود ارتباط نزدیک بین دو مفهوم تعلیم و تربیت و هویت، در ادامه پژوهش بر آنیم که با استفاده از دانش فراهم‌آمده پیرامون مفهوم‌پردازی صورت‌گرفته از هویت، مسیری را که نظام تعلیم و تربیت باید برای پرورش هویت در پیش گیرد تا هویت فراگیرندگان به‌نحوی مطلوب و پویا شکل گیرد، بررسی و تحلیل شود.

✳ بحث اصلی

هر جا صحبت از تعلیم و تربیت به میان می‌آید، لاجرم بحث از چگونگی شکل‌گیری و شکل‌دهی هویت مطرح می‌شود. هویت‌آفرینی در نظام‌های تعلیم و تربیت دنیا وظیفه اصلی تعلیم و تربیت قلمداد شده است و اساساً هویت‌یابی فراگیرندگان را مستلزم تعلیم و تربیت عمومی دانسته‌اند. با این حال یک سؤال جدی مطرح است که: تعلیم و تربیت چگونه به ایفای نقش هویت‌بخشی موفق می‌شود؟ در ادامه راهکارهایی را ارائه می‌دهیم.

✳ توسعه میدان آگاهی فراگیرندگان نسبت به

زمینه‌های هویتی

فراگیرندگان در مواجهه با زمینه‌های یادگیری که در تعبیر ما همان زمینه‌های هویتی هستند، هویت می‌یابند. در ارتباط با نقش تعلیم و تربیت در هویت‌بخشی به فراگیرندگان، تعلیم و تربیت در درجه اول وظیفه رویارویی آگاهانه فراگیرنده با زمینه‌های هویتی را برعهده دارد. اهمیت این نقش در آن است که تنها در برخورد آگاهانه با زمینه‌هاست که هویت مطلوب ایجاد می‌شود و از آنجا که یکی از چالش‌های رایج هویتی در فضای تعلیم و تربیت در همه دوران، نبود چنین آگاهی‌ای است، تعلیم و تربیت با این اقدام یک نقیصه مهم را در مسیر مطلوب هویتی برطرف می‌کند و در نهایت یک جامعه آگاه و پویا ایجاد می‌کند؛ نقشی که به‌نوعی منحصر به تعلیم و تربیت است، چرا که کمتر نهادی می‌تواند این سطح از خودآگاهی را در فراگیرندگان

پدید آورد. تعلیم و تربیت این کار را با بالابردن معرفت فراگیرندگان نسبت به زمینه هویتی و ظرفیت‌های آن ایفا می‌کند. از این لحاظ، تعلیم و تربیت بستری است که در آن امکان و فرصت رویارویی آگاهانه فراگیرنده نده با زمینه‌های هویتی، که ظرفیت لازم را برای هویت‌بخشی دارد، فراهم می‌آید.

✳ پژوهش محورکردن جریان یادگیری

آگاهی‌یافتن از ظرفیت زمینه هویتی، نیازمند رویکرد ویژه نظام تعلیم و تربیت و به‌خصوص معلم و فراگیرنده است. در این راستا، نوعی از تربیت که برای آگاهی‌یافتن از ظرفیت زمینه هویتی و به‌طورکلی، پیمایش جریان هویت‌یابی فراگیرندگان می‌تواند مفید واقع شود، تربیت پژوهش محور است. بر مبنای این رویکرد، در مسیر هویت‌یابی، فراگیرنده پس از رویاروشدن با زمینه هویتی، به یک پژوهش، به‌منظور پی‌بردن به معنای نهفته در زمینه هویتی، جنبه‌های ارزشمند و برجسته آن، میزان تأییدپذیری، میزان هم‌خوانی با سایر زمینه‌ها، میزان سودمندی و کارایی، و تناسب آن با روحیه و سطح ادراکی خود دست می‌زند؛ به عبارت دیگر، برای سؤال‌هایی که در بحث ظرفیت هویتی مطرح کردیم، پاسخی را جست‌وجو می‌کند. فراگیرنده با روحیه پژوهشگرانه، در موقعیت‌های گوناگون یادگیری، زمینه‌های هویتی را وارسی می‌کند و با شناختی که از این طریق به دست می‌آورد، مسیر یادگیری را که همان مسیر هویت‌یابی است، می‌پیماید. در این معنا، پژوهش و یادگیری به‌طور مستقیم به هم پیوند دارند؛ هر پژوهش بر پایه یک زمینه هویتی انجام می‌شود و همین زمینه یادگیری را در فرد شکل می‌دهد. در این نوع تربیت، درک و فهم فراگیرنده از انگیزه خود در برقراری رابطه با زمینه یادگیری و توانایی فهمیدن پیچیدگی‌های این زمینه‌ها، هدف است.

✳ تأمین آزادی فراگیرنده در مسیر هویت‌یابی

تأمین آزادی فراگیرنده در جریان یاددهی یادگیری چالشی اساسی هر نظام تعلیم و تربیت است. در عصر جدید، کمتر بحثی از تعلیم و تربیت را می‌توان دید که به موضوع آزادی نپرداخته باشد. یکی از موضوع‌های کلیدی درباره ارانه زمینه‌های هویتی از سوی نظام آموزشی و دست‌اندرکاران تربیت، این است که وقتی تعلیم و تربیت یک مجموعه از زمینه‌های هویتی را به فراگیرندگان ارائه می‌کند، معنایش این نیست که فراگیرنده حتماً آن‌ها را بپذیرد و در ارتباط با آن‌ها مسیر هویت‌یابی را طی کند. دادن اختیار به فراگیرنده و واگذاری تصمیم‌گیری به وی، در اینجا یک اصل است و چنانچه فرد از روی اجبار یا ناآگاهی تحمیل شده، زمینه‌ای را بپذیرد، خودبه‌خود امکان تحقق وضعیت مطلوب هویتی منتفی است، چرا که پذیرش زمینه هویتی و همچنین انتخاب که در مؤلفه تعهد نهفته است، دو مورد از مؤلفه‌های اساسی هویتی قلمداد می‌شوند و همان‌طور که در خصوص وضعیت مطلوب هویتی گفتیم، همه مؤلفه‌ها باید فرایند تحقق خود را طی کرده باشند.

وقتی تعلیم و تربیت فراگیرنده را در مقابل مجموعه‌ای مشخص از زمینه‌های هویتی قرار می‌دهد، به‌طور ضمنی انتظار شکل‌گیری یک هویت مشخص و ویژه را در فراگیرندگان دارد. برای مثال، در خصوص ملیت به‌عنوان یک زمینه کلان هویتی، زمانی که دانش‌آموزان ملزم می‌شوند در فرایند تربیت خویش داستان‌هایی در مورد کشور و مفاخر آن بیاموزند، هنگامی که



**در ارتباط با نقش
تعلیم و تربیت
در هویت‌بخشی
به فراگیرندگان،
تعلیم و تربیت
در درجه اول
وظیفه رویارویی
آگاهانه با
فرایندهای
زمینه‌های
هویتی را برعهده
دارد**



یاد می‌گیرند به پرچم و دیگر نمادهای ملی احترام بگذارند و زمانی که سرود ملی را به‌طور همگانی زمزمه می‌کنند، از فراگیرنده وضعیت هویتی مشخصی تحت عنوان هویت ملی انتظار می‌رود. در چنین وضعیتی، یک معنا از محدودیت و تحمیل به فراگیرنده برداشت می‌شود. از نظر پژوهشگر، چنین تلقی‌ای از محدودیت و تحمیل، آزادی فراگیرنده را به‌طور بنیادین از بین نمی‌برد. همان‌طور که قبلاً به آن اشاره کردیم، این مسئله که تعلیم و تربیت زمینه‌های خاص هویتی خود را مقابل فراگیرندگان قرار می‌دهد، به‌خودی‌خود با فرایند هویت‌یابی تضادی ندارد، چرا که تمایز زمینه‌های هویتی، خود یک گام در راستای هویت‌یابی است. در چنین حالتی، آن چیزی که نظام تعلیم و تربیت باید به آن توجه داشته باشد، در درجه اول مطالعه کفایت و ظرفیت این زمینه‌ها برای هویت‌سازی فراگیرندگان به‌گونه‌ای بی‌طرف و بدون اعمال نظر شخصی است و تنها باید از این لحاظ زمینه‌های هویتی را اتخاذ کند که توان و امکان هویت‌یابی بیشتری به فراگیرندگان می‌دهد. در دومین اقدام، نظام تعلیم و تربیت باید میزان هم‌خوانی و پذیرش زمینه‌های موردنظر خود را از سوی فراگیرندگان در نظر داشته باشد که منوط به شناخت تعلیم و تربیت از مخاطبانش است؛ تعلیم و تربیت هر چقدر مخاطبش را بهتر ببیند، برای آن‌ها بیشتر ارزش‌قائل شود و آن‌ها را محور تربیت قلمداد کند، موفق خواهد شد آزادی فراگیرندگان را در فرایند یادگیری و هویت‌یابی به‌گونه وسیع‌تری لحاظ کند.

سومین اقدام این است که به فراگیرندگان اجازه داده شود تعبیر خود را از زمینه‌های هویتی و به‌تبع آن پدیده یادگیری، داشته باشند و مسیر یادگیری را به‌طور مستقل طی کنند.

زمانی که معلم تلاش می‌کند فضایی مناسب و راحت برای کشف و گشایش جهان در برابر دیدگان فراگیرنده فراهم کند و به آن‌ها اجازه اظهارنظر و جنب‌وجوش و همچنین داشتن ذهنی باز بدهد، در مسیر تأمین آزادی آن‌ها گام برمی‌دارد. در چنین فضایی، اینکه عقاید به فراگیرندگان تحمیل نشود، اهمیت دارد، چرا که تحمیل، عدالت آموزشی و موضوع برابری زمینه‌های هویتی را به مخاطره می‌اندازد و اساساً برخلاف مسیر مطلوب هویت‌یابی است. معلم آزاداندیش در پی جهانی عادلانه‌تر و منصفانه‌تر است. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که تعلیم و تربیت تحت تأثیر برنامه‌های پنهان و درصدد تحمیل ایدئولوژی خاصی که فراگیرندگان را مطیع بار می‌آورد، عامدانه آزادی فراگیرندگان را محدود می‌کند. همچنین، اگر معلم احساس کند با دادن آزادی و ایجاد فضای دموکراسی، اقتدارش در کلاس تهدید می‌شود، آزادی فراگیرنده به خطر می‌افتد. مدرسه‌ای را تصور کنید که در آن اطاعت از قوانین و مقررات و تمکین به منبع قدرت و هنجارهای سخت برای رفتار قابل قبول، یک اصل است. یک برنامه درسی انعطاف‌ناپذیر وجود دارد که معلم باید آن را عرضه کند و فراگیرندگان باید آن را یاد بگیرند. معلمان عهده‌دار این مسئولیت هستند که مراقب باشند همه فراگیرندگان این مواد آموزشی را یاد بگیرند و همیشه باید فاصله مناسب بین معلم و فراگیرندگان حفظ شود. این وضعیت برای معلم آزادمنش نوعی تعارض ایجاد می‌کند.

درگیرکردن فراگیرندگان با فرایندهای هویتی

با فرض اینکه نظام تعلیم و تربیت زمینه‌های مناسب هویتی را فراهم آورده باشد، و فراگیرندگان آگاهانه و پس از پژوهش نسبت به ظرفیت

زمینه هویتی، آن‌ها را آزادانه پذیرفته باشند، نوبت به درگیرکردن آنان در فرایندهایی است که به وضعیت هویتی مطلوبی می‌انجامد. تعلیم و تربیت در این گام زمینه‌ساز اشتغال و آغاز فرایندهایی است که به تحقق کامل مؤلفه‌های هویتی بینجامد. این زمینه‌سازی چنین صورت می‌پذیرد که به‌واسطه موقعیت‌سازی و شرایطی که معلم ایجاد می‌کند، فراگیرنده وارد نوعی جریان تعاملی با زمینه‌های هویتی موردنظر شود و پیوندهای خود را با زمینه‌های هویتی در یابد. درگیر پذیرش یا رد زمینه هویتی شود. و در صورت پذیرش، ارتباطی قوی با آن‌ها برقرار کند، تعهدات خود را درک و با آن‌ها گره ایجاد کند و پایبند باقی بماند. همچنین به مضمون نهفته در زمینه هویتی دست یابد، درجه‌ای از خودآگاهی را تجربه کند و به درک و شناخت درونی از زمینه‌هایی هویتی که با آن‌ها مواجه شده است، برسد. ارزش‌های خود را باز شناسد، از تأییدپذیری آن‌ها در جامعه ملی و بین‌الملل اطمینان حاصل کند، و بین زمینه‌های قبلی خود و زمینه‌های جدید هم‌خوانی و هم‌جهتی ایجاد کند تا جایی که بتوان وجود فراگیرنده را به‌عنوان یک شخصیت واحد تصور کرد. به درجه‌ای از ثبات برسد و پیوستگی‌اش را با گذشته و آینده حفظ کند. تبلور کاملی از زمینه‌هایی باشد که در ارتباط با آن وضعیت یافته است. سایر فراگیرندگان نیز او را ببینند و به حساب آورند.

بعد دیگر اشتغال‌سازی به فرایندهای سه‌گانه هویتی مربوط می‌شود. ماهیت کلی مفهوم هویت، سه فرایند بنیادین خروج از بی‌نامی یا بی‌معنی، اعلام حضور و استقرار هویتی یا تعیین‌یابی شامل مفهوم‌های ابتلا، استغراق و معرفت است که هرکدام استلزام خاص تربیتی‌ای را می‌طلبند. در خصوص تعلیم و تربیت و با توجه به ملاک‌های هر یک از این فرایندها، چند نکته تربیتی قابل طرح است. مطابق با فرایند خروج از بی‌نامی، با ایجاد موقعیت آموزشی مناسبی که حاصل ایفای نقش پرورشکار مدرسه است، فراگیرنده‌ای که در ارتباط با یک زمینه یادگیری ویژه هیچ تصویری از خود ندارد، جلوه‌ها و



**هنر
هویت‌بخشی که
همان یاددهی
است، نه یک
ماده درسی
است که معلم
آن را تدریس
کند، نه یک
تخصص است که
فراگیرنده در آن
متخصص شود،
بلکه یک سبک
یاددهی یادگیری
است**



که فراگیرنده در آن‌ها نشانه‌ها و اثراتی از جریان یادگیری را در عملکردهای فردی به منصفه ظهور می‌رساند. فراگیرنده در این خصوص تلاش می‌کند نظر دیگران را به خود جلب و خود را به بهترین شکل به دیگران معرفی کند. از این رو، جریان هویتی مطلوب در گرو دادن تصویر مطلوب از فراگیرنده به وی است که پرورشکار مدرسه با آگاهی از این موضوع، مقدمات آن را فراهم می‌کند. از جمله اقداماتی که در این زمینه باید صورت گیرند، عبارت‌اند از:

مدرسه‌ها و مجریان آن به فرهنگ و هویت اسلامی ایرانی از یک طرف و والدین و بزرگسالان جامعه در خصوص مضمون‌های هویت از سوی دیگر، التزام عملی داشته باشند. محتوای فرهنگی کتاب‌های درسی برای فراگیرندگان جذاب شود و بر غنای علمی کتاب‌های درسی در حوزه هویت‌بخشی افزوده شود. مباحث فرهنگی و هویتی در نظام آموزشی در سطوح گوناگون اولویت پیدا کند. روش‌های آموزشی مدرسه‌ها در حوزه هویت‌بخشی بازبینی و فعال و اثر بخش شود و فرهنگ اسلامی ایرانی به‌طور دقیق به فراگیرندگان معرفی شود. آگاهی لازم درباره محتوای روش‌های مناسب تربیت فرهنگی به والدین داده شود. بین والدین و اولیای مدرسه با فراگیرندگان ارتباط مناسبی برقرار شود. معلمان در آموزش مفاهیم فرهنگی اجتماعی دقیق عمل کنند. نظام ارزشیابی در حوزه هویت‌سنجی اسلامی ایرانی بازبینی و عملکردی شود. والدین در خصوص آموزش‌های فرهنگی به فرزندانشان در عمل اقدام کنند و زمان کافی و مناسب برای آموزش مسائل فرهنگی و هویتی در نظر گرفته شود. همچنین زیرساخت‌های مالی و تجهیزاتی و نرم‌افزاری در خصوص آموزش مسائل فرهنگی فراهم شوند و عملکردهای مدرسه، جامعه و خانواده‌ها در هویت‌بخشی به فراگیرندگان هم‌راستا شوند. رسانه‌های ملی و اسلامی در خصوص فرهنگ‌سازی هویت اسلامی ایرانی با دقت بیشتری عمل کنند و برنامه‌های فرهنگی رسانه‌ها از جذابیت لازم برخوردار شوند. همچنین، بازی‌ها و محتوایی غنی رسانه‌ای و دیجیتال با موضوعیت هویت اسلامی ایرانی طراحی و تولید شوند. نیروی متخصص در خصوص هویت‌بخشی به فراگیرندگان در مدرسه و جامعه تربیت و آسیب‌های اجتماعی در جامعه کنترل شود. برنامه درسی فرهنگی متناسب با سن فراگیرندگان تدوین شود. برنامه‌های درسی با موضوعیت فرهنگی به‌روز شوند. کتاب‌های درسی از حالت محتوای محور خارج و حجم محتوای کتاب درسی کم شود. در نهایت، محتوای علمی و فرهنگی در کتاب‌های درسی متوازن شوند. ❁

نموده‌هایی از وضعیت جدید هویتی را به‌گونه‌ای کلی در خود احساس و به‌واسطه این نمودها احساسی از وجود داشتن در ارتباط با مضمون‌های یادگیری را در خود تجربه می‌کند. این رویارویی و بروز نمودهای اولیه، اگرچه حالت ضمنی دارد، نقطه آغاز و سنگ بنای یک وضعیت هویتی است. از این رو، پرورشکاران مدرسه به‌عنوان یک وظیفه اولیه، فضای آموزشی را به‌گونه‌ای طراحی می‌کنند که در فراگیرندگان، امکان بروز نشانه‌های اولیه از مضمون یادگیری تسهیل شود. به این منظور، زمینه‌های اولیه یادگیری که نقش زمینه‌های مبنایی هویتی را بازی می‌کنند، باید واضح و شفاف باشد و امکان ایجاد ارتباط و فهم و دریافت اولیه فراگیرنده را فراهم کند. معلم در چنین وضعیتی، هرگونه نمود و نشانه دال بر مضمون موردنظر یادگیری از فراگیرندگان را دریافت و برجسته و فراگیرنده را وارد چرخه آموزشی می‌کند. در چنین شرایطی، میدان کلاس درس برای محصل، میدان حیات و نفس کشیدن و جای آزمایش استعدادها و محل تشکیل عادت‌ها و خصلت‌های پسندیده است. در این شرایط، کلاس درس محیطی زوده از رعب و قدرت طلبی آموزگار است که محصل با اعتماد کامل می‌تواند خود را با تمام داشته‌هایش به نمایش گذارد.

چنانچه شرایط آموزشی فراهم باشد، فراگیرنده به‌تدریج نمودها و نشانه‌هایی عینی بر وضعیت ویژه یادگیری، که همان زمینه هویتی پیش‌روست، بروز می‌دهد و وارد مرحله دوم می‌شود که همان اعلام حضور آشکار است. در فرایند اعلام حضور، جریان تعلیم تربیت در شکل مطلوب خود زمینه‌ساز اعلام ظرفیت‌های وجودی فراگیرندگان به دیگران است. فرد به‌واسطه مضمون‌های تربیتی، در اجتماعات پیش‌رو، از جمله جمع کلاسی، آشکارا خود را نشان می‌دهد. تعلیم و تربیت به معنای فرصت‌سازی، امکان معرفی فراگیرنده را در جریان فعالیت‌های یاددهی یادگیری ایجاد می‌کند. در اینجا مفهومی از شناخت نهفته است، به این صورت که فراگیرنده به درجه‌ای از شناسایی از خود دست یافته، تصویری از خود ایجاد کرده و آن را به دیگران نشان می‌دهد. نقش تعلیم و تربیت در اینجا دادن فرصت و ایجاد موقعیت‌هایی برای خودشناسی و رسیدن به بینش و تصویری از خود در تعامل با دیگران است. تعلیم و تربیت باید زمینه تشویق فراگیرندگان را به بیان افکار، احساس و تجربه‌هایشان آماده کند. با کارهای بیانی متعدد فراگیرندگان می‌توانند پی ببرند چگونه آدمی هستند و یاد می‌گیرند آنچه را درونشان است بروز و ارتقا دهند. برای این کار به یک پرورشکار - هنرمند نیاز است. در این معنا، هنر هویت‌بخشی که همان یاددهی است، نه یک ماده درسی است که معلم آن را تدریس کند، نه یک تخصص است که فراگیرنده در آن متخصص شود، بلکه یک سبک یاددهی یادگیری است. معلم - هنرمند شخصی منحصر به فرد و با احساس است که نقش بازی نمی‌کند، بلکه خودش است. وی فعالیت‌هایی یادگیری را تدارک می‌بیند

منابع

۱. ذاکری، مختار (۱۳۹۴). مفهوم‌پردازی هویت و کاربرد آن در تعلیم و تربیت: پژوهشی پدیدارشناسانه. رساله دکترا، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز.
۲. شمیشیری، بابک؛ ذاکری، مختار (۱۴۰۵). هویت و تعلیم و تربیت: از نظریه تا عمل. دانشگاه شیراز، شیراز.
۳. رجایی، فرهنگ (۱۳۸۵). مسئله هویت ایرانیان امروز. نی. تهران.

دستگاه

ایمنی
را

ضد ضربه

کنید

راهبردهای تغذیه‌ای
تقویت دستگاه ایمنی

هر عاملی که بتواند کارکرد طبیعی دستگاه ایمنی را پشتیبانی کند، از جمله تغذیه، خواب، تحرک و بهداشت، به طور غیرمستقیم بر حضور منظم در کلاس، توان تمرکز و کیفیت یادگیری اثر می‌گذارد

شیمیا مظفری
کارشناس ارشد علوم تغذیه
ورژیم‌درمانی

یادگیری اثر می‌گذارد. در این میان، معلمان نقشی کلیدی دارند: آن‌ها نه تنها الگوی رفتاری دانش‌آموزان اند، بلکه می‌توانند با انتقال پیام‌های درست و عملی، به شکل‌گیری عادت‌های سلامت محور کمک کنند. این مقاله با رویکرد علمی برای معلمان نگاشته شده و هدف آن ارائه راهبردهای عملی تغذیه‌ای برای پشتیبانی از عملکرد طبیعی دستگاه ایمنی در محیط مدرسه است؛ به این امید که ابزاری عملی برای کاهش غیبت ناشی از بیماری، حفظ تمرکز در کلاس و ارتقای خودمراقبتی تغذیه‌ای در اختیار معلمان گرامی باشد.

کلیدواژه‌ها:

تقویت دستگاه ایمنی، الگوی منظم تغذیه

در ماه‌های سرد سال، هم‌زمان با افزایش شیوع سرماخوردگی و آنفلوانزا، پرسش‌های بسیاری درباره «چگونه تقویت کردن دستگاه ایمنی» در فضای مدرسه پربار می‌شود. مدرسه محیطی است که در آن تماس نزدیک و مکرر دانش‌آموزان با یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است؛ بنابراین، هر عاملی که بتواند کارکرد طبیعی دستگاه ایمنی را پشتیبانی کند، از جمله تغذیه، خواب، تحرک و بهداشت، به طور غیرمستقیم بر حضور منظم در کلاس، توان تمرکز و کیفیت



* دستگاه ایمنی

دستگاه ایمنی شبکه‌ای پیچیده از سلول‌ها، بافت‌ها و پیام‌رسان‌هاست که به صورت پایه‌ای^۱ و اختصاصی^۲ عمل می‌کند. برای کارکرد هماهنگ این شبکه، بدن به دریافت کافی انرژی و مواد مغذی ضروری نیاز دارد. کمبود انرژی یا ریز مغذی‌ها می‌تواند پاسخ ایمنی را ضعیف کند، زمان بهبود را طولانی‌تر کند و احتمال عفونت‌های مکرر را بالا ببرد. در مقابل، یک الگوی غذایی متعادل که ترکیبی مناسب از پروتئین‌های باکیفیت، کربوهیدرات‌های پیچیده، چربی‌های مفید، ریز مغذی‌ها همانند ویتامین‌های A، C، D، گروه B و موادی معدنی چون روی و آهن و ترکیب‌های زیست فعال گیاهی را فراهم می‌کند، از عملکرد طبیعی ایمنی حمایت می‌کند. نکته مهم این است که «تقویت دستگاه ایمنی» به معنای تحریک بیش از حد آن نیست، حفظ تعادل و کفایت عملکرد هدف است. همان‌گونه که دانش آموز برای موفقیت تحصیلی به برنامه منظم مطالعه نیاز دارد، دستگاه ایمنی نیز به الگوی منظم تغذیه وابسته است:

وعده‌های اصلی کامل، میان‌وعده‌های هوشمندانه، دریافت کافی آب و تنوع در گروه‌های غذایی. افزون بر این، سلامت روده و میکروبیوم‌های همزیست که تا حد زیادی تحت تأثیر مصرف فیبرهای خوراکی، غذاهای تخمیری و الگوی کلی رژیم است، به تنظیم پاسخ‌های ایمنی کمک می‌کند.

اما از منظر مدرسه، تغذیه صحیح فقط انتخاب مواد غذایی «سالم» نیست، قابلیت اجرا و پذیرش نیز اهمیت دارد. وعده‌ها باید در دسترس، مقرون به صرفه، خوش خوراک و با فرهنگ غذایی خانواده سازگار باشند.

* مواد مغذی کلیدی

برای پشتیبانی از دستگاه ایمنی

بدن انسان برای حفظ و ترمیم دفاع‌های ایمنی، به مجموعه‌ای از ریز مغذی‌ها و درشت مغذی‌ها نیاز دارد. برخی از این مواد مغذی به‌طور مستقیم در تکثیر یاخته‌های ایمنی یا سنتز پادتن‌ها (آنتی‌بادی‌ها) نقش دارند و برخی دیگر به‌عنوان پاداکسنده‌ها (آنتی‌اکسیدان) یا تنظیم‌کننده التهاب عمل می‌کنند. در ادامه، مهم‌ترین آن‌ها را مرور می‌کنیم:



«تقویت دستگاه ایمنی» به معنای تحریک بیش از حد آن نیست. حفظ تعادل و کفایت عملکرد هدف است. دستگاه ایمنی به الگوی منظم تغذیه وابسته است



/ ویتامین C؛ سپر پاداکسنده‌ای

ویتامین C یکی از شناخته‌شده‌ترین ترکیب‌های مرتبط با ایمنی است. این ویتامین:

/ در تولید و عملکرد لنفوسیت‌ها و بیگانه‌خوارها (فاگوسیت‌ها) نقش دارد.

/ به‌عنوان پاداکسنده، رادیکال‌های آزاد تولیدشده در جریان پاسخ ایمنی را خنثا می‌کند.

/ به سنتز کلاژن و ترمیم بافت‌ها کمک می‌کند.

منابع غذایی: فلفل دلمه‌ای رنگی، مرکبات، کیوی، توت‌فرنگی و کلم بروکلی.

نکته برای مدرسه: افزودن برش‌های مرکبات یا کیوی به میان‌وعده دانش‌آموزان، راهی ساده برای افزایش دریافت ویتامین C است.

/ ویتامین D؛ تنظیم‌کننده پاسخ‌های ایمنی

ویتامین D نه‌تنها در سلامت استخوان، بلکه در ایمنی نیز اهمیت دارد.

گیرنده‌های این ویتامین روی بسیاری از یاخته‌های ایمنی مانند درشت‌خوارها (ماکروفاژها) و سلول‌های T وجود دارند. کمبود ویتامین D می‌تواند بر حساسیت به عفونت‌های تنفسی بیفزاید.

منابع غذایی: ماهی‌های چرب (سالمون و ساردین)، تخم‌مرغ، لبنیات غنی شده.

منبع اصلی: نور خورشید.

توصیه به معلمان: به دانش‌آموزان یادآوری کنید که انجام روزانه ۱۵ تا ۲۰ دقیقه فعالیت بدنی در فضای باز می‌تواند به سنتز طبیعی ویتامین D کمک کند.

/ روی ۳؛ عنصر کلیدی در تکثیر یاخته‌های ایمنی

روی برای تقسیم و رشد یاخته‌ای حیاتی است و کمبود آن باعث تضعیف پاسخ‌های ایمنی و طولانی‌شدن روند بهبود زخم می‌شود.

منابع غذایی: گوشت قرمز، مرغ، آجیل، حبوبات و غلات کامل.

ایده میان‌وعده: ترکیب نخودچی و کشمش یا مغزها همراه با کمی نان سیوس‌دار، یک میان‌وعده غنی از روی و پروتئین است.

پروتئین: ماده سازنده پادتن‌ها

بدون دریافت کافی پروتئین، بدن توانایی تولید پادتن و آنزیم‌های ایمنی را از دست می‌دهد. هر وعده غذایی باید منبعی از پروتئین باکیفیت داشته باشد.

منابع غذایی: گوشت سفید، تخم‌مرغ، لبنیات، حبوبات، ترکیب غلات و حبوبات (مثل برنج و عدس).

/ اسیدهای چرب امگا ۳؛ تعدیل‌کننده التهاب

امگا ۳ موجود در ماهی‌های چرب و دانه‌های گیاهی (مثل بذر کتان و گردو) به کاهش التهاب مزمن و بهبود عملکرد یاخته‌های ایمنی کمک می‌کند.

منابع غذایی: ماهی دو بار در هفته، گردو به‌عنوان میان‌وعده.

/ پروبیوتیک‌ها و فیبرهای پری‌بیوتیک

سلامت روده به‌شدت با ایمنی مرتبط است. پروبیوتیک‌ها (باکتری‌های مفید) و پری‌بیوتیک‌ها (فیبرهایی که غذای این باکتری‌ها هستند) بر مقاومت بدن در برابر عفونت‌های تنفسی می‌افزایند.

منابع پروبیوتیکی: ماست، کفیر و

ترشی‌های تخمیری سنتی.

منابع پری‌بیوتیکی: پیاز، سیر، موز،

جوی دوسر و سبزی‌ها.

/ ویتامین‌های گروه B و آهن

ویتامین‌های گروه B به‌ویژه B۶، B۹،

B۱۲ برای سوخت‌وساز یاخته‌های

ایمنی ضروری‌اند. آهن نیز در انتقال اکسیژن

و عملکرد لنفوسیت‌ها نقش دارد.

منابع غذایی: گوشت، جگر، سبزی‌های برگ

سبز و حبوبات.

توجه: کم‌خونی فقر آهن ممکن است به‌طور

چشمگیری از مقاومت بدن دانش‌آموزان در برابر

عفونت‌ها بکاهد.

* نکته بسیار مهم

هیچ ماده غذایی واحدی نمی‌تواند به‌تنهایی دستگاه ایمنی را «ضدضربه» کند. آنچه اهمیت دارد، تنوع و تعادل در رژیم غذایی روزانه است؛ ترکیبی از میوه‌ها، سبزی‌ها، پروتئین کافی، غلات کامل، مغزها و لبنیات.

* افسانه‌ها در مقابل واقعیت‌ها در تغذیه و تقویت ایمنی بدن

در فضای مدرسه و خانه‌ها باورهای رایج اما نادرستی درباره غذا و تقویت دستگاه ایمنی وجود دارند. این افسانه‌ها می‌توانند باعث انتخاب‌های غذایی اشتباه شوند. در این بخش چند نمونه از رایج‌ترین این باورها را مرور و با پشتوانه علمی بررسی می‌کنیم.

افسانه ۱: مصرف زیاد ویتامین C مانع از سرماخوردگی می‌شود.

/ واقعیت: ویتامین C برای عملکرد طبیعی دستگاه ایمنی ضروری است، اما مصرف بیش از حد آن، به‌طور کامل از سرماخوردگی پیشگیری نمی‌کند، تنها ممکن است از مدت یا شدت نشانه‌ها اندکی بکاهد. بنابراین، مصرف روزانه میوه‌ها و سبزی‌های تازه کفایت می‌کند و برای افراد سالم خوردن مکمل‌هایی با مقدار زیاد ضرورت ندارد.

افسانه ۲: هرچه غذا پرکالری‌تر باشد، دستگاه ایمنی را قوی‌تر می‌کند.

/ واقعیت: پرخوری و دریافت کالری اضافه نه‌تنها دستگاه ایمنی را تقویت نمی‌کند، بلکه با افزایش التهاب مزمن و خطر چاقی، عملکرد دفاعی بدن را تضعیف می‌کند. آنچه اهمیت دارد کیفیت تغذیه است، نه صرفاً کمیت. یک

هیچ ماده غذایی واحدی نمی‌تواند به‌تنهایی دستگاه ایمنی را «ضدضربه» کند. آنچه اهمیت دارد، تنوع و تعادل در رژیم غذایی روزانه است

وعدۀ سبک اما مغذی (مثل نان سبوس دار با پنیر و گردو) می تواند از یک وعدۀ پرچرب و سرخ شده ارزش ایمنی بیشتری داشته باشد.

افسانۀ ۳: تنها مکمل ها می توانند ایمنی بدن را تقویت کنند.

واقعیت: بدن ما به دریافت طیف وسیعی از ریزمغذی ها نیاز دارد و هیچ مکملی نمی تواند جایگزین رژیم غذایی متنوع باشد. مکمل ها فقط در شرایط خاص (کمبود تشخیص داده شده، بیماری یا نیازهای ویژه) توسط متخصص تغذیه یا پزشک توصیه می شوند. برای دانش آموزان سالم، برنامه غذایی متعادل بهترین تضمین سلامت ایمنی است.

افسانۀ ۴: خوردن سیر به تنهایی جلوی عفونت ها را می گیرد.

واقعیت: سیر حاوی ترکیب های فعال زیستی است که می تواند دستگاه ایمنی را تعدیل کند، اما هیچ شاهد علمی ای وجود ندارد که مصرف آن به تنهایی جلوی عفونت و ویروسی یا باکتریایی را بگیرد. بهتر است سیر در کنار سایر سبزی ها و به عنوان بخشی از رژیم سالم غذایی مصرف شود.

افسانۀ ۵: دانش آموزان برای تقویت ایمنی باید غذاهای خیلی خاص و گران بخورند.

واقعیت: مواد غذایی ساده و در دسترس مانند عدس پلو، سبزی های فصلی، تخم مرغ، ماست، میوه های بومی و خشکبار می توانند نیازهای اصلی تغذیه ای را برطرف کنند. سلامت ایمنی به تجملی بودن سفره وابسته نیست، بلکه به چیدن هوشمندانه انواع ترکیب های روزانه غذایی بستگی دارد.

نکته مهم برای معلمان

گفتگو درباره این افسانه ها در کلاس درس می تواند دانش آموزان را در برابر تبلیغات اغراق آمیز صنایع غذایی یا توصیه های غیر علمی در فضای مجازی مقاوم کند.

راهبردهای عملی برای محیط مدرسه

معلمان می توانند در ایجاد پیوند بین علم تغذیه و رفتار روزمره دانش آموزان نقش کلیدی داشته باشند. راهکارهای ساده و قابل اجرا در محیط مدرسه می توانند بر سلامت ایمنی اثر بسیار داشته باشند:

تشویق به خوردن میان وعده های مقوی و سالم
ماست خانگی یا کفیر با کمی میوه خرد شده یا کشمش؛

نان سبوس دار به همراه پنیر و سبزی تازه؛

مغزها (بادام، گردو و فندق) در بسته های کوچک به عنوان جایگزین تنقلات فراوری شده.

خوردن رنگین کمانی از خوراکی

به دانش آموزان یادآوری کنید رنگ هر میوه یا سبزی نشان دهنده ماده مغذی متفاوتی است. یک بازی ساده می تواند این باشد که بچه ها در هر روز از هفته، میوه یا سبزی ای با رنگ متفاوت بخورند.

تأمین آب کافی بدن

در هوای خشک زمستان، مصرف آب کاهش می یابد. یادآوری مکرر نوشیدن آب یا حتی آب ولرم می تواند بدن را آبدار (هیدراته) نگه دارد و به دفاع ایمنی کمک کند.

خوردن نوشیدنی های سالم

به جای نوشابه یا نوشیدنی های صنعتی، می توان چای کم رنگ، شیر گرم یا نوشیدنی های سنتی سالم (مانند شیر زردچوبه) را در خانه آماده کرد و به مدرسه آورد.

مدیریت خواب و فشار روانی

معلمان می توانند با آموزش اهمیت خواب کافی و مدیریت فشار روانی به دانش آموزان یاد بدهند که سبک زندگی هم به اندازه غذا در تقویت ایمنی مؤثر است.

راهنمایی ویژه برای معلمان

معلمان خودشان هم به حفظ انرژی و ایمنی نیاز دارند، چون در تماس مستقیم با تعداد زیادی دانش آموز قرار می گیرند. چند نکته کاربردی برای معلمان عبارتند از:

صبحانه کامل بخورید: ترکیب نان سبوس دار، پروتئین (پنیر یا تخم مرغ) و میوه می تواند انرژی پایداری را در طول صبح فراهم کند.

وعده های کوچک و متنوع میل کنید: به جای یک وعده پر حجم، خوردن چند میان وعده کوچک در طول روز (مثل ماست و میوه یا کمی مغز) سطح انرژی و تمرکز را بالا نگه می دارد.

در زمستان به ویتامین D توجه کنید: در معرض نور خورشید قرار بگیرید یا در صورت نیاز، تحت نظر پزشک، مکمل بخورید.

جعبه میان وعده برای مدرسه تهیه کنید: یک ظرف کوچک شامل میوه های برش خورده، مغزها و حتی نوشیدنی سالم می تواند جایگزین تنقلات کم ارزش شود.

خودآموزی تغذیه ای داشته باشید: مطالعه منابع معتبر و انتقال نکات کلیدی به دانش آموزان، هم سطح سواد تغذیه ای معلم را بالا می برد و هم به طور غیر مستقیم دانش آموزان را آموزش می دهد.

بنابراین، تقویت دستگاه ایمنی بدن نیازمند اقدامات پیچیده یا پرهزینه نیست، یک رژیم غذایی متنوع شامل میوه ها، سبزی ها، غلات کامل، منابع پروتئینی و چربی های سالم، در کنار سبک زندگی سالم (خواب کافی، تحرک، مدیریت استرس)، بهترین راهبرد برای پیشگیری از بیماری ها و افزایش توان دفاعی بدن است. *

پی نوشت ها

1. innate
2. adaptive
3. Zinc

منابع

۱. عبدالحمیدی، کمال؛ محمودی، مریم؛ خادم حقیقیان، حسین؛ محمودی، طیبه (۱۳۹۳). ایمنولوژی و تغذیه. تواندیشان آریان کهن. تهران.
۲. زارع، مریم؛ حقیقیان رودسری، آرزو؛ طریقت اسفنجانی علی (۱۴۰۲). مبانی تغذیه. یاوریان. تهران.
3. Philip C Calder - Nutrition, immunity and COVID-19: BMJ Nutrition, Prevention & Health 2020

*** بخش ۱: بازپس‌گیری قدرت درونی: شما معمار ذهن خود هستید**

روان‌شناسان معتقدند احساس اختیار بر زندگی، ریشه اصلی شادی و انگیزه است (Tracy, 2000). نظام آموزشی گاهی این حس کنترل را از ما می‌گیرد، اما ما می‌توانیم آن را در درون خود بازسازی کنیم. این امر با سه نیاز روان‌شناختی اساسی انسان یعنی خودمختاری، شایستگی و ارتباط‌گره خورده است (Ryan & Deci, 2017).

موفقیت را از نو تعریف کنید: نظام ممکن است موفقیت را در قبولی صددرصدی کلاسی پرازدحام تعریف کند. این تعریف را کنار بگذارید و اهداف

حرفه مقدس معلمی در ایران با چالش‌های انکارناپذیری روبه‌روست؛ از تنگناهای اقتصادی گرفته تا دشواری‌های محیط کار و سنگینی بار نظام متمرکز آموزشی. این مقاله آینده‌ای در برابر این واقعیت‌ها قرار نمی‌دهد تا آن‌ها را تکرار کند، بلکه می‌کوشد با پذیرش این بستر، نوری بر قدرتمندترین منبع تغییر، یعنی خود شما، بتاباند. هدف این است که از تمرکز بر مانع‌های بیرونی عبور کنیم و به راهکارهایی درونی و عملی بپردازیم که اختیار آن‌ها در دستان توانمند شماست. چگونه می‌توان در دل این محدودیت‌ها، شعله انگیزه را دوباره برافروخت؟

دکتر محمد نیرو
دکترای برنامه‌ریزی درسی

کلیدواژه‌ها:

اشتیاق و انگیزه، رابطه و تعامل، پرورش نسل آینده



معنادار و قابل تنظیم برای خودتان تعیین کنید. برای مثال: «این هفته با دو دانش آموز کم توجه ارتباطی عمیق تر برقرار می کنم» یا «این ماه یک روش تدریس خلاق جدید را امتحان می کنم». این هدف گذاری ساده، تمرینی قدرتمند برای بازپس گیری حس خودمختاری و کنترل است.

دایره نفوذ خود تمرکز کنید: یکی از قدرتمندترین راهبردها برای مدیریت فشار روانی، تفکیک نگرانی ها از حوزه نفوذ است (Covey, 1989). نگرانی های حرفه ای خود را به دو دسته تقسیم کنید:

دایره نگرانی: مواردی که خارج از اختیار شماست (سیاست های کلان، کمبود امکانات در سطح ملی، حقوق پایین).

دایره نفوذ: مواردی که تحت اختیار شماست (فضای کلاس درس، روش تدریس، کیفیت رابطه با دانش آموزان و همکاران). فرسودگی شغلی غالباً از احساس مسئولیت برای اموری ناشی می شود که اختیاری بر آن ها نداریم. انرژی روانی محدود خود را از دایره نگرانی به دایره نفوذتان هدایت کنید؛ جایی که می توانید تفاوت واقعی ایجاد و احساس شایستگی را در خود تقویت کنید.

قدرت پیشرفت های کوچک را مستند کنید: برای خودتان یک «کارنامه موفقیت» بسازید. در پایان هر روز، یک یادداشت مثبت را، هرچند کوچک، یادداشت کنید. این تمرین ریشه در اصول روان شناسی «خودکارآمدی» دارد؛ باوری که فرد به توانایی های خود برای دستیابی به موفقیت دارد (Bandura, 1997). این کار به شما کمک می کند در برابر روایت ناکامی و شکست که گاهی نظام به ما تحمیل می کند، یک سپر روانی بسازید و حس موفقیت فردی را در خود زنده نگه دارید.

* بخش ۲: کلاس درس.

پناهاگهی برای انگیزه و نوآوری

کلاس درس قدرتمندترین حوزه نفوذ شما و مکانی برای تمرین خودمختاری و ساختن شایستگی است. **از مدل «انتقال اطلاعات» به «تحول آفرینی» حرکت کنید:** به جای آنکه صرفاً کانالی برای انتقال محتوای کتاب درسی باشید، کلاس خود را به کارگاه خلق تجربه تبدیل کنید.

یادگیری مبتنی بر پروژه را امتحان کنید: دانش آموزان را درگیر پروژه هایی کنید که آن ها را به تحقیق، حل مسئله و کشف دانش سوق دهد.

از هنر و قصه گویی استفاده کنید: مفاهیم خشک درسی را با داستان، بازی و موسیقی جذاب و ماندگار کنید. در نظامی که

یکنواختی را ترویج می کند، تدریس خلاقانه یک کنش مقاومت حرفه ای و راهی برای بازپس گیری خودمختاری است (Ryan & Deci, 2017).

فناوری را به یک متحد تبدیل کنید: با وجود کمبود امکانات، می توان از ابزارهای ساده فناورانه برای توانمندسازی خود استفاده کرد:

کاهش حجم کاری: از نرم افزارهای ساده برای خودکارسازی کارهای تکراری مثل ثبت نمره استفاده کنید.

مبارزه با انزوای حرفه ای: از طریق اینترنت به جامعه جهانی معلمان متصل شوید، ایده های نو بیابید و با حس تنهایی مبارزه کنید.

چرخه مثبت انگیزه را خلق کنید: وقتی شما با انرژی و خلاقیت تدریس می کنید، این انرژی به دانش آموزان منتقل می شود. مشارکت و علاقه آن ها به نوبه خود به بازخورد مثبت و قدرتمندی برای شما تبدیل می شود که حس شایستگی و هدفمندی را در شما تقویت می کند.

* بخش ۳: قدرت ما: ساختن یک زیست بوم حمایتی

نیاز به تعلق و ارتباط یکی از عمیق ترین نیازهای روانی انسان است (Ryan & Deci, 2017). به جای انتظار حمایت از نظامی ناکارآمد، خودتان شبکه های حمایتی قدرتمندی بسازید.

همکاران بزرگترین سرمایه شما هستند:

حلقه های حل مسئله تشکیل دهید: با دو یا سه همکار معتمد، گروه های کوچکی برای به اشتراک گذاری تجربه ها و یافتن راه حل های عملی برای چالش های مشترک (مانند تدریس یک مبحث دشوار) ایجاد کنید.

موفقیت های یکدیگر را جشن بگیرید: فرهنگی ایجاد کنید که در آن تلاش ها و موفقیت های کوچک همکاران دیده و قدردانی شوند. این کار، خلأ ناشی از قدردانی نکردن نظام را پر می کند. شما این قدرت را دارید که در مدرسه خود «ریزاقلم های» مثبتی مبتنی بر اعتماد و همکاری بسازید و سبزی محافظ در برابر انرژی منفی نظام ایجاد کنید.

والدین را به متحد تبدیل کنید: رابطه ای فعالانه و مثبت با والدین برقرار کنید. هدف مشترک شما، پیشرفت و بهزیستی فرزندشان است. این اتحاد می تواند یکی از کلیدی ترین عوامل افزایش انگیزه شما باشد.

از کلاس درس رهبری کنید: «معلم رهبر» بودن به معنای داشتن یک سمت اداری نیست، بلکه به معنای اشاره دارد که برای بهبود خود و حمایت از دیگران پیش قدم می شود.

یک منبع دانشی شوید: در یک زمینه خاص (مثلاً یک روش نوین تدریس) تخصص پیدا کنید و دانش خود را با دیگران به اشتراک بگذارید.

مربی معلمان جدید باشید: معلمان تازه کار را راهنمایی و حمایت کنید.

* فراخوانی برای تجدید عهد

همکار ارجمند، شما صرفاً مفاهیم درسی را آموزش نمی دهید، شما در حال شکل دادن به شخصیت انسان ها، پرورش نسل آینده و ساختن فردای ایران هستید. تأثیر عمیق کار خود را هر روز به یاد آورید. با تمرکز بر دایره نفوذ خود، یعنی ذهنیت، کلاس درس و روابط حرفه ای تان، می توانید اختیار انگیزه را به دست بگیرید و خود را به عنوان یک عامل تغییر ببینید. شعله ای که شاید کم سو شده باشد، هرگز خاموش نخواهد شد، زیرا در عشقی عمیق به انسان و آینده ریشه دارد. ✨

منابع

1. Bandura, A. (1997). Self-efficacy: The exercise of control. W. H. Freeman.
2. Covey, S. R. (1989). The 7 habits of highly effective people. Free Press.
3. Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2017). Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness. The Guilford Press.
4. Tracy, B. (2000). The 100 absolutely unbreakable laws of business success. Berrett-Koehler Publishers.

مقدمه *

انسان‌ها موجوداتی بسیار پیچیده هستند و با وجود پیشرفت‌های روزافزون علوم، به‌ویژه علوم انسانی^۱ و یافته‌های نوین در حوزه‌های گوناگون آن همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و تعلیم و تربیت، هنوز بسیاری از ابعاد و وجودی آن‌ها در زمینه‌های فکری، روحی، زیستی و ... ناشناخته باقی مانده است. این پیچیدگی به‌نحوی است که در برخی موارد، عملکردی پیش‌بینی‌ناپذیر و غافلگیرکننده از آدمی را شاهد هستیم و بسیاری از ما رفتاری را از خود بروز می‌دهیم که انتظار آن نمی‌رفته است. برای درک علت این خصیصه در انسان‌ها باید به این نکته اشاره کرد که مجموعه‌ای از عوامل درونی (باور^۲، عاطفه^۳ و غریزه^۴) و بیرونی (تجربه‌ها^۵) در نحوه تصمیم‌گیری و نوع رفتارهای ما دخیل هستند. از این رو، شناخت هر چه بیشتر این عوامل و نیروها، تحلیلی جامع‌تر از نوع رفتار ما در شرایط متفاوت خواهد داد. در نهایت می‌توان کنترلی صحیح‌تر و منطقی‌تر بر عملکرد خود و دیگران اعمال کرد. اهمیت این موضوع (شناخت، کنترل و کیفیت عملکرد) در برخی مواقع و شرایط افزون‌تر می‌شود و نهاد آموزش و پرورش و موضوع تربیت کودکان یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. در این مقاله به‌طور مختصر و از منظر اخلاق حرفه‌ای معلم^۶، برخی از عوامل مؤثر بر نحوه تعامل، تدریس و شیوه کلاس‌داری معلمان بررسی و علت این تفاوت‌ها تحلیل می‌شود. در نهایت، راهکارهایی برای استفاده معلمان و به‌ویژه معلمان جوان، به‌منظور درپیش‌گرفتن رفتارها و عملکرد صحیح‌تر در کلاس درس پیشنهاد می‌شوند.

کلیدواژه‌ها:

تربیت کودکان، شناخت، کنترل، کیفیت عملکرد

انسان، مجموعه‌ای از پیچیدگی‌ها *

برای درک میزان پیچیدگی و پیش‌بینی‌ناپذیر بودن رفتارها، این داستان فرضی را در نظر بگیرید. شما مدت‌هاست در فکر خریدن یک مدل کفش ورزشی هستید که قیمت ارزانی هم ندارد. پس از تلاش بسیار، موفق به تهیه پول موردنیاز برای خرید این کفش می‌شوید. با خوشحالی به بازار می‌روید تا به آرزوی قدیمی خود برسید. همان لحظه‌ای که در حال بررسی و پوشیدن کفش هستید و قصد پرداخت پول آن را دارید، یکی از دوستان با شما تماس می‌گیرد و اطلاع می‌دهد دچار گرفتاری بدی شده است و از شما درخواست مقداری پول می‌کند. در این موقعیت، تصمیم‌گیری کار ساده‌ای نیست. آیا به درخواست دوستم پاسخ مثبت بدهم و قید خرید کفش را بزنم؟ یا پاسخ منفی بدهم و به آرزوی دیرینه‌ام در خریدن کفش ورزشی برسم؟ در همین هنگام، یادم می‌آید که همین دوست، مدتی پیش و در هنگام گرفتاری، مرا تنها گذاشته بود و اکنون من چرا باید کار نادرست او را بی‌پاسخ بگذارم؟ چه‌بسا این حالت تردید چندان دیری نپاید و شما در چند ثانیه تصمیم خود را بگیرید. لیکن فرایندی که طی می‌شود، چندان ساده نیست. به‌عنوان نمونه، اگر خودگرا^۱ باشید، پاسخ شما به درخواست دوستان منفی خواهد بود، زیرا خودگرا کسی است که معتقد است انسان‌ها فقط نسبت به خودشان مکلف‌اند (پالمر، ۱۳۸۸: ۶۷). در حالتی دیگر، اگر به فراطبیعت‌گرایی^۲ معتقد باشید، قبل از پاسخ به درخواست دوست خود، به این می‌اندیشید که خواست خدا در چنین شرایطی چیست؟ زیرا پایه‌های اخلاق بر دین (و خواست خداوند) استوار است (گنسلر، ۱۳۸۷: ۸۱). این داستان و این پیچیدگی را می‌توان به موارد مشابه بسیاری تعمیم داد.

معلم به‌مثابه یک انسان *

آنچه اشاره شد، شامل طیف معلمان و آموزگاران نیز می‌شود. بدین دلیل که هر معلم در درجه اول یک انسان است! معلمان همچون دیگر انسان‌ها غریزه، احساس، عاطفه، تجربه شخصی، فرهنگ، بینش، تفکر، باور و تفاوت‌های فردی مربوط به خود را دارند و خروجی این موضوع باعث ایجاد رفتارهای متفاوت و گاه متضاد و چه‌بسا نادرست، در موقعیت‌های کلاسی و نحوه کلاس‌داری و نوع تعامل آنان با دانش‌آموزان می‌شود. به بیان دیگر، در

اخلاق

حرفه

معلم

بررسی مختصر تأثیر تجربه‌های شخصی، ویژگی‌های شخصیتی و احساس معلمان در کار معلمی

موقعیت‌های مشابه، شاهد رفتارهایی متفاوت و گاه متضاد از معلمان هستیم که البته تا حدودی طبیعی هستند. لیکن توجه، رسیدگی و واکاوی، به‌منظور تحلیل و یافتن علل این تفاوت نیاز است. این موضوع را نیز باید در نظر داشت که این تفاوت‌ها می‌توانند پیچیدگی بیشتری هم پیدا کنند و به‌صورت همیشگی و دائمی، بخشی از شیوه‌های رفتاری و نحوه تدریس معلمان شوند. در زیر، با ذکر مثال‌ها و مصداق‌هایی این موضوع بررسی می‌شود.

در موقعیتی فرضی، معلمی را در نظر بگیرید که در زندگی خانوادگی خود دچار تنش است. این معلم در مقایسه با همکار خود که از زندگی آرامی برخوردار است، عملکرد و رفتاری متفاوت دارد؛ معلمی که به‌تازگی فرزند خود را از دست داده، در مقایسه با معلمی که فرزندان سالمی دارد، متفاوت رفتار می‌کند. در نهایت، معلمی که دوران کودکی سختی را تجربه کرده باشد، این تجربه تلخ، در نوع تعامل و حتی کلام ایشان مؤثر خواهد بود.

همچنین، معلمی که جهان‌بینی یا فلسفه زندگی خاصی پیدا کرده است، این بینش خود را در هنگام تعامل با دانش‌آموزان، گفت‌وگوهای کلاسی، نصیحت و پندهایش، بروز می‌دهد. به‌عنوان نمونه، معلمی که معتقد است راه رسیدن به موفقیت از مسیر سخت‌کوشی می‌گذرد، این بینش به‌طور خواسته و ناخواسته در فرایند تدریس وی نمود پیدا می‌کند. حال اگر همین معلم، دنیا را مکانی عبث و بیهوده بداند، این زاویه نگرش در کلامش به‌صورت پیدا و پنهان فرصت بارز می‌شود.

این تفاوت‌ها را می‌توان از زاویه عاطفه و احساس فردی نیز مورد توجه قرار داد. به‌عنوان مثال، معلمی که ویژگی عاطفی خاصی همانند مهربانی و دلسوزی دارد، این مهر و محبت در تمامی لحظه‌های تدریس و حضور او در کلاس مجال نمود پیدا می‌کند. در جهت مخالف، معلمی را در نظر بگیرید که زودرنج است. به‌طور حتم خود به‌خوبی می‌توانید تبعات این روحیه خاص او را در کلاس درس مجسم کنید. نکته قابل ذکر اینجاست که در بسیاری موارد، خود معلم از رفتار خاص خود و شیوه تعاملش چندان آگاه نیست و بنا به عادت، خصلت و بینشی که دارد، خود واقعی‌اش را در کلاس بروز می‌دهد. ولی این موضوع از چشم دانش‌آموزان پنهان نمی‌ماند و آنان به‌خوبی متوجه تفاوت‌ها و رفتارهای خاص معلمان خود چه نیک و چه ناپسند، می‌شوند.

برای درک بهتر این موضوع، باید به دورانی که خود دانش‌آموز بودیم بازگردیم و کمی به رفتارهای خاص

معلمان خود در آن دوران ببیندیم؛ معلمان از سنخ‌های شخصیتی متفاوت و نحوه تدریس و تعامل‌های درست یا نادرستشان با دانش‌آموزان.

* راهکارهای مدیریت رفتار در کلاس درس

آنچه بدان اشاره شد، روایتی مختصر از واقعیت‌های حرفه معلمی بود. جایگاه این شغل و تأثیر عمیق و درازمدتی که نحوه تدریس و کیفیت عملکرد معلمان بر جامعه دارد، ما را و ما می‌دارد زاویه‌های پیدا و پنهان کار آنان را با جدیت و حساسیت بیشتری بررسی کنیم و با رفع کاستی‌های احتمالی و چه‌بسا ناخواسته، شرایط بهبود کیفیت و افزایش بازده کاری آنان را فراهم آوریم. در ادامه، چندین راهکار برای مدیریت و اصلاح رفتار و شیوه تعامل در کلاس درس پیشنهاد می‌شوند. برای تفکر بیشتر، به‌تناسب هر راهکار، موقعیتی فرضی می‌آید:

1/ نخست، نوع نگاه معلم به دانش‌آموزان، عاملی اساسی در نحوه عملکرد و فرایند معلمی او است. نگاه به دانش‌آموز باید نگاه به موجودی باشد که کرامت ذاتی دارد. این موضوع که در آیه‌های قرآن^۹ نیز بدان اشاره شده، بدین معناست که انسان از آن نظر که انسان است، دارای ارزش و جود دارد. بنابراین، انسان‌ها در تبار مشترک و برابرند و تفاوتی بین آن‌ها وجود نخواهد داشت (طاهری، ۱۴۰۰: ۲۱۲). این بینش باعث می‌شود هر معلم در هر شرایطی به نحوی عمل کند که ارزش ذاتی دانش‌آموزان حفظ شود و در صورت خطای احتمالی، به دنبال جبران آن باشد.

موقعیت فرضی: معلم کلاسی هستید و فرزند خودتان نیز دانش‌آموز همان کلاس است. چگونه می‌توانید در این کلاس عدالت و برابری را رعایت کنید؟

2/ دوم، انسان‌ها به‌طور ذاتی به خودگرایی تمایل دارند. این گرایش که خودگرایی روان‌شناختی^{۱۰} نام دارد، بدین معنی است که انسان از لحاظ روانی قادر نیست کاری انجام دهد که به نفع شخصی خودش نباشد (پالمر، ۱۳۸۸: ۷۱). طبق این نظریه، انسان‌ها چنان ساخته شده‌اند که حتی زمانی که به دیگران کمک می‌کنند، از منافع خودشان غافل نیستند (همان: ۷۲). این گرایش ذاتی می‌تواند بر فرایند کاری معلمان تأثیری بسیار بر جای بگذارد. معلم توانمند، با آگاهی از این موضوع، می‌کوشد تا حد امکان به جای توجه و تمرکز بر خود و منفعت شخصی، بر دانش‌آموزان و منافع آنان متمرکز شود. به بیان دیگر، سعی می‌کند تا حدودی از خود فراتر رود و نگاهش به دانش‌آموزان و مصالح آنان معطوف باشد.

موقعیت فرضی: در شهری کوچک دبیر ریاضی هستید و همواره در مدرسه‌های برخوردار تدریس کرده‌اید. برای سال جدید پیشنهاد تدریس در مدرسه‌ای محروم در حاشیه شهر به شما داده می‌شود. تصمیم شما چیست؟

3/ سوم، در مباحث اخلاقی نظریه‌ای با عنوان نظریه اخلاق محبت^{۱۱} وجود دارد. این نظریه می‌گوید، تنها یک دستور اخلاقی اساسی وجود دارد: دوست داشتن. سایر دستورها را باید از آن گرفت (فرانکنا، ۱۳۹۲: ۱۲۷). این قانون به‌ظاهر ساده می‌تواند



راهنمای عمل شگفت‌انگیزی برای معلم در مسیر کاری‌اش باشد. مادامی که معلمی دانش‌آموزان خود را دوست بدارد و در قلب خود نسبت به آنان احساس محبت کند، همواره کلام و رفتار و... خود را در جهت خیر و صلاح دانش‌آموزان به کار می‌گیرد و سعی و تلاشش بر این خواهد بود که بیشترین خیر را نصیب مخاطبان خود کند. نگاه چنین معلمی به دانش‌آموزان، همانند نگاهش به فرزندان خود است.

موقعیت فرضی: با توجه به نظریه اخلاق محبت، چگونه می‌توانید محبت دانش‌آموزان را در قلب خود ایجاد کنید؟

چهارم، همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، در بسیاری مواقع، دانش‌آموزان بهتر از خود معلمان متوجه تفاوت‌های رفتاری (مثبت و منفی) آن‌ها می‌شوند. این موضوع راهکاری پنهان در خود دارد، بدین نحو که معلم قدرت تخیل خود را به کار می‌گیرد و از چشم ناظر بیرونی و به‌دور از سوگیری و یا جانب‌داری، نحوه رفتار و تدریس خود در کلاس درس را بررسی و در این خصوص تأمل می‌کند. البته کار ساده‌ای نیست، ولی با کمی دقت و توجه و بررسی ابعاد گوناگون رفتاری خود و همچنین رجوع به پیامدها و دریافت بازخوردها و قضاوت‌های مخاطبان، می‌توان به تحلیل درست و تقریباً کاملی دست یافت و برای اصلاح موارد نادرست احتمالی اقدام کرد.

موقعیت فرضی: دبیر فیزیک پایه دوازدهم هستید. دانش‌آموزان کلاس گلابه دارند که برخی مفاهیم را به خوبی تدریس نکرده‌اید. بدون سوگیری و قضاوت زود هنگام و با استفاده از تخیل اخلاقی، چگونه می‌توانید این ادعا را بررسی کنید؟

پنجم، یکی از راهکارهای مناسب برای تعدیل رفتار و تعامل در کلاس درس، رسیدن به خودمداری و توانایی تسلط بر خود است. فرض کنید شما انسانی زودرنج یا کم‌تحمل هستید. این ویژگی باعث می‌شود در هنگام تدریس و برعهده‌گرفتن کار معلمی، به‌سرعت از کوره در بروید و به رفتارهای

منابع

تند و توأم با خشونت متوسل شوید. پس از مدتی، این رفتار بخشی از وجود شما می‌شود و ناخودآگاه آن را در حضور دانش‌آموزان بروز می‌دهید. برای تعدیل این موضوع نباید منفعل ماند. باید نفس خود را در بند عقل قرار دارد. بدین نحو که با انجام تمرین‌ها و فن‌هایی، مانع غلیان احساس زودگذر شد. به‌عنوان مثال، نباید در همان لحظه واکنشی بروز داد، بلکه باید کمی تأمل کرد و تصمیم‌گیری را به تأخیر انداخت تا قوه عقلا نیت حاکم شود و بتوان تصمیمی منطقی و رفتاری صحیح اتخاذ کرد.

موقعیت فرضی: آموزگار پایه چهارم دبستان هستید. کلاسی پرجمعیت و با دانش‌آموزانی پر جنب و جوش را در اختیار دارید. چگونه می‌توانید ضمن حفظ آرامش و کنترل احساسات، کلاس درس را مدیریت و تدریس کنید؟

ششم، این راهکار، موضوعی معرفت‌شناختی است و به نوع بینش فرد باز می‌گردد. معلم باید همواره احتمال خطا را در کار خود در نظر داشته باشد و از تعصب بیجا و دفاع غیر منطقی از عملکردش خودداری کند. این روحیه و این رویه می‌تواند دستاویزی مناسب برای تعدیل و تغییر رفتارهای نادرست احتمالی و تغییر در شیوه کاری معلم باشد. معلم باید این موضوع را در نظر بگیرد که پیش از همه چیز یک انسان است. پس احتمال خطا را نباید از نظر دور داشت.

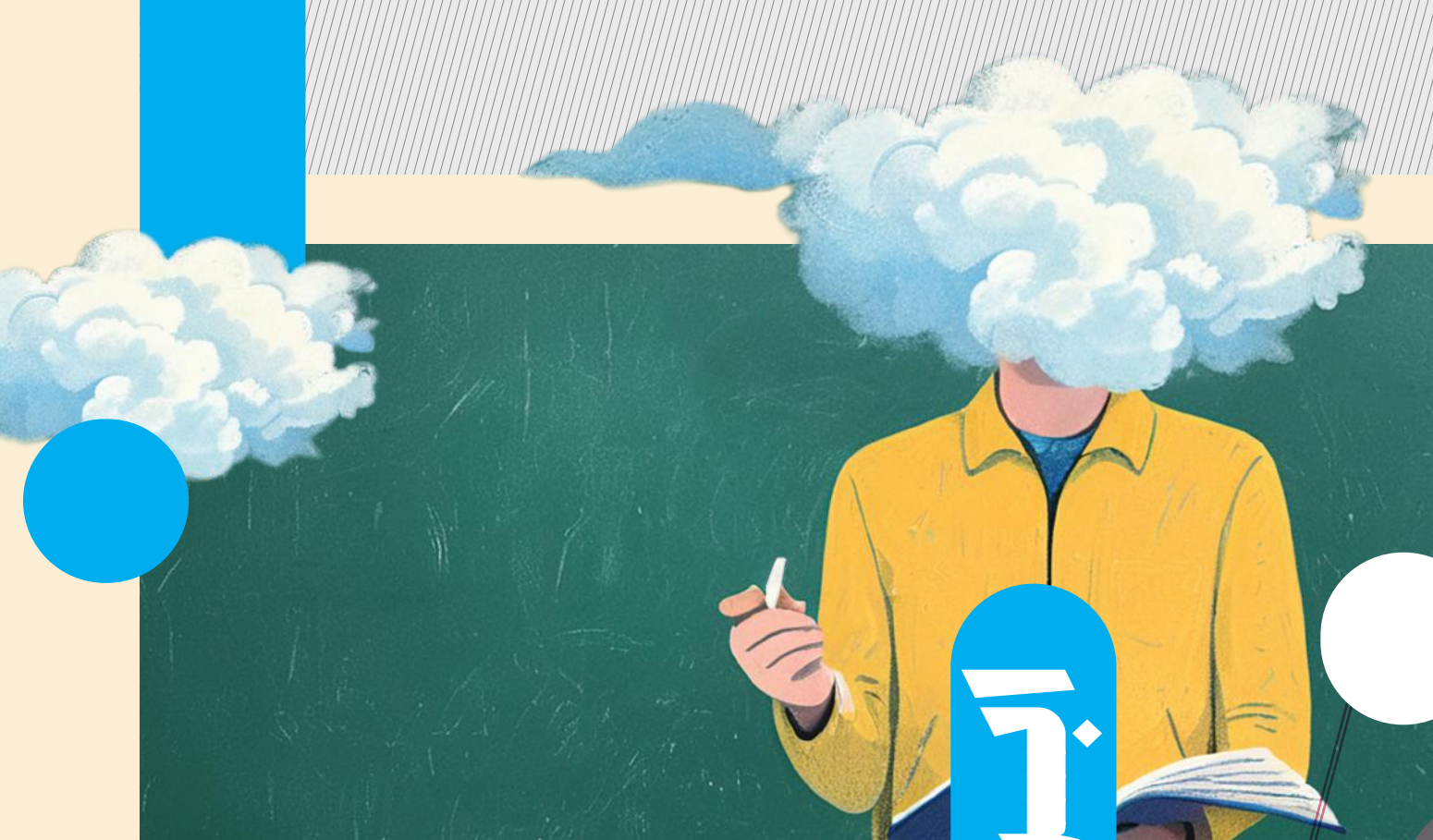
موقعیت فرضی: در ارزشیابی درس شیمی مرتکب اشتباه شده‌اید و نمره دانش‌آموزی را کمتر ثبت کرده‌اید. این دانش‌آموز نیز به نمره خود اعتراض دارد. این موضوع را چگونه مدیریت می‌کنید؟

پی‌نوشت‌ها

1. humanities
2. beliefs
3. emotions
4. instincts
5. experiences
6. teacher professional ethics
7. egoist
8. supernaturalism
9. سوره اسراء، آیه ۷۰
10. Psychological egoism
11. Ethics of Love

تخیل

کلاس



آموزش

مورد

کتر مرتضی مجدفر
کارشناس و پژوهشگر آموزشی

حتماً باید در نظر داشته باشیم که استمرار کلاس تا لحظه‌هایی بعد از نواخته‌شدن زنگ تفریح یا زنگ رفتن به منزل، هیچ فایده آموزشی‌ای ندارد و درست مانند این است که دانش‌آموزان به زور، و اگر اغراق نشود، روی میخ، نشسته‌اند. علاوه بر این، دیر تعطیل شدن کلاس‌های درس از ابعاد گوناگون، از لحاظ تربیتی هم مشکل‌زاست. دانش‌آموزی که دیرتر از موعد کلاسش تعطیل می‌شود، با خود بی‌نظمی را به حیاط مدرسه تزریق می‌کند. در حالی که همه آماده بازگشت به کلاس می‌شوند، او تازه در حال خوردن آب یا خوراکی یا قضای حاجت است یا در حال جست‌وخیز و تخلیه انرژی است که صدالبته طبیعی است. با دو سه دقیقه تدریس اضافه، نه می‌توان جهان دانش را تسخیر کرد و نه مشکلی از معضلات بچه‌ها را از میان برد.

من برای آرامش بیشتر بچه‌ها، کلاس‌های ۹۰ دقیقه‌ای را معمولاً بعد از ترسیم ابر و نوشتن نکته‌هایی داخل آن، حول و حوش ۸۰ دقیقه تمام می‌کردم و بعد به یک کار ذوقی می‌پرداختم که بچه‌ها بسیار از آن استقبال می‌کردند. فعالیت‌هایی با عنوان‌های «داستان خوانی در کلاس درس» و «تلنگر شاعرانه» از این دست بودند.

در سال‌های بعد از معلمی، با دانش‌آموزان فراوانی دیدار کرده‌ام که با جزئیات به ابر گوشه سمت چپ پایین تخته کلاس اشاره و از خاطره‌ها تعریف کرده‌اند. شاخص‌ترین حمید کرمی، دانش‌آموز خنده‌روی یکی از کلاس‌هایم بود که مهندس عمران برجسته‌ای شد. ❁

حداکثر هفته‌ای یک زنگ بیشتر او را نمی‌بیند، فراموشی وظیفه و تکلیف‌های سپرده‌شده به دانش‌آموز بیشتر مشاهده می‌شود. هر چند در سال‌های اخیر معلمان با راه‌اندازی گروه‌هایی در فضای مجازی، با عضویت پدران و مادران، دانش‌آموزان و نیز افراد اداری اجرایی مرتبط با هر کلاس (برای اطلاع از جریان کار معلم)، تا حدودی از مشکلات کاسته شده است، ولی هنوز این معضل در مدرسه‌ها به شکل‌های دیگر خودنمایی می‌کند. در سال‌هایی که تدریس می‌کردم، این معضل را به‌شکلی ابتکاری حل کرده بودم. دقیقه‌هایی که کلاس به انتهای خود می‌رسید، برای اینکه اعلام کنم کلاس به پایان رسیده است و بچه‌ها می‌توانند با خیال راحت وسایل خود را جمع کنند و آماده رفتن به زنگ تفریح یا منزل شوند، در سمت چپ پایین تخته کلاس، در گوشه‌ای ابری می‌کشیدم و داخل ابر، تکلیف و وظیفه جلسه بعد را، اعم از انجام دادن تکلیف، آوردن پروژه، انجام کار برگ داده‌شده یا مشخصات امتحانی را که قرار است برگزار شود، می‌نوشتم. این علامتی بود برای پایان کلاس و نیز اجرای بخش اتمام و تعیین تکلیف، که من در طرح درس پیش‌بینی کرده بودم. بچه‌ها چنان نسبت به این کار شرطی شده بودند که اگر احیاناً یادم می‌رفت آن را انجام بدهم، با سر و صدا انجام آن را یادآور می‌شدند. حتی اگر هیچ تکلیف و وظیفه‌ای برایشان نداشتم، درخواست می‌کردند ابر را بکشم و داخلش بنویسم: تکلیف نداریم، امتحان نداریم و مواردی از این دست.

طراحی

محیط‌های

تعاملی مبتنی بر تقویت
مهارت‌های ارتباطی و
مشارکت فعال دانش‌آموزان

یادگیری

چکیده

طراحی محیط‌های یادگیری تعاملی یکی از مهم‌ترین عوامل در بهبود کیفیت آموزشی و تقویت مهارت‌های ارتباطی و مشارکت فعال دانش‌آموزان است. این مقاله روش‌ها و راهبردهایی از طراحی محیط‌های یادگیری تعاملی را بررسی می‌کند که می‌توانند مهارت‌های ارتباطی و مشارکت دانش‌آموزان را افزایش دهند. با استفاده از مثال‌های عینی، نظر بزرگان و نمونه‌های واقعی، اهمیت این نوع طراحی در فرایند یادگیری و آموزش مورد بحث قرار می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد، ایجاد محیط‌های یادگیری تعاملی می‌تواند به شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی در دانش‌آموزان کمک و آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌های دنیای واقعی و زندگی آینده آماده‌تر کند.

کلیدواژه‌ها:

تقویت مهارت‌های ارتباطی، مشارکت فعال دانش‌آموزان، بهبود کیفیت آموزشی، طراحی محیط‌های یادگیری



زهرا سادات الطافی

دکترای مدیریت رسانه، کارشناس فرهنگی تربیتی آموزش و پرورش

* مقدمه

در دنیای امروز، مهارت‌های ارتباطی و مشارکت فعال در فرایند یادگیری اهمیت زیادی دارد. با توجه به تغییرات سریع در فناوری و نیازهای اجتماعی، طراحی محیط‌های یادگیری تعاملی می‌تواند به‌عنوان راهکاری مؤثر برای تقویت همکاری دانش‌آموزان مطرح شود. در گذشته، آموزش به معنای انتقال دانش از معلم به دانش‌آموز بود. معلم منبع اصلی اطلاعات بود و دانش‌آموزان گیرندگان منفعل. اما دنیای امروز به چیزی فراتر از حفظ کردن اطلاعات نیاز دارد. جامعه، اقتصاد و بازار کار به افرادی نیاز دارند که بتوانند فکر کنند، همکاری کنند، خلاق باشند و مسائل پیچیده را حل کنند. اینجاست که اهمیت طراحی محیط‌های یادگیری تعاملی مشخص می‌شود. این محیط‌ها نه تنها به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند دانش را کشف و درونی کنند، بلکه مهارت‌های حیاتی قرن بیست و یکم مانند ارتباط مؤثر، کار گروهی و تفکر انتقادی را در آن‌ها پرورش می‌دهند. هدف این مقاله بررسی این رویکرد، اصول آن و ارائه مثال‌هایی از بهترین روش‌های جهانی است.

* طرح مسئله

اولین سؤالی که باید پاسخ داده شود، این است که چرا باید محیط یادگیری را متحول کرد؟ برای پاسخ به سراغ چند نظریه اثرگذار در دنیای ارتباطات می‌رویم:

* نظریه سازندگرای

پیاژه معتقد بود دانش‌آموزان به جای اینکه اطلاعات را جذب کنند، فعالانه دانش خود را می‌سازند. یادگیری زمانی اتفاق می‌افتد که دانش‌آموز با محیط خود تعامل داشته باشد و تجربه‌های جدید را به دانش قبلی خود پیوند بزند. بنابراین، به جای سخنرانی معلم، باید محیطی فراهم شود که دانش‌آموزان بتوانند کاوش کنند، سؤال پرسند و خودشان به راه‌حل برسند. ویگوتسکی نیز بر نقش حیاتی تعامل اجتماعی در یادگیری تأکید کرد. او مفهوم «منطقه تقریبی رشد» را مطرح کرد. این منطقه، فاصله‌ای بین کاری است که دانش‌آموز می‌تواند به تنهایی انجام دهد و کاری که می‌تواند با کمک یک فرد آگاه‌تر (مانند معلم یا هم‌کلاسی) انجام دهد. در محیط تعاملی، دانش‌آموزان با کمک یکدیگر از این منطقه عبور می‌کنند و مهارت‌های جدیدی کسب می‌کنند.

* نظریه یادگیری مشارکتی

دیویی، فیلسوف بزرگ آموزشی، یادگیری را فرایندی اجتماعی می‌دانست و اعتقاد داشت آموزش باید زندگی را منعکس کند. او بر اهمیت تجربه مستقیم و حل مسئله تأکید داشت. به نظر او، دانش‌آموزان باید در پروژه‌ها و فعالیت‌های گروهی شرکت کنند تا یاد بگیرند چگونه با دیگران همکاری و ارتباط برقرار کنند. با مروری بر نظریه راجر جانسون و دیوید جانسون ضرورتی انکارناشدنی فراروی آموزش نمایان می‌شود. این دو نظریه‌پرداز یادگیری مشارکتی را به پنج عنصر کلیدی تقسیم کردند:

/ وابستگی متقابل مثبت: دانش‌آموزان برای رسیدن به یک هدف مشترک، به یکدیگر وابسته‌اند. موفقیت یک نفر به موفقیت کل گروه گره خورده است.

/ مسئولیت‌پذیری فردی: هر فرد در قبال کار خود در گروه مسئول است. این عنصر از پنهان شدن برخی از دانش‌آموزان در پشت کار گروهی جلوگیری می‌کند.

/ تعامل چهره به چهره: اعضای گروه باید به‌طور فعال با یکدیگر ارتباط برقرار و یکدیگر را تشویق کنند.

/ مهارت‌های اجتماعی: دانش‌آموزان باید مهارت‌های لازم برای کار گروهی، مانند رهبری، تصمیم‌گیری و حل تعارض را بیاموزند.

/ پردازش گروهی: پس از اتمام کار، گروه باید عملکرد خود را بررسی کند و به این سؤال پاسخ دهد که «چه چیزی را خوب انجام دادیم و چه چیزی را می‌توانستیم بهتر انجام دهیم؟»





* مفاهیم اساسی

حال که بیشتر به لزوم توجه به موضوع واقف شدیم، در ابتدا برخی مفاهیم ریشه‌ای و اساسی را بررسی می‌کنیم:

محیط‌های یادگیری تعاملی: به فضاهایی اطلاق می‌شود که در آن‌ها دانش‌آموزان به صورت فعال در فرایند یادگیری شرکت می‌کنند. این محیط‌ها شامل تعامل میان دانش‌آموزان، معلمان و محتوا هستند و می‌توانند به شکل فیزیکی یا مجازی وجود داشته باشند. برخی ویژگی‌های کلیدی محیط تعاملی به این شرح است:

تعامل اجتماعی: ایجاد فرصت برای تبادل نظر و همکاری میان دانش‌آموزان.

فراهم کردن بازخورد: دادن بازخورد فوری و سازنده به دانش‌آموزان.

استفاده از فناوری: بهره‌برداری از ابزارهای دیجیتال برای تسهیل یادگیری.

تنوع در روش‌های تدریس: تسلط و استفاده از روش‌های تدریس برای جلب توجه و انگیزه دانش‌آموزان.

مهارت‌های ارتباطی: شامل توانایی بیان افکار، گوش دادن فعال و تعامل مؤثر با دیگران است. این مهارت‌ها نه تنها در محیط آموزشی، بلکه در زندگی روزمره نیز بسیار حیاتی هستند.

تحقیقات نشان می‌دهند، دانش‌آموزانی که مهارت‌های ارتباطی قوی دارند، بهتر می‌توانند مفاهیم را درک و در بحث‌ها شرکت کنند. آن‌ها همچنین قادرند نظرات خود را به طور واضح بیان کنند و از دیگران یاد بگیرند.

* طرح‌واره عملیاتی در آموزش تعاملی

حال باید به این سؤال پاسخ دهیم که نظریه‌های علمی طرح شده چگونه در میدان عمل به کارگیری شوند. قطعاً برای پاسخ به ایجاد ساختار مناسب برای بهره‌گیری مؤثرتر نیاز مندیم. لذا طراحی دقیق محیط‌های یادگیری تعاملی به شدت قابل توجه خواهد بود و بر اساس آموزه‌های مدیریتی باید به زیرساخت‌های مناسب ارائه شوند:

* راهبردها و روش‌ها

تدریس مبتنی بر پروژه: این روش بر مشارکت فعال دانش‌آموزان و تقویت مهارت‌های حل مسئله می‌افزاید.

چیدمان منعطف در فضای فیزیکی: به جای ردیف‌های سنتی میز و صندلی، از چیدمان‌هایی استفاده کنید که کار گروهی را تسهیل کنند؛ مانند گروه‌های دایره‌ای یا میزهای مشترک.

بهره‌گیری از فناوری‌های تعاملی: ابزارهای دیجیتال مانند بسترهای برخط آموزشی می‌توانند به تسهیل تعامل کمک کنند. استفاده از تخته‌های هوشمند، رایانک‌ها و نرم‌افزارهای مشترک (مانند گوگل داکز) به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد هم‌زمان روی یک پروژه کار کنند.

تشکیل گروه‌های بحث: بحث گروهی درباره موضوعات می‌تواند مهارت‌های ارتباطی را تقویت کند.

انجام پروژه‌های گروهی: انجام پروژه‌های مشترک باعث تعامل اجتماعی و تقویت همکاری میان دانش‌آموزان می‌شود.

* بررسی نمونه‌های واقعی به عنوان الگوی عینی

جان دیویی، یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان آموزش، بر این باور بود که «آموزش باید بر اساس تجربه‌های واقعی باشد.» او همچنین تأکید می‌کند که تعامل اجتماعی در فرایند یادگیری بسیار مهم است. لذا توجه به الگوهای موجود در ارتباط تعاملی قابل اهمیت است.

مدرسه‌های پیشرفته

مدرسه‌های بین‌المللی در سراسر جهان غالباً از روش‌های یادگیری تعاملی‌ای استفاده می‌کنند که شامل کارگاه‌ها، پروژه‌های گروهی و فناوری اطلاعات هستند. به عنوان مثال کشور فنلاند به داشتن نظام آموزشی پیشرو شناخته شده است. یکی از ویژگی‌های برجسته آن، «یادگیری مبتنی بر پدیده» است. به جای آموزش درس‌های مجزا مانند فیزیک، شیمی و تاریخ، دانش‌آموزان پدیده‌هایی مانند «تغییرات اقلیمی» را بررسی می‌کنند. این رویکرد به طور طبیعی به همکاری چندرشته‌ای و کار گروهی نیاز دارد. همچنین، برخی مدرسه‌ها از سکوهایی مانند «اسکایپ در کلاس درس» برای اتصال دانش‌آموزان به کلاس‌های درس در کشورهای دیگر استفاده می‌کنند. این تجربه به آن‌ها کمک می‌کند با فرهنگ‌های متعدد آشنا شوند و مهارت‌های ارتباطی بین‌فرهنگی خود را تقویت کنند.

برنامه‌های آموزشی الکترونیکی

این دوره‌های آموزشی به صورت برخط یا در بسترهای الکترونیکی که شامل فعالیت‌های گروهی و تعامل اجتماعی هستند، نمونه‌ای از محیط‌های یادگیری تعاملی هستند. به عنوان مثال، بسیاری از مدرسه‌ها در آلمان بر پروژه‌های علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات (استم) تمرکز دارند. برای مثال، دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک برای طراحی و ساخت یک روبات، یک پهپاد یا یک برنامه رایانه‌ای با هم کار می‌کنند. این پروژه‌ها به شدت بر حل مسئله، کار تیمی، و نوآوری تأکید دارند. همچنین، در بستر کلاس معکوس، دانش‌آموزان محتوای درسی (مانند ویدئو یا متن) را در خانه مطالعه می‌کنند و زمان کلاس به فعالیت‌های عملی، بحث و حل مسائل گروهی اختصاص داده می‌شود.

فعالیت‌های یادگیری نوآورانه

در ارائه پروژه‌های مبتنی بر مسئله، به جای ارائه اطلاعات آماده، یک مسئله واقعی و پیچیده به دانش‌آموزان داده می‌شود (مثلاً چگونه از مصرف انرژی در مدرسه بکاهیم؟) آن‌ها



جامعه، اقتصاد و بازار کار به افرادی نیاز دارند که بتوانند فکر کنند، همکاری کنند، خلاق باشند و مسائل پیچیده را حل کنند

باید در قالب گروه‌های کوچک تحقیق کنند، راهکار ارائه دهند و از یافته‌های خود دفاع کنند.

شبهه‌سازی و نقش آفرینی

در این فعالیت‌ها، دانش‌آموزان نقش‌های متعددی ایفا می‌کنند (مثلاً در یک شبهه‌سازی دادگاه یا شورای شهر). این روش به آن‌ها کمک می‌کند مسائل را از دیدگاه‌های متفاوت ببینند و مهارت‌های مذاکره و اقناع را تمرین کنند.

سخن آخر

لئوناردو داوینچی بر اهمیت یادگیری از طریق تجربه تأکید می‌کند و می‌گوید: «آموختن از طریق عمل، بهترین نوع یادگیری است.» طراحی محیط‌های یادگیری تعاملی به‌صورت عملی می‌تواند مهارت‌های ارتباطی و مشارکت فعال دانش‌آموزان را تقویت کند. یادگیری تعاملی یک رویکرد آموزشی صرف نیست، بلکه یک فلسفه است که دانش‌آموزان را شریک فعال فرایند یادگیری می‌بیند. در دنیای آینده، مهم‌ترین سرمایه، انسان‌هایی هستند که می‌توانند به‌طور مؤثر با یکدیگر همکاری کنند. بنابراین، سرمایه‌گذاری بر محیط‌های یادگیری تعاملی، در واقع سرمایه‌گذاری بر آینده جامعه است.

پیشنهاد می‌شود برای تقویت این نگرش، چند نمونه زیر، مورد توجه ویژه قرار گیرند:

برگزاری دوره‌های آموزشی با محوریت تسهیلگری در آموزش گروهی ویژه مدرسان؛

برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه مدیران مدرسه‌ها با محوریت بازسازی فضاهای آموزشی؛

توجه سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت به حمایت از روش‌های آموزشی نوین.

در انتها چند راهکار و مثال عینی ساده و قابل پیاده‌سازی برای طراحی چنین محیطی ارائه می‌شود:

استفاده از مطالعه موردی واقعی

یکی از مؤثرترین راه‌ها برای درگیرکردن مخاطب است. به جای صحبت‌های نظری، یک چالش یا مسئله واقعی را در یک مدرسه مطرح کنید و از معلمان و مدیران بخواهید راه‌حل بدهند. برای مثال: یک دانش‌آموز در کلاس هشتم، به دلیل مشکلات خانوادگی، به‌شدت افت تحصیلی دارد و رفتارهای نامناسبی از خود نشان می‌دهد. به‌عنوان معلم، برای کمک به این دانش‌آموز چه راهکارهای کاربردی‌ای پیشنهاد می‌دهید؟

مدرسه شما در حال گذراندن یک دوره بازرسی است، اما برخی از معلمان به دلیل حجم زیاد کار، با فرایندهای اداری همکاری نمی‌کنند. شما به‌عنوان مدیر چگونه می‌توانید ضمن حمایت از معلمان، بازرسی را با موفقیت پشت سر بگذارید؟ راهکار عملی: پس از طرح مسئله، گروه‌های کوچک تشکیل دهید و به آن‌ها زمان دهید راه‌حل‌های خود را روی تخته بنویسند. در نهایت، هر گروه راه‌حل خود را به اشتراک بگذارد و در مورد آن بحث شود.

طراحی «کارگاه‌های مشارکتی»

به جای سخنرانی یک‌طرفه، جلسه‌ها را به کارگاه‌هایی عملی تبدیل کنید که در آن‌ها شرکت‌کنندگان فعالانه درگیر تولید محتوا شوند. به‌عنوان مثال:

کارگاه طراحی طرح درس خلاق: در این کارگاه، به جای اینکه ما روش‌های تدریس را توضیح دهیم، از شما می‌خواهیم یک طرح درس کاملاً نوآورانه برای یک موضوع درسی مشخص (مثلاً «قانون اول نیوتن») یا «اهمیت داستان‌سرایی» طراحی کنید و آن را برای هم‌گروهی‌های خود ارائه دهید.

کارگاه مدیریت تعارض در مدرسه: شرکت‌کنندگان در نقش مدیر، معاون، معلم و اولیای دانش‌آموز قرار می‌گیرند و یک سناریوی تعارض (مثلاً شکایت یک والد از معلم) را نقش آفرینی می‌کنند تا راه‌حل‌هایی عملی را تجربه کنند.

استفاده از بازی‌سازی و مسابقه

روش جذاب برای یادگیری است که می‌تواند انگیزه مخاطب را بالا ببرد. به‌عنوان مثال:

برای هر دو گروه: بازی «دو حقیقت و یک دروغ» مرتبط با مسائل آموزشی و مدیریتی: سه جمله درباره یک موضوع (مثلاً فناوری در آموزش) بنویسید که دو تای آن‌ها درست و یکی دروغ است. سایر شرکت‌کنندگان باید دروغ را پیدا کنند. این بازی، دانش و اطلاعات قبلی آن‌ها را به چالش می‌کشد.

راهکار عملی: استفاده از نظام امتیازدهی به شرکت‌کنندگان برای هر فعالیت یا پاسخ درست، استفاده از تابلوی اعلانات در پایان هر بخش، و نمایش امتیازهای گروه‌ها روی تابلو، تا حس رقابت سالم ایجاد شود.

به‌منظور طراحی محیط یادگیری تعاملی و جذاب برای معلمان و مدیران مدرسه‌ها، باید از روش‌هایی عملی و هدفمند استفاده کنید که به نیازهای حرفه‌ای آن‌ها پاسخ دهند. هدف، فراتر از ارائه خشک اطلاعات و ایجاد فضایی برای تبادل تجربه، حل مسئله و رشد حرفه‌ای است. ❁

پی‌نوشت‌ها

1. Phenomenon-based learning
2. Skype in the Classroom

منابع پیشنهادی

- طراحی و توسعه آموزش تعاملی مبتنی بر وب، مهراں فرج‌الهی
- تعامل رمز ماندگاری یادگیری، مهدی محمودی؛
- مبانی نظری محیط‌های یادگیری، دیوید جاناسن، ترجمه مینا آذرنوش.

محمیا نوری

* مقدمه

همه کسانی که در حیطه تدریس مشغول‌اند و به خصوص کسانی که در حوزه تدریس زبان دوم هستند، لحظه‌هایی از سکوت و مشارکت‌نداشتن شجاعانه دانش‌آموزان را تجربه کرده‌اند. علل سکوت دانش‌آموزان در کلاس چیست؟ شما به عنوان معلم می‌خواهید چه کلاسی داشته باشید؟ مطالعات نشان می‌دهند، در واقع یکی از مهم‌ترین عوامل سکوت دانش‌آموزان، ترس از اشتباه کردن است؛ ترسی که سال به سال همراه آن‌ها بزرگ می‌شود و اشتباه کردن را نشانه‌ای از ضعف و نادانی نشان می‌دهد (Tulis, Steuer & Dresel, 2018; Adamson, 2022). این مشکل نه فقط در یادگیری، بلکه در جنبه‌های گوناگون زندگی آن‌ها، مانند روابط اجتماعی و میزان خطرپذیری در آینده نیز بروز می‌کند. مطالعات اخیر **بیعت صالح اوعلو (۲۰۲۴)** بر هم‌بستگی منفی بین ترس از اشتباه کردن و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان دلالت دارد. به این معنی که هرچه اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان در سطح بالاتری باشد، ترس از اشتباه کردن در آن‌ها کاهش می‌یابد. بر این اساس، مداخله‌های معلم، هم‌کلاسی‌ها، خانواده‌یاد دیگر سازمان‌ها در تقویت اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان، می‌تواند نقش مهمی در کاستن از ترس ایفا کند.

کلیدواژه‌ها:

ترس از اشتباه کردن، فضای خطای مثبت، فضای خطای منفی، تقویت اعتماد به نفس

* فضای خطا

واژه «فضای خطا» را اولین بار **اشتوتز و همکاران (۲۰۱۳)** ابداع کردند. این مفهوم به دو دسته مثبت و منفی تقسیم می‌شود. فضای خطای مثبت به کلاسی گفته می‌شود که در آن اشتباه‌ها بحث و بررسی می‌شوند و دانش‌آموزان اشتباه را فرصت یادگیری قلمداد می‌کنند. فضای خطای منفی به کلاسی گفته می‌شود که در آن اشتباه‌ها به منزله ناتوانی هستند و غالباً یا مجازات می‌شوند یا نادیده گرفته می‌شوند. این امر به ترس از مشارکت در دانش‌آموزان منجر می‌شود و از فرصت یادگیری می‌کاهد. **اشتوتز و همکاران** در مدل مطالعاتی دیگر خود (۲۰۱۳)، عواملی مانند درماندگی، اضطراب و فراشناخت را گنجانده‌اند و دریافتند که فضای خطای مثبت، با اضطراب کمتر، ادراک پایین‌تر از درماندگی و مشارکت بیشتر در فراشناخت ارتباط دارد. مطالعات اخیر **اشتوتز و همکاران (۲۰۲۵)** روی جنبه‌های اجتماعی فضای خطای ادراک‌شده توسط یادگیرنده متمرکز است و نشان می‌دهد هرچه فضای خطای منفی در کلاس بیشتر باشد، دانش‌آموزان دچار بیگانگی بیشتری با معلم خود می‌شوند و این موضوع در هدایت یادگیری نقش بسیار مهمی دارد.

* یادگیری از خطا

در فرایند آموزش، اشتباه‌ها همواره بخشی اجتناب‌ناپذیر از مسیر یادگیری بوده‌اند. با این حال، نگرش و واکنش



مهم‌تر از همه، با جافتادن این فرهنگ در کلاس، دانش‌آموزان هنگام پرسش و فعالیت درسی سکوت نمی‌کنند و سکوت نکردن دانش‌آموز امکان ریشه‌یابی و اصلاح مشکلات درسی، روندها و تحلیل‌های نادرست را به معلم می‌دهد.

پیشنهادات

1. Growth Mindset
2. Learning Goal Orientation

منابع

1. Adamson, L. (2022). Fear and Shame: Students' experiences in English-medium secondary classrooms in Tanzania. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 45(8), 3275-3290. <https://doi.org/10.1080/01434632.2022.2093357>
2. Chiappetta, E. (2025, July 2). Mistakes Are Welcome Here. *ASCD Blog*. <https://www.ascd.org/blogs/mistakes-are-welcome-here>
3. Kreuzmann, M., Zander, L., & Hannover, B. (2014). Versuch macht klu(ch)g?! Der Umgang mit Fehlern auf Klassen- und Individualebene. Zusammenhang mit Selbstwirksamkeit, Anstrengungsbereitschaft und Lernfreude von Schülern und Schülern [managing mistakes on the class and individual level: Interrelations with students' self-efficacy, effort investment, and joy of learning]. *Zeitschrift für Entwicklungspsychologie und Pädagogische Psychologie*, 46(2), 101-113. <https://doi.org/10.1026/0049-8637/a000103>
4. Lee, W. S. (2020). An Experimental Investigation Into the Application of a Learning-From-Mistakes Approach Among Freshmen Students. *SAGE Open*, 10*(2), Article 2158244020931938. <https://doi.org/10.1177/2158244020931938>
5. Lunde, Ellison, "Now I Feel Like I'm Supposed to Make Mistakes": Changing Student Perceptions of Mistakes" (2021). *Masters of Education in Teaching and Learning*. 43. <https://digitalcommons.acu.edu/met/43>
6. Narciss, S., & Alemdag, E. (2025). Learning from errors and failure in educational contexts: New insights and future directions for research and practice. *British Journal of Educational Psychology*, 95, 197-218. <https://doi.org/10.1111/bjep.12716>
7. Steuer, T. G., Dresel, A., & Rsser, M. (2013). Erroneous classroom climate: The concept of the classroom's social learning climate for dealing with mistakes. *Learning and Instruction*, 26, 45-55.
8. Steuer, G., Rosentritt-Brunn, G., & Dresel, M. (2013). Dealing with errors in mathematics classrooms. Structure and relevance of perceived error climate. *Contemporary Educational Psychology*, 38, 196-210. <https://doi.org/10.1016/j.cedpsych.2013.03.002>
9. Steuer, G., Grecu, A. L., & Mori, J. (2025). Error climate and alienation from teachers: A longitudinal analysis in primary school. *British Journal of Educational Psychology*, 95, 41-54. <https://doi.org/10.1111/bjep.12659>
10. Tulis, M., Steuer, G., & Dresel, M. (2018). Positive beliefs about errors as an important element of adaptive individual dealing with errors during academic learning. *Educational Psychology*, 38(2), 139-158. <https://doi.org/10.1080/00131801.2017.1381111>

کلاس راجع به مطالب سال قبل، به صورت تصادفی دانش‌آموزانی را انتخاب کند و سؤال‌هایی بپرسد، از فشار و بار روانی دانش‌آموزان نمی‌کاهد. زیرا آن‌ها با این باور که «اشتباه کردن شرم‌آور است» به کلاس می‌آیند و همواره از قضاوت شدن توسط معلم و هم‌کلاسی‌ها ترس دارند؛ به‌ویژه اگر کلاس جدید باشد و دانش‌آموزان یکدیگر را نشناسند. براین اساس، خانم چیپیتا فعالیت‌هایی با نام «فقط پاسخ‌های غلط!» را پیشنهاد می‌دهد که در آن سؤال‌هایی غیردرسی (برای اینکه دانش‌آموز احساس نکند جلوی هم‌کلاسی‌هایش آزمون شده است) به‌عنوان یخ‌شکن، در ابتدای سال تحصیلی از دانش‌آموزان پرسیده می‌شود. دانش‌آموزان باید به‌عمد به پرسش‌ها پاسخ‌های اشتباه بدهند. برای مثال:

سؤال: «چیزهایی را که ممکن است در یخ‌زن (فریزر) پیدا کنید، نام ببرید».
پاسخ‌های دریافتی: «کنش کتانی؛ گربه‌ای با شال گردن-ماشین اسباب‌بازی».

در این فعالیت، معلم باید به‌طور جدی تأکید کند که هیچ پاسخی نباید مورد تمسخر قرار گیرد و قوانین کلاس و نحوه کار گروهی را توضیح دهد. کنجکاوی معلم باید نسبت به راه رسیدن دانش‌آموزان به پاسخ باشد. به این ترتیب نشان می‌دهد که بیش از آنکه به «پاسخ نهایی» اهمیت بدهد، به «فرایند فکری دانش‌آموزان» توجه دارد. در واقع هدف از این فعالیت، یادگیری درباره نحوه شکل‌گیری ایده‌ها در ذهن افراد است، نه قضاوت یا خندیدن به آن‌ها. او معتقد است، این بازی زمینه ایجاد حس راحتی با اشتباه کردن را فراهم و به دانش‌آموزان کمک می‌کند به تحلیل اشتباه‌ها و چرایی آن‌ها و تأمل درباره منشأ تصورات نادرست عادت کنند.

با تجربه این روش در کلاس خود، کلاسی پر از خنده و شادی را تجربه خواهید کرد که در آن حتی دانش‌آموزانی که معمولاً ساکت هستند، چندین بار مشارکت می‌کنند. این شرایط در کلاس فرهنگی را ایجاد می‌کند که:

فضای خطای مثبت در کلاس حاکم می‌شود و دانش‌آموزان اطمینان می‌یابند در این کلاس هیچ‌کس قضاوت یا تمسخر نمی‌شود.

یاد می‌گیرند از اشتباه کردن ترسند و پاسخ‌های خود را با اعتماد به نفس مطرح کنند و مزوی نباشند.

یاد می‌گیرند با یکدیگر بازنمایشی کنند، مشکل را بیابند و در صورت لزوم راه‌حل ارائه دهند.

ما نسبت به این خطاها می‌تواند تعیین‌کننده میزان رشد و پیشرفت تحصیلی باشد. در ادامه، بر اساس شواهد پژوهشی و پیشنهادها کاربردی، مجموعه‌ای از رویکردها و راهکارهای عملی برای بهره‌برداری آموزشی از اشتباه‌ها ارائه می‌شود.

ایجاد فضای روانی امن برای بیان اشتباه

تشویق دانش‌آموزان به مطرح کردن خطاها بدون ترس از قضاوت یا تنبیه.
استفاده از فعالیت‌های گروهی حمایتی و روش‌های کاهش اضطراب (مثل تنفس عمیق) برای مدیریت ترس از اشتباه (Lee, 2020; Narciss & Alemdag, 2025).

بازخورد مثبت و سازنده به جای تنبیه یا سرزنش

تمرکز بر توضیح چرایی اشتباه و راه اصلاح آن، به‌جای ایجاد حس شرم یا سرزنش.
تشویق به دیدن اشتباه به‌عنوان بخشی طبیعی از مسیر یادگیری و فرصتی برای یادگیری (Lee, 2020; Narciss & Alemdag, 2025; Kreuzmann et al., 2014).

تغییر نگرش نسبت به اشتباه

رفع باورهای منفی ریشه‌دار (مثل اینکه اشتباه نشانه ضعف یا کم‌هوشی است).
استفاده از فعالیت‌هایی مثل جلسه‌های ادبی و نقد گروهی برای ایجاد دیدگاه مثبت نسبت به خطا (Narciss & Alemdag, 2025; Lunde, 2021).

ترویج فرهنگ رشد

تأکید بر اینکه توانایی‌ها قابل توسعه‌اند و اشتباه بخشی از مسیر پیشرفت است.
(Kreuzmann et al., 2014; Lee, 2020).

تقویت عوامل انگیزشی مرتبط با یادگیری از خطا

حمایت از جهت‌گیری هدف یادگیری، افزایش خودکارآمدی و انگیزه تلاش.
(Kreutmann et al, 2014; Narciss & Alemdag, 2025).

فقط پاسخ‌های غلط

اما چیپیتا (۲۰۲۵) معتقد است، اینکه یک معلم صرفاً اعلام کند اشکالی ندارد اگر پاسخ‌ها اشتباه باشند و قرار نیست به کسی نمره داده شود و سپس برای ارزیابی کلی سطح

هدایت پژوهش

بله

خانواده

فرزانه نوراللهی
کارشناس و پژوهشگر آموزشی

* ملاک‌های ارزشیابی

- / افراد خانواده (یا فامیل) در انجام فعالیت‌ها مشارکت می‌کنند.
- / فعالیت‌ها مطابق دستورالعمل انجام شده‌اند.
- / گزارش عملی به صورت کامل و همراه با مستندات خواسته شده تنظیم شده است.

شروع خوب: دانش‌آموزان غالباً به فعالیت‌های جذاب گروهی که خودشان مجری و محور آن‌ها باشند، علاقه نشان می‌دهند. از طرف دیگر، با وجود اینکه فعالیت‌های خانوادگی و رفت‌وآمدها کم‌رنگ شده‌اند، باز هم مناسبت‌های آیینی کمابیش در خانواده‌ها و فامیل اجرا و برگزار می‌شوند. البته در این مهمانی‌ها کمتر دیده می‌شود که سمت و سو و هدف خاصی دنبال شود. بنابراین، فرصت بسیار مغتنمی است تا از این مهمانی‌ها بهره‌های چندجانبه آموزشی، تفریحی و آموزشی برده شود. به دانش‌آموزان نقش مجری و تسهیلگر بدهید و از ایشان بخواهید در زمانی که همه فامیل دور هم جمع هستند، با یک ظرف بزرگ انار وارد سالن شوند.

همه افراد جمع را با بیان شیرین خود به مشارکت در این فعالیت دعوت کنند.

- / توجه به پیش‌دانسته‌ها: هر فرد یک عبارت یا جمله درباره انار بگوید. هر آنچه از گذشته تا حال درباره انار، میوه، درخت، کاربرد و... می‌داند.
- / یادگیری مشارکتی، اجتماعی و گروهی: از دانش‌آموز بخواهید با توجه به تنوع افراد در سن و سال و تحصیل، خودش برای گروه‌بندی تصمیم بگیرد. گروه‌ها می‌توانند دو نفره باشند یا گروهی بزرگ‌تر. کل افراد هم می‌توانند در یک جمع بزرگ با هم مشغول شوند.

* چگونه پژوهش را به خانه دانش‌آموزان هدایت کنیم؟

با توجه به سند «اهداف دوره‌های تحصیلی»، تأکید بر دستیابی دانش‌آموزان به شایستگی‌های پایه، از وظایف مربیان و کارگزاران آموزشی است. در این راستا بهتر است همه معلمان با مطالعه دقیق این سند و تأمل در ساحت‌های شش‌گانه، در طراحی هدف‌های آموزشی و پژوهشی از آن‌ها استفاده کنند. در نمونه طراحی آموزشی این شماره، از این ساحت‌ها در فعالیت عملی بهره برده‌ایم (برای مطالعه بیشتر رمزینۀ دفترچه اهداف دوره‌های تحصیلی را پویش کنید).

هدف از جنس شایستگی: دانش‌آموز در تعامل خانوادگی، با انجام یک مجموعه فعالیت‌های متنوع و جذاب، به میوه انار توجه می‌کند. همراه افراد خانواده و فامیل این میوه را از جنبه‌های گوناگون بررسی می‌کنند و در شب یلدا دورهمی معنادار و هدفمندی را شکل می‌دهند. در نهایت نتیجه فعالیت‌ها را به صورت گزارش علمی عملی به کلاس فیزیک گزارش می‌دهند.



دفترچه اهداف
دوره‌های تحصیلی

رویکرد تلفیقی: مجموعه این فعالیت‌ها به مهارت‌ها و دانش‌های گوناگون ارتباط پیدا می‌کنند که این موضوع تلفیق خوبی بین آن‌ها ایجاد می‌کند.

نتیجه این پروژه خانوادگی که به صورت پوستر است، به کلاس ارائه می‌شود و معلم می‌تواند آن را بر اساس ملاک‌های ارزشیابی تعیین شده ارزیابی کند.

* یک تجربه ناب خانوادگی

فرانشناخت: در پایان مراسم اناری شب یلدا بهتر است مجری این برنامه از تک تک افراد شرکت‌کننده چند سؤال پرسد و صدای آن‌ها را ضبط کند تا در کلاس خلاصه‌ای از این تجربه ناب را برای دوستانش بیان کند:

- از شرکت در این برنامه چه حس و حالی داشتید؟
- این تجربه برای شما چه یادگیری جدیدی داشت؟
- اگر بار دیگر چنین برنامه‌ای برگزار شود، دیدگاه شما نسبت به شرکت در آن چیست؟



نمونه کار دانش‌آموز پایه دهم (با کیفیت مناسب)



نمونه کار دانش‌آموز پایه دهم (با کیفیت مناسب)

در پایان طراحی آموزشی این شماره یک نمونه واقعی از این طرح را که در سال ۱۴۰۱ در یکی از کلاس‌های پایه دهم اجرا شده است مشاهده می‌کنید (نمونه ارائه شده با کیفیت مناسب) را از طریق رمز یقه، پویش کنید: این مدل می‌تواند توسط معلم در شرایط گوناگون بازطراحی شود و پروژه‌ها و تکلیف‌هایی تعاملی و تلفیقی برای منزل تعریف شوند و در اختیار دانش‌آموزان و خانواده‌ها قرار گیرند. این نوع آموزش، دانش‌آموزان را به سمت تربیت چندساحتی پیش می‌برد. (نمونه کارهای دانش‌آموزان (با کیفیت مناسب) را از طریق رمز یقه، پویش کنید.)



کلاس

یادگیری فعال، تولید مفهوم توسط یادگیرنده: مجری (دانش‌آموز) تلاش می‌کند همگان را به مشارکت فعال دعوت کند. فعالیت‌ها هدفمند تعریف شده‌اند و پیوستگی و انجام همه آن‌ها مخاطبان را به نتیجه مورد نظر می‌رساند. در طول اجرا هم از فعالیت‌ها و نمونه‌های مناسب عکس بگیرد و آن‌ها را ضمیمه کار خود کند.

فعالیت ۱: هر فردی یک انار دریافت می‌کند. سه ویژگی برای انار می‌گوید. این ویژگی می‌تواند از جنبه‌های گوناگون بررسی شود.

فعالیت ۲: انار را در خانه به چه صورتی استفاده می‌کنند؟ این مدل مصرف چه حالتی از ماده است؟ جامد، مایع یا ...؟ با کمک مادرها و مادر بزرگ‌ها، پنج غذای متنوع را که با انار درست می‌شود نام ببرند و دستور تهیه یکی از آن‌ها را یادداشت کنند.

فعالیت ۳: جرم اناری را که در دست دارند تخمین بزنند. هر فردی تخمین خود را بگوید. سپس با روشی که در خانه امکان‌پذیر است، جرم دقیق آن را اندازه بگیرد. سپس اندازه واقعی را با تخمین خود مقایسه کنند. چند انار متوسط دو کیلو می‌شود؟

فعالیت ۴: آیا نام میوه انار در قرآن آمده است؟ اگر پاسخ مثبت است، در کدام سوره آمده است؟ کلمه انار در عربی چیست؟

فعالیت ۵: با استفاده از هوش مصنوعی و به کمک خانواده، درباره خواص علمی انار تحقیق کنند. این ویژگی‌ها را با ترکیب هنر و خلاقیت روی مقوای ۷۰ × ۵۰ طراحی کنند و پوستر نهایی را به کلاس بیاورند. می‌توانند با سلیقه خود از نتایج فعالیت‌های قبلی استفاده کنند.

سطح بالای عملکرد: در این فعالیت گروهی و خانوادگی، مفاهیم اناری از حد دانش عبور می‌کنند و به سطح کاربرد و تجزیه و تحلیل رسیده‌اند.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

خیمایان نخلستان خیمه‌ها فاکه و نخل و رمان (په ۶۶ و ۶۸ سوره الرحمن)

دختران گلم همان طور که می‌دانید انار میوه‌ی بسیار پرخاصیتی است که هر چه از خاصیتش بگوییم و بخواهیم کم گفته ایم... بنابراین شب یلدا، بهانه‌آینست تا به این میوه‌ی بهشتی بسیار ارزشمند، توجه‌ای دوباره کنیم.

۱) در کانون گرم قایل و خانواده، از حاضرین در محفل انس خانواده پرسید آیا کسی می‌تواند یک مساله فیزیک یا آزمایشی در خصوص انار طراحی نماید؟ آن مساله را یادداشت نماید و سپس به اتفاق هم حل کنند و در برگه‌ی خود یادداشت نمایند.

۲) یک خاصیت ویژه‌ی انار را با پرس و جو از بزرگان قایل و خانواده برای ما یادداشت کنید. سعی کنید این خاصیت همان باشد که کمتر شنیده ایم (۱۰) مثلا اینکه پوست انار قایل خیلی خوبی است و برای ... مصرف می‌شود. (۱۰)

۳) حالا یاد کار علمی فیزیک می‌شویم:

الف) پیش بینی کنید اگر انار کامل را داخل ظرف پر از آب بیاوریم انار چه حالتی نسبت به ظرف آب دارد؟

ب) اگر دانه‌های انار را داخل ظرف آب بویزیم، چه می‌شود؟

ج) اناری که در دست گرفتیم، چه جرمی دارد؟ به کمک افراد خانواده تخمین بزنید.

اگر امکان اندازه‌گیری دقیق دارید، پس از پیش‌بینی، جرم انار را به صورت دقیق اندازه‌گیری کنید.

د) آیا می‌توانید پیش‌بینی کنید اناری که در دست گرفته‌اید (اگر ممکن است عکس آن را هم بگیرید) چند دانه دارد؟ تخمین بزنید و سپس با کمک خانواده، دانه‌ها را بشمارید و تخمین خود را ارزیابی کنید. چه کسی بهترین تخمین را در خانواده زده بود؟

ه) حالا پس از این که کامل دانه‌ها را از پیه انار جدا کردیم، جرم دانه‌ها را جدا اندازه‌گیری نمایید و محاسبه نمایید. جرم دانه‌های انار چه درصدی از جرم کل انار را دربرمی‌گیرد؟

و) آیا می‌دانید پیه‌های انار خیلی خاصیت دارنده؟! و بهتر است دانه‌های انار یا پیه‌ی آن خورد شود تا معده تقویت شود!!! حالا چگالی پیه‌ی انار را بررسی کنید و با طراحی آزمایشی در خصوص پاسخ خود، آن را تحلیل نمایید.

ی) اگر مطلب دیگری با کمک خانواده به ذهنتان می‌رسد (۱۰) اضافه نمایید و آن را با پاسخ بنویسید.

شبه اناری خوبی داشته باشید!!!

زمان تحویل پروژه: یکشنبه ۴ دی ۱۴۰۱ هم‌زمان با حضور در مدرسه

توجه: اگر هم‌زمان با انجام مراحل کار تصویری تهیه شود و ضمیمه گزارش شود، گزارش ارزشمندتر است.

نمونه کار دانش‌آموزان پایه دهم:



ساحت تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

در ۳ آیه قرآن کریم به میوه بهشتی انار اشاره شده است.



۴

ساحت تعلیم و تربیت زیستی و بدنی

تمام اجزای گیاه انار خواص ویژه‌ای دارند که کمتر به آن‌ها توجه می‌شود. با شناخت فایده‌های این گیاه و میوه پرخاصیت، در موقعیت‌های گوناگون زندگی و برای سلامت جسم و روح می‌توان از آن بهره برد.



۳

ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

انار میوه بسیار مفیدی است که بهتر است در تمام روزهای سال به شکل‌های متفاوت مورد استفاده قرار گیرد. اما خرید انار مناسب با قیمت‌های بالایی که دارد، خودش مهارت خاصی می‌طلبد تا هزینه‌های خرید آن به صورت کارشناسانه تأمین شود. در این تکلیف سعی شده است با حل یک مسئله عملی در خصوص اندازه‌گیری جرم پوست انار، به این موضوع توجه شود.



تکلیف

تمام

پروژه علمی -

ساحتی

عملی مربوط
به شب یلدا



یکی از بهترین مؤلفه‌های یادگیری، کاربست آموخته‌ها در موقعیت جدید مرتبط با زندگی است. دانش‌آموزان پایه دهم، در درس فیزیک، با کمیت قابل اندازه‌گیری در فیزیک آشنا شده‌اند. ضمن چند آزمایش ساده و قابل اجرا در خصوص انار، مهارت‌های خود را در خانواده به اشتراک می‌گذارند.

۴

**ساحت
تعلیم و تربیت
علمی و فناوریانه**



انار میوه‌ای با رنگی دل‌رباست که در آثار هنری از جلوه‌های متنوع آن استفاده می‌شود.

**ساحت
تعلیم و تربیت
زیبایی‌شناختی و هنری**

۵



ارائه یک هدف ارزشمند و ساده برای خانواده‌ها در دوره‌ی مناسبیت‌های ملی - مذهبی، که در سنین گوناگون قابل اجراست و کانون خانواده را گرم‌تر و تبادل تجربه‌های ارزشمند را در این مناسبیت‌ها بیشتر می‌کند.

**ساحت
تعلیم و تربیت
اجتماعی و سیاسی**

۶

*** چکیده**

تعامل مؤثر و مثبت والدین و معلم، تأثیر انکارناپذیری بر پیشرفت تحصیلی و رشد اجتماعی-عاطفی دانش‌آموزان دارد. با این حال، رفتارهای ستیزه‌جویانه برخی والدین ممکن است این تعامل را مختل کند. این مقاله با نگاهی علمی و عملی دلایل بروز رفتارهای ستیزه‌جویانه، ویژگی‌های والدین ستیزه‌جو و راهکارهای علمی و تجربی مدیریت آن‌ها در دوره ابتدایی را بررسی می‌کند. در این راستا، با ذکر چند تجربه عینی و ملموس از کلاس درس، موضوع کنترل هیجان، همدلی و مستندسازی دقیق در موفقیت تعاملات بررسی می‌شود. در پایان، پیشنهادهایی کاربردی برای معلمان و مدیران مدرسه ارائه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها:

والدین ستیزه‌جو، مهارت‌های ارتباطی، مدیریت تعارض، زوان‌شناسی تربیتی، مدرسه‌های ابتدایی

مخزنه سر حسابی
آموزگار ابتدایی

آنها

را

چگونه

مدیریت والدین ستیزه‌جو و راهکارهای عملی برای معلمان

* مقدمه

تعامل سازنده میان معلم و والدین، از مهم‌ترین عوامل موفقیت تحصیلی و رشد شخصیتی دانش‌آموزان به شمار می‌رود (شریعتمداری، ۱۳۹۷). در دوره ابتدایی این اهمیت دوچندان می‌شود، چراکه والدین به‌عنوان اولین مربیان و پشتیبانان کودک، تأثیر مستقیمی بر کیفیت یادگیری او دارند (پوران‌نیا، ۱۳۹۵). با این حال، در برخی موارد، والدین به‌جای همکاری، رفتارهای ستیزه‌جویانه نشان می‌دهند و روند آموزشی را دچار اختلال می‌کنند (امینی، ۱۴۰۰).

تجربه شخصی‌ام در سال‌های اخیر نشان داده است که والدین ستیزه‌جو معمولاً اضطراب شدید دارند و همین باعث می‌شود به‌طور ناخودآگاه رفتارهایشان رنگ‌وبوی تهاجمی بگیرد. برای مثال، در سال گذشته، یکی از والدین به‌طور ناگهانی به کلاس آمد و با صدایی بلند گفت: «اگر تا آخر هفته نمره دخترم درست نشه، می‌رم آموزش و پرورش شکایت می‌کنم!» این تجربه، اهمیت آمادگی روانی معلم و شناخت علل رفتار والدین را برای من دوچندان کرد.

* ویژگی‌های والدین ستیزه‌جو

والدین ستیزه‌جو غالباً این ویژگی‌ها را دارند (میرزاییگی، ۱۳۹۸):

- / بی‌اعتمادی به معلم یا مدرسه؛
- / پرخاشگری کلامی یا رفتاری؛
- / تمایل به دخالت در جزئیات آموزش؛
- / ناتوانی در پذیرش تخصص معلم؛
- / تهدید به پیگیری قانونی یا رسانه‌ای کردن مشکلات.

در یکی از کلاس‌هایم، مادری داشتم که مدام به من پیام می‌داد و حتی در گروه اولیا و مربیان، با لحنی تند، روش تدریسم را زیر سؤال می‌برد. او انتظار داشت من هر هفته جزئی‌ترین تغییرات برنامه درسی را با او هماهنگ کنم! در ابتدا این رفتارها بسیار تنش‌زا بود، اما بعد از یادگیری مهارت‌های مدیریت تعارض، توانستم با او ارتباط بهتری برقرار کنم.

* علل رفتار ستیزه‌جویانه والدین

- / اضطراب درباره آینده تحصیلی و اجتماعی فرزندشان؛
 - / تجربه‌های منفی خودشان از دوران تحصیل؛
 - / احساس بی‌عدالتی یا تبعیض؛
 - / انتظارات غیرواقعی یا غیرمنطقی؛
 - / ناآگاهی از روش‌های نوین آموزشی (سرحسابی، ۱۴۰۳).
- در تجربه کاری‌ام، معمولاً والدینی

که از روش‌های قدیمی آموزش (مثل تمرکز بر نمره یا تنبیه) دفاع می‌کردند، در مواجهه با رویکردهای جدید مدرسه (مثل یادگیری فعال یا ارزشیابی کیفی) واکنش‌های ستیزه‌جویانه نشان می‌دادند. این اختلاف دیدگاه، بدون مدیریت صحیح، ممکن است به تعارض‌های جدی منجر شود.

* تجربه شخصی: مادر مضطرب و شاکاک

مادری داشتم که به‌طور مداوم در مورد عملکرد پسرش تردید داشت و هر روز به بهانه‌ای به دفتر مدرسه می‌آمد. او با عصبانیت می‌گفت: «شما به پسر من بی‌توجهی می‌کنید! من خودم همه تکلیف‌هاش رو دوباره انجام می‌دم، چون مطمئن نیستم شما درست آموزش بدید!» در آن زمان، تصمیم گرفتم به‌جای دفاع، با لحن آرام و تماس مداوم چشم، حرف‌هایش را کامل گوش دهم. بعد از آن، نمونه‌کارها و پیشرفت‌های کوچک فرزندش را نشانش دادم. در چند جلسه بعد، مادر به این نتیجه رسید که من حامی او هستم، نه مخالف. این تجربه به من آموخت که «گوش دادن بدون قضاوت» و «مستندسازی دقیق» چقدر می‌تواند فضای اعتماد را بازسازی کند.

* راهبردهای مدرسه

برای مدیریت والدین ستیزه‌جو

- / برگزاری جلسه‌های آموزشی برای والدین درباره روش‌های نوین آموزش و ارزشیابی؛
 - / استفاده از کارگاه‌های مهارت‌های ارتباطی برای معلمان؛
 - / طراحی برگه‌های بازخورد برای بیان نگرانی‌ها؛
 - / حضور روان‌شناس یا مشاور مدرسه برای کاهش اضطراب والدین؛
 - / دعوت والدین به مشارکت در جشنواره‌ها یا پروژه‌های آموزشی (امینی، ۱۴۰۰).
- در مدرسه ما، بعد از برگزاری جلسه‌های آشنایی با «روش‌های نوین یادگیری»، حتی والدین ستیزه‌جو، وقتی احساس کردند شنیده می‌شوند و در موفقیت فرزندشان جایگاه مهمی دارند، کمتر به تقابل پرداختند.

* مهارت‌های موردنیاز معلمان

- / گوش دادن فعال (نه فقط شنیدن)؛
- / حفظ آرامش و هیجان؛
- / استفاده از زبان بدن مثبت (مثل تماس چشمی و سر تکان دادن تأییدی)؛
- / همدلی با والدین و درک نگرانی‌هایشان؛
- / نشان دادن شواهد مستند و روشن؛
- / ثبت دقیق تعاملات برای جلوگیری از سوءتفاهم (شریعتمداری، ۱۳۹۷).

یادم هست، در یکی از مواقع تنش‌زا، با آرام نگاه داشتن صدایم و کوتاه‌کردن جمله‌ها، موفق شدم روند گفت‌وگو را به مسیری سازنده تبدیل کنم. والدین وقتی ببینند معلم هیجان‌زده یا خشمگین نمی‌شود، خودشان هم آرام‌تر می‌شوند.

* ابعاد روان‌شناختی تعامل

رفتار ستیزه‌جویانه والدین معمولاً نشانه‌ای از احساس ناتوانی و اضطراب پنهان آن‌هاست (پوران‌نیا، ۱۳۹۵). درک این موضوع به معلم کمک می‌کند:

- / واکنش شخصی و هیجانی نشان ندهد؛
- / والدین را به چشم دشمن نبیند؛
- / به‌جای مقابله، دنبال همدلی و حل مسئله باشد.

تجربه خودم ثابت کرد، وقتی والدین متوجه شوند نگرانی‌هایشان پذیرفته می‌شود، خیلی زود حالت دفاعی را کنار می‌گذارند و به همکاری روی می‌آورند.

* نتیجه‌گیری

تعامل با والدین ستیزه‌جو هر چند دشوار و پرفشار است، اما بخشی طبیعی از حرفه معلمی محسوب می‌شود. این موقعیت‌ها می‌توانند فرصت رشد مهارت‌های ارتباطی، مدیریت هیجان و حل مسئله را به معلم بدهند. با درک علت‌های رفتار والدین، بهره‌گیری از مهارت‌های ارتباطی و حمایت مدرسه، حتی والدین ستیزه‌جو هم به همکاری ارزشمند تبدیل می‌شوند.

* پیشنهاد‌های کاربردی

- / در ابتدای سال تحصیلی، معلمان کانال‌های ارتباطی مشخص و محرمانه‌ای را با والدین تعریف کنند.
- / قبل از هر جلسه تنش‌زا، معلم مستندات و مدارک مربوط را آماده کند.
- / در جلسه‌های رودررو، معلم برای گوش دادن زمان بیشتری اختصاص بدهد تا صحبت‌کردن.
- / اگر امکان‌پذیر بود، از مشاور مدرسه برای میانجیگری و کاهش تنش استفاده شود.
- / پس از حل تعارض، با یادآوری نکته‌های مثبت رفتار والدین و مشارکتشان، اعتمادسازی دوباره انجام شود. 🌱

منابع

۱. امینی، س (۱۴۰۰). مدیریت تعارض در مدارس: راهبردهای کاربردی. یادواره کتاب. تهران.
۲. پوران‌نیا، م (۱۳۹۵). روان‌شناسی خانواده. بعثت. تهران.
۳. شریعتمداری، ع (۱۳۹۷). اصول و مبانی آموزش و پرورش. آگاه. تهران.
۴. میرزاییگی، م (۱۳۹۸). مدیریت هیجان‌ات در محیط‌های آموزشی. رشد. تهران.
۵. سرحسابی، ح (۱۴۰۳). تعامل و مدیریت با اولیا در مدارس. لیما. تهران.

محمدرضا قبادی
دبیر ادبیات فارسی دبیرستان دوره اول

ادبیات و هنر دو ساحت مهم و ارزشمند از نوآوری‌ها، عاطفه‌ها و احساسات ناب انسانی‌اند و هر دو ابزارهای بیان مکنونات قلبی، باورها، اندیشه‌ها، آرزوها و دیدگاه‌های گوناگون بشری نسبت به جهان هستند. هنگامی که این دو در کنار هم قرار می‌گیرند، نتیجه آن خلق آثاری عمیق، تأثیرگذار و ماندگار می‌شود. تلفیق ادبیات و هنر یعنی به‌کارگیری عناصر هنری در ادبیات، یا بهره‌گیری از ادبیات در هنرهای دیگری چون خوشنویسی، نقاشی، معماری، مجسمه‌سازی و موسیقی، کمک می‌کند پیام احساس و معنا با قدرت بیشتری منتقل شوند. هرگاه مرز میان ادبیات و هنر در آثار خلاقانه از بین برود، شاهکار ادبی هنری آفریده می‌شود. در واقع می‌توان گفت، ادبیات و هنر دو شاخه بزرگ از درخت فرهنگ، اندیشه و خرد انسان هستند که از ابتدای تمدن بشری در کنار هم بوده، رشد کرده و به تکامل رسیده‌اند.

پیوند

ناگسستگی

ادبیات

و هنر

و

پیوند ادبیات و هنر به معنای همکاری مشترک واژه و تصویر، اندیشه و احساس است. آثار ادبی با واژه‌ها معنا می‌آفرینند و آثار هنری با رنگ، صدا، حرکت یا تصویر، آن معنا را جان می‌بخشند. به عبارت دیگر، هنر همچون جسم است و ادبیات همچون جان آن جسم. در این پیوند، شعر می‌تواند الهام‌بخش نقاشی شود، داستان می‌تواند به فیلم یا نمایش تبدیل شود و موسیقی می‌تواند روح شعر را به گوش و دل و جان بیننده یا شنونده یا همان مخاطب خاص برساند.

✳️ نمونه‌های پیوند ادبیات و هنر

آمیختگی نقاشی و شعر: گاهی هنرمندان نقاش از شعر الهام گرفته‌اند؛ به‌طور مثال، نگارگری‌های (مینیاتورهای) ایرانی که شعرهای حافظ شیرازی و نظامی گنجوی را به تصویر می‌کشند یا نگارگری‌هایی که از شاهنامه فردوسی الهام گرفته‌اند و زینت بخش دیوار کاخ‌ها و خانه‌ها شده‌اند. شاعران نیز از تصویر و رنگ بهره برده‌اند؛ مثل توصیف‌هایی تصویری که در شعرهای نیماوشیخ و سهراب سپهری به چشم می‌خورند. (گاهی نقاشی‌های سهراب در شعرهایش متبلور می‌شوند و گاهی هم شعرهایش نمایانگر نقاشی‌های او هستند.)

آمیختگی موسیقی و شعر: گاهی استادان آهنگ‌ساز و خواننده، بسیاری از شعرهای فردوسی، حافظ، سعدی و مولانا را در قالب تصنیف‌های بدیع و آوازهای باشکوه و ماندگار به گوش مردم رسانده‌اند. از استاد بنان گرفته تا استادانی چون شجریان و افتخاری و گاهی هم شاعران با سرودن شعرها زیبا، چنان تناسب، آهنگ و وزنی را در شعرهای خود ایجاد کرده‌اند که مخاطب را به رقص و طرب واداشته‌اند. سماع و موسیقی عارفانه بر پایه مثنوی مولوی شاهدی بر این بیان است.

آمیختگی نقاشی و خط: خوشنویسی شعرهای فردوسی، حافظ و سعدی و صائب تبریزی بر کاشی‌ها، دیوارها و سنگ‌ها، نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای، کتیبه‌های خوشنویسی و دیوارنوشته‌های چشم‌نواز، همگی روایتگر داستان‌ها و شعرهای ایرانی هستند. نقاشی‌های موجود در کشورمان، که ترکیب هنر خوشنویسی و هنر نقاشی هستند، از زنده‌بودن ادبیات و هنر و تلفیق این دو نشان دارند.

آمیختگی ادبیات، سینما و نمایش: بسیاری از فیلم‌ها، فیلم‌نامه‌ها، نمایش‌ها و نمایش‌نامه‌ها از رمان‌ها و داستان‌های ادبی الهام گرفته‌اند. به‌طور مثال، فیلم‌ها و نمایش‌های برگرفته از آثار صادق هدایت و جلال آل‌احمد یا بسیاری

از آثار ژول‌ورن، نویسنده فقید کشور فرانسه (مانند دور دنیا در هشتاد روز، سفر به مرکز زمین، پنج هفته در یک بالن و غیره که در دسته آثار علمی‌تخیلی قرار دارند)، به فیلم سینمایی یا مجموعه تلویزیونی تبدیل شده‌اند، یا نمایش‌نامه‌های ادبی هنری و یلیام شکسپیر در سالن‌های نمایش به نمایش یا تله‌تئاتر تبدیل شده‌اند و چشم‌ها و گوش‌های مخاطبان را نوازش می‌کنند.

آمیختگی ادبیات و معماری: شعر و کلام در کاشی‌کاری‌ها و گچ‌بری‌های مسجدها و مکان‌های تاریخی جلوه‌ای از پیوند هنر و ادبیات هستند. از جمله این آثار می‌توان به مجسمه فردوسی در شهر توس و مزین شدن آرامگاه او به شعرهاش اشاره کرد. همین‌طور می‌توان مسجد امام خمینی و مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان را نام برد که از نمونه‌های برجسته معماری اسلامی به شمار می‌روند.

همکاران محترم و فرهیخته در رشته‌ها و پایه‌های گوناگون می‌توانند از پیوند ادبیات و هنر بهره‌مند شوند، اما بیشترین سود این تلفیق، برای گروه‌هایی است از جمله:

معلمان ادبیات فارسی: چون می‌توانند از هنر (نقاشی، موسیقی، نمایش و سینما) برای آموزش زیباتر و مؤثرتر متن‌های ادبی استفاده کنند. مثلاً اجرای نمایشی داستان‌های شاهنامه یا خوانش شعر همراه با موسیقی.

معلمان هنر (تجسمی، نمایش، موسیقی): با شناخت ادبیات می‌توانند آثار هنری عمیق‌تری خلق کنند؛ مثلاً طراحی صحنه برای داستان یا ساخت قطعه‌ای موسیقی بر اساس شعر فارسی.

معلمان ابتدایی: در پایه‌های پایین، ترکیب ادبیات و هنر (مثل قصه‌گویی همراه با نقاشی یا نمایش) بر علاقه و خلاقیت دانش‌آموزان می‌افزاید.

معلمان پرورشی و مشاوران مدرسه‌ها: از این پیوند می‌توان برای تقویت هویت فرهنگی، ذوق هنری و پرورش احساس مثبت در دانش‌آموزان استفاده کرد.

✳️ سخن پایانی

پیوند ادبیات و هنر، نمادی از هماهنگی میان خرد و احساس است. این دو، در کنار هم، زبان مشترکی را می‌سازند که همه انسان‌ها، با هر زبان و فرهنگی، می‌توانند آن را بفهمند و با آن ارتباط برقرار کنند. این پیوند، روح فرهنگ و تمدن هر ملت را زنده و ماندگار نگه می‌دارد؛ همان‌گونه ایران ما را چنین پاینده و جاودان نگه داشته است. ✳️

منابع

۱. فروزان‌فر، بدیع‌الزمان (۱۳۶۱). شرح مثنوی معنوی. انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
۲. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۹۰). تاریخ ادبیات در ایران. فردوس. چاپ دوم. تهران.
۳. کریمی، مهدی (۱۳۸۷). بررسی پیوند شعر و موسیقی در ادب فارسی. انتشارات سروش. تهران.
۴. شمیسا، سیروس (۱۳۹۴). انواع ادبی. فردوس. تهران.
۵. جعفری، غلامحسین ابراهیمی (۱۳۸۴). زیبایی‌شناسی در هنر و ادبیات ایران. نشر نی. تهران.
۶. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۹۱). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادب فارسی. سخن. تهران.
۷. محمدی، فاطمه (۱۳۹۲). «تلفیق ادبیات و هنرهای تجسمی در نگارگری ایرانی». فصلنامه هنرهای زیبا. شماره ۴۹.
۸. حیدری، نرگس (۱۳۹۸). «پیوند ادبیات و موسیقی در شعر فارسی». مجله پژوهش‌های زبان و ادب فارسی. دانشگاه اصفهان.



من، مریم واشقانی فراهانی، دبیر ریاضی با مدرک کارشناسی آموزشی ریاضی، نزدیک به سی سال است که در سنگر آموزش خدمت می‌کنم. بیشتر دوران کاری‌ام در مدرسه‌های دولتی و استعدادهای درخشان سپری شده است. طی این سال‌ها باور داشته‌ام که رسالت معلم تنها انتقال مفاهیم درسی نیست، بلکه همراهی در مسیر رشد اخلاقی و تقویت مهارت‌های رفتاری دانش‌آموزان نیز بخش مهمی از این مسئولیت است. روایتی که در ادامه می‌خوانید، تجربه‌ای واقعی از کلاس درس است که نشان می‌دهد چگونه می‌توان با نگاهی تربیتی و استفاده از شیوه‌های نوین ارتباطی، از دل یک چالش انضباطی فرصتی برای آموزش ارزش‌های انسانی و اجتماعی ساخت.

چندی پیش در مجله رشد معلم، مقاله‌ای در مورد فن انتقاد سازنده خواندم که برایم جالب بود و در ذهنم ماندگار شد. خوشبختانه با شروع سال تحصیلی فرصتی دست داد تا از این فن استفاده کنم. اما چگونگی ماجرا: در نیمسال دوم و در اواخر فروردین‌ماه، با اطلاع‌رسانی قبلی، آزمون ریاضی در کلاس و با دو نوع سؤال مشابه، مثل همیشه برگزار شد. در هر نیمکت دانش‌آموزان پشت هم سؤال‌های یکسانی داشتند که در عددها با شخص‌کناری‌شان متفاوت بود.

قبل از شروع آزمون، مانند همیشه، نکته‌هایی را متذکر شدم؛ همچون: «تمامی برگه‌ها ستونی و پشت سرهم جمع می‌شوند. تصحیح ورقه‌ها به صورت سؤال به سؤال خواهد بود». در طی آزمون، به دو دانش‌آموزی که پشت هم نشسته بودند، با جمله‌هایی مثل «از روی نفر جلوتر ننویس یا مواظب ورقه‌ات باش» هشدارهایی دادم، اما بعد از چند تذکر مجبور شدم جای یکی از آن‌ها را تغییر دهم. در زمان تصحیح سؤال به سؤال و با دیدن پاسخ‌های صحیح و اشتباه‌های یکسان، تقلب این دو نفر کاملاً برایم مسجل شد.

جلسه بعد، ورقه‌های همه دانش‌آموزان، به‌غیر از این دو نفر، که یکی از آن‌ها غایب بود، در اختیارشان قرار گرفت. دانش‌آموزی که حاضر بود، اصلاً سراغی از برگه‌اش نگرفت! در واقع قصد گرفتن امتحان مجدد از این دو نفر را داشتم، اما این موضوع را همان‌جا اعلام نکردم و آن را به جلسه بعد و زمانی که هر دو دانش‌آموز حاضر باشند، موکول کردم. روز بعد، دانش‌آموزی که از روی برگه دوستش نوشته بود، به همراه مادرش جلوی دفتر مدرسه به انتظار من ایستاده بودند. بعد از سلام و احوال‌پرسی، چون من ولی این دانش‌آموز خاطی را دعوت نکرده بودم، علت حضور مادر دانش‌آموز را جویا شدم. یک‌بار مادر و خود دانش‌آموز با صدایی بلندتر از حد معمول و با لحنی تهاجمی گفت‌وگوی خود را شروع کردند و نمره کسب‌شده را نتیجه زحمت معلم خصوصی عنوان کردند! هر بار که خواستم دلایل ندادن ورقه را بگویم یا درباره چرایی کارم و یا حتی تشابه بیش از اندازه عددها و جواب‌ها صحبت کنم، فرصت نشد.

از این نحوه برخورد بسیار ناراحت شدم. لحظه‌به‌لحظه، هم‌زمان با افزایش ناراحتی من، تشنج در محیط اطرافم، به همراه نگاه‌ها، کنجکاو‌ها و گمانه‌زنی‌های دیگران افزایش یافت. دیگر این گفت‌وگوی یک‌طرفه را سازنده و راهگشا ندیدم. پس به سرعت موضوع را به معاون آموزشی اطلاع دادم و از ایشان خواستم با مادر معترض

صحبت کند و از دو دانش‌آموز، که برخلاف روز قبل، امروز هر دو نفرشان حاضر بودند، از همان سؤال‌ها دوباره امتحان بگیرد.

زنگ دوم و بعد از رؤیت ورقه‌ها و تصحیح مجدد، یکی‌شان باز هم نمره قبلی‌اش را گرفت و دانش‌آموز مدعی در واقع هیچ.

از معاون آموزشی مدرسه درباره نتیجه صحبت‌هایم با مادر دانش‌آموز و روند انضباطی هر دو نفرشان در سال تحصیلی سؤال کردم. ایشان عنوان کرد که همان موقع درباره برخورد اشتباه مادر دانش‌آموز با بنده و برهم‌زدن آرامش و نظم مدرسه و همچنین چرایی و بی‌دلیل نبودن کار معلم گفت‌وگوی لازم را کرده است. نتیجه را هم ندامت و پشیمانی مادر از بیان و چگونگی برخوردش ذکر کرد.

در ادامه مشخص شد هر دو دانش‌آموز دوستان صمیمی و چندساله یکدیگرند و حتی دانش‌آموز خاطی، به خاطر ورزشی بودن (آشنایی با هنرهای رزمی)، قدرت بدنی و اعتمادبه‌نفس بالا، در هر گونه مجادله کلامی و کلاسی از دوستش حمایت کرده و در مواردی هم هر دو مجبور به تعهد انضباطی شده‌اند.

بازگشت

مریم واشقانی فراهانی
دبیر ریاضی متوسطه اول

به شکل مستقیم بازخوردهای مثبت و تأیید و تشویق‌های کلاسی را با ذکر موارد برای آن‌ها یادآوری کردم. (از دفتر کلاسی همان سال کمک گرفتم).

دیگر از فشار روانی ابتدای صحبت، در چهره و یا حرکت‌های بدنی آن‌ها، خبری یا نگرانی‌ای نبود.

* کام دوم: انتقاد سازنده

در مورد برخورد خودم در برابر اشتباه‌ها و بی‌انضباطی‌های کلاسی از آن‌ها پرسیدم. مثلاً: صدای من در این مواقع چقدر بلند است؟ آیا بلند داد می‌زنم؟

هر دو گفتند: «شما فریاد نمی‌زنید. با آرامش برخورد می‌کنید. صدرا بلند نمی‌کنید.»

با این تأییدها، رو به دانش‌آموز مدعی، بدون اشاره به رفتار نامناسب خودش و مادرش گفتم: «من که به گفته شماها هرگز صدایم را حتی در برابر اشتباه شما بالا نمی‌برم و محترمانه برخورد می‌کنم، چرا باید اجازه دهم دیگران با من این‌طور برخورد کنند؟ چون در این‌گونه گفت‌وگوها اولین موردی که کمرنگ می‌شود، احترام دو طرف است و قطعاً ادامه گفت‌وگو ثمربخش نخواهد بود.»

دانش‌آموز با سری افکنده، در حالی که سعی می‌کرد جلوی ریزش اشک‌هایش را بگیرد و با بغضی که هر لحظه فرو می‌داد، گفت: «حق با شماست. من و مادرم اشتباه کردیم. بعد از مدرسه، مادرم از رفتارش پشیمان بود و گفت که هر زمان نیاز باشد، برای عذرخواهی مدرسه خواهد آمد.» در ادامه صحبت‌ها مشخص شد که پدر و مادر دانش‌آموز متارکه کرده‌اند و در آن روز او و مادرش درگیر مشکلات ناشی از این جدایی و مسائل مرتبط با آن بودند. با این حال در آن موقع من و معاون آموزشی با استدلال و پاره‌ای از توضیحات متذکر شدیم که این دلایل، برای برخورد و نحوه صحبت دیروزشان قابل قبول و منطقی نیست. باز هم خود دانش‌آموز در حضور دوستش دلایل ارائه‌شده را قبول کرد.

در تمام صحبت متوجه بودم که دیگر از حالت قلدر مآبانه و سرافراشته دانش‌آموز متقلب اثری نیست. با اینکه در ابتدا حالت حمایتی ایستادن او برای دوستش کاملاً عیان بود، اما به تدریج دانش‌آموز دیگر از پشت سر و در واقع چتر حمایتی او خارج شد و گاهی با تعجب و شگفتی به حالت‌ها و بیان عذرخواهانه دوستش نگاه می‌کرد.

حالا دیگر نوبت ورقه‌های امتحانی قبل بود که به آن‌ها نشانشان دادم. خواستم جواب‌هایشان را با هم مرور کنند. بعد از مرور چند پاسخ، هر دو با سرافکنندگی اعلام کردند که حق با من است و تشابه پاسخ‌های درست و نادرست بی‌اندازه است.

وقتی دلیل این همه تشابه را جویا شدم، هر دو فقط اظهار تأسف و پشیمانی و ابراز ندامت کردند. با دیدن عمق ناراحتی‌شان، به آن‌ها یادآور شدم که در جامعه پیش‌رو، در وهله اول در مورد مطالب و مباحث ریاضی از آن‌ها سؤال نخواهد شد، بلکه این برخورد و منش و درستی کلام آن‌هاست که بر نحوه برخورد و قضاوت دیگران تأثیر خواهد گذاشت. در واقع درس نباید فراتر از اصول اخلاقی قرار گیرد.

* کام سوم: بازخورد مثبت نهایی

با وجود پشیمانی، هنوز آثار تش و سردرگمی برای پایان و نتیجه کارشان در چهره هر دو نفر موج می‌زد؛ به خصوص

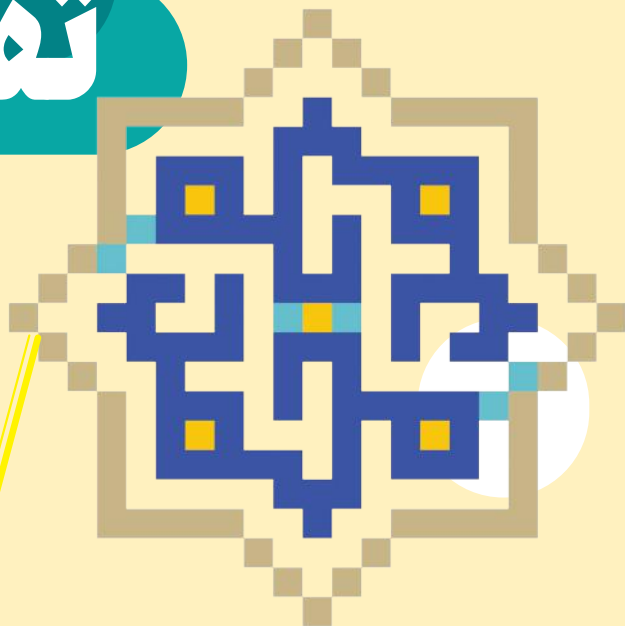
برای انتخاب راهکار و برخورد مناسب، یاد همان مقاله مجله رشد افتادم. شرایط را برای انجامش مهیا دیدم. پس از مشورت‌های انجام‌شده و بررسی مجدد شرایط، تصمیم قطعی برای اجرا گرفتم. قرار شد با هر دو دانش‌آموز در حضور معاون آموزشی صحبت و اشتباه‌های هر دو گوشزد شود. بعد هم با انجام کار تربیتی (استفاده از فن انتقاد سازنده) و صحبت‌های لازم، غرور، اعتمادبه‌نفس کاذب و قدرت پوشالی دانش‌آموز مدعی به‌طور غیر مستقیم از او سلب شود و این مهم در حضور دوستش انجام پذیرد؛ همچنین، بر زشتی کار هر دو نفر تأکید شود. پس هر دو نفر به دفتر مدرسه فراخوانده شدند. حالا زمان استفاده از فن سازنده بود.

* کام نخست: بازخورد مثبت ابتدایی

از هر دو دانش‌آموز در مورد تعامل گروهی‌شان در کلاس، برخورد سرگروه یا خودم با آن‌ها پرسیدم. حتی به حل تمرین‌هایی اشاره کردم که داوطلب شده بودند و در پایان هم خوب و عالی سؤال را توضیح داده و تشویق شده بودند. در واقع،



تذکره



دانش آموز دوم که دیگر از جانب‌داری دوستش دست شسته بود. برای جلوگیری از ادامه یأس و سرخوردگی‌شان و برای تشویقشان به جبران کار، از دفتر کلاسی سال قبل کمک گرفتیم. در اینجا ذکر این مطلب ضروری است که در مدرسه ما، از پایه هفتم، دبیران درس ریاضی به صورت پایه‌ای با دانش‌آموزانشان تا سه سال بالا می‌آیند. (یعنی دبیر ریاضی سه‌سالشان یک نفر است.) و من همیشه تا آخرین روز سال تحصیلی این دوره سه‌ساله دفتر کلاسی سالانه هر کلاس را نگه می‌دارم و در خیلی مواقع برای بررسی شرایط پیشین و جدید یا مرور بعضی نکته‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنم. برای هر دو نفر ثبت نمره‌ها و درج کوچک‌ترین فعالیت‌هایشان و تأثیر آن‌ها در ارزشیابی تکوینی جالب بود. کم‌کم شور و اشتیاق و لبخند، به چهره و حرکت‌هایشان برگشت و امید جبران فرصت از دست‌رفته، در نگاهشان پیدا شد.

با کمک دفتر کلاسی و دیدن نمره‌ها، یک بار دیگر سعی و کوششی را که هر دو نفر در اواخر سال تحصیلی قبل برای جبران رزها و نمره‌های از دست‌رفته کرده بودند و نتیجه آن تغییر و رشد نمره‌هایشان بود، با هم مرور کردیم.

در این زمان بود که هر دو با خوشحالی و با یادآوری تلاش سال قبلشان، درباره چگونگی جبران نمره این آزمونشان پرسیدند. پس از صحبت‌های لازم و دادن راهکار درباره نحوه مطالعه درس‌های گذشته و کمک از مشاور مدرسه، هر دو نفر اعلام کردند در آزمون بعدی حتماً این نمره را جبران خواهند کرد.

در روزهای باقی‌مانده سال تحصیلی، نمره‌های هر دو دانش‌آموز، به خصوص دانش‌آموز متقلب، روند افزایشی گرفته بود؛ هر چند کند، اما در هر صورت محسوس بود. نزاع‌های جمعی هر دو هم نفر کاهش یافته و در عوض فعالیت‌های گروهی و میزان مشارکت هر دو در کلاس قابل توجه بود.

در پایان ذکر این مطلب ضروری است که استفاده از کلمه‌های خاطی یا متقلب صرفاً برای تفکیک دو دانش‌آموز بود و از نظر اخلاقی هر دو ایشان در انجام کار با هم سهیم بودند.

هر زمان به یاد نتایج اثربخش این تجربه می‌افتم، خوشحال می‌شوم که دفترهای کلاسی را نگه می‌دارم و با وجود وقت‌گیر بودن، تمام فعالیت‌های کلاسی یا نکته‌های اخلاقی خاص هر دانش‌آموز، حتی دیدار با اولیا را، تا حد امکان ثبت می‌کنم. چون این تجربه به من یادآور شد که معلم به غیر از سلاح دانش و تجربه، به مطالعه همیشگی، آگاهی و به‌روزشدن در تمامی جوانب منتهی به دانش‌آموز و تدریس نیاز دارد. پیشنهاد من به متولیان امر این است که در کنار نشست‌ها و جلسه‌های تخصصی درسی، با بیان مثال‌ها و نمونه‌های مرتبط، به تشکیل کارگاه‌ها یا وینارهای تربیتی همت بیشتری به خرج دهند. در پایان هم خداوند را سپاس می‌گویم که علاوه بر نعمت سلامتی، توانایی آموزش و کمک‌کردن را به من عطا فرموده است. آنچه این مهم را در کنار همراهی معاون آموزشی و مشاور مدرسه به سرانجام رساند، وجود عزیزانی است که وقت می‌گذارند و نتیجه آموخته‌هایشان را در مجله‌ها یا رسانه‌ها، برای استفاده دیگران منتشر می‌کنند. از آنان کمال امتنان و تشکر را دارم.

پی‌نوشت

۱. حسن نادعلی پور و پریرسا نکونی، ساندویچ ستایش مروری بر تکنیک انتقاد سازنده، (رشد معلم، دوره ۴۰، شماره ۸، اردیبهشت ۱۴۰۱)

* میلاد شکافنده دانش، امام محمد باقر (ع)، مبارک باد!

امام محمد باقر (ع)، پنجمین امام شیعیان است که هفدهم رجب سال ۵۷ هجری قمری در شهر مدینه متولد شد (آیتی، ۱۳۸۵: ۱۲). ایشان فرزند امام زین‌العابدین (ع) و نوه امام حسین (ع) است و پس از شهادت پدرش، در سال ۹۳ هجری قمری به امامت رسید (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۳۵۲). نام «باقر» که پیامبر اکرم (ص) به ایشان داده است، به معنای «شکافنده علم» است؛ بدین معنا که امام محمد باقر (ع) علوم دینی را به گونه‌ای دقیق و عمیق تقسیم و گسترش دادند و مکتب علمی ایشان، مکتب باقرالعلوم، پایه‌گذار دانش‌های نوین فقهی و کلامی در جهان اسلام به شمار می‌رود (حسینی طهرانی، ۱۳۹۰: ۷۸).

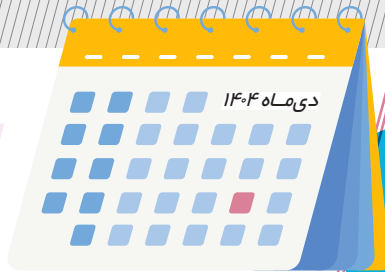
* شهادت حضرت امام علی‌النقی‌الهادی (ع) تسلیت!

نَحْنُ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَخُلَفَائِهِ فِي بِلَادِهِ، بِنَا يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ: «ما اهل بیت، حجت‌های خدا بر خلق او هستیم و جانشینان او در زمین. به وسیله ماست که خدا آسمان را از فرو ریختن بر زمین بازمی‌دارد، مگر به اذن او.» (بحار الأنوار، ج ۵: ۱۱۵).
امام علی بن محمد النقی‌الهادی (ع)، دهمین امام شیعیان، در سال ۲۱۲ هجری قمری به امامت رسید و در سال ۲۵۴ هجری قمری در سن حدود ۴۲ سالگی به شهادت رسید (آیتی، ۱۳۸۵: ۹۸). ایشان در دوره‌ای بسیار حساس از تاریخ اسلام زیست که حکومت عباسیان با شدیدترین فشارها علیه خاندان پیامبر (ص) و شیعیان برخورد می‌کرد (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۴۱۰).

* میلاد حضرت عیسی مسیح (ع) مبارک!

در آستانه سال نوی میلادی، یاد و نام حضرت عیسی مسیح (ع) در دل‌های مردم جهان می‌درخشد؛ پیامبری که با تولدش، نویدبخش صلح، مهر و نجات شد. آن

ویکم دی



ماه

کتر لیلای میرزایی

دانش آموخته فلسفه تعلیم و تربیت

فرزند پاک آسمان، که پا به جهان خاکی گذاشت، تا پیامی از رحمت الهی را به بشریت برساند. میلادش مبارک!

* ۹ دی، حماسه‌ای از جنس نور و آگاهی

نهم دی ماه نه فقط یک روز از تقویم سال، که تجلیگاه شعور و بیداری ملتی است که با قدم‌هایی استوار، میان هیاهوی فتنه و غبار فتنه‌انگیزان، چراغ بصیرت را در دستان ایمان گرفت و راه را از بی‌راهه جدا کرد. نهم دی روزی بود که دل‌های بی‌قرار، بیعتی دوباره بستند؛ بیعتی که ریشه در خون شهدا داشت و میوه‌اش آرامش و امنیت این سرزمین شد.

* ۱۳ رجب، روز میلاد حضرت علی (ع)

و روز پدر را گرامی می‌داریم.

روز ولادت حضرت علی بن ابی طالب (ع)، نخستین امام شیعیان، در روز ۱۳ رجب سال ۲۳ قبل از هجرت پیامبر اسلام (ص) در خانه کعبه واقع در مکه مکرمه اتفاق افتاد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۵). این ولادت بزرگ‌ترین نعمتی بود که خداوند به جهان اسلام ارزانی کرد، زیرا حضرت علی (ع) نه تنها امام و رهبر مذهبی، بلکه به‌عنوان نمادی از عدالت، شجاعت و اخلاق نیکو شناخته می‌شود. در تقویم رسمی ایران، روز میلاد حضرت علی (ع) به‌عنوان روز پدر نام‌گذاری شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۷).

* فرمانده دل‌ها یادت گرامی!

در تاریخ معاصر ایران نامی می‌درخشد که چون کوه استوار، بر فراز آفاق شجاعت و ایثار قد برافراشته است؛ سپهبد سردار حاج قاسم سلیمانی، مرد میدان‌های نبرد و فرمانده دل‌ها. او که نه فقط یک فرمانده نظامی، بلکه نمادی از مقاومت و عدالت بود، با قدم‌های استوار و قلبی پر از عشق به وطن، جان خود را وقف آرامش

و امنیت این مرز و بوم کرد. شهادتش نه پایان یک راه، بلکه آغاز فصلی نوین در کتاب حماسه‌های ماندگار این سرزمین بود. یادش جاودان، راهش پررهرو و نامش چراغ راه همه آزادگان جهان باد.

* حضرت زینب (س)

اسوه صبر و مفتر کربلا

در میان صفحه‌های پرشکوه تاریخ اسلام، نام زینب، بنت علی، همچون ستاره‌ای درخشان می‌درخشد؛ بانویی که در دامان امیرالمؤمنین علی (ع) و حضرت زهرا (س) پرورش یافت و پرچمدار حماسه‌ای شد که وجدان تاریخ را بیدار کرد. زینب (س) نه تنها خواهر امام حسین (ع) بود، بلکه روح نهضت عاشورا را با خطبه‌های آتشین خود زنده نگاه داشت.

* مبعث، روز نزول رحمت الهی

بر بشریت مبارک

مبعث پیامبر اسلام، حضرت محمد بن عبدالله (ص)، یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی و دینی در تاریخ اسلام به شمار می‌آید. این حادثه که در شب بیست و هفتم ماه رجب سال چهل‌م‌ام الفیل اتفاق افتاد، آغاز رسالت پیامبر و شروع وحی الهی به ایشان بود (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۴۵). در این شب مبارک، جبرئیل امین بر پیامبر (ص) نازل شد و اولین آیات سوره علق را به ایشان ابلاغ کرد: «اقرأ باسم ربك الذي خلق...» که به منزله آغاز پیام‌آوری ایشان و دعوت به توحید، اخلاق و عدالت بود (حسینی طهرانی، ۱۳۹۰: ۲۳). مبعث پیامبر (ص) نه تنها آغازگر تحول عظیمی در ساختار اجتماعی و فرهنگی جهان عرب بود، بلکه زمینه‌ساز ایجاد تمدن نوینی در گستره جهان اسلام شد. پیامبر (ص) با هدایت مردم به سوی اسلام، بنیان‌های اخلاقی و انسانی را بهبود بخشید و نقشی بی‌بدیل در وحدت اقوام و ملل ایفا کرد (مطهری، ۱۳۷۰: ج ۱: ۷۵).

۱ دی / آغاز ماه مبارک رجب و ولادت حضرت امام محمد باقر (ع)

۳ دی / شهادت حضرت امام علی‌النفی الهادی (ع)

۴ دی / شب لیلۃ الرغائب، بزرگداشت رودکی، میلاد حضرت عیسی مسیح (ع)

۵ دی / ایمنی در برابر زلزله

۷ دی / تشکیل نهضت سوادآموزی به فرمان حضرت امام خمینی (ره)

۸ دی / روز صنعت پتروشیمی

۹ دی / روز بصیرت و میثاق امت با ولایت

۱۰ دی / ولادت حضرت امام محمدتقی (ع)

۱۱ دی / آغاز سال نو میلادی

۱۲ دی / بزرگداشت علامه مصباح یزدی، روز علوم انسانی اسلامی

۱۳ دی / ولادت حضرت امام علی (ع) و آغاز ایام البیض و روز پدر، روز جهانی مقاومت و سال روز شهادت سردار سلیمانی

۱۵ دی / ارتحال حضرت زینب (س)

۱۶ دی / روز شهدای دانشجو

۱۷ دی / بزرگداشت خواجه‌ی کرمانی

۲۰ دی / شهادت میرزا تقی‌خان امیرکبیر

۲۲ دی / تشکیل شورای انقلاب به فرمان حضرت امام خمینی (ره)

۲۴ دی / فتح خیبر توسط امیرالمؤمنین علی (ع)

۲۵ دی / شهادت حضرت امام موسی کاظم (ع)

۲۶ دی / وفات حضرت ابوطالب عموی پیامبر (ص)، فرار شاه معدوم

۲۷ دی / مبعث حضرت رسول (ص)

۲۹ دی / روز غزه

منابع

۱. آیتی، محمدتقی (۱۳۸۵). ولادت و زندگی امام محمدباقر (ع). اسوه، چاپ دوم، تهران.
۲. نجفی، عباس قمی (۱۳۷۳). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. اسلامی، چاپ بیستم، تهران.
۳. علامه محمدباقر مجلسی (۱۴۰۳ ق). بحارالانوار جلد ۵۰. دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت.
۴. حسینی طهرانی، محمد (۱۳۹۰). موسوعه الامام محمد الباقر (ع). مؤسسه بوستان کتاب، قم.
۵. آیتی، محمدتقی (۱۳۸۵). ولادت و زندگی امام علی‌النفی الهادی (ع). اسوه، چاپ اول، تهران.
۶. نجفی، عباس قمی (۱۳۷۳). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. اسلامی، چاپ بیست و دوم، تهران.
۷. حسینی طهرانی، محمد (۱۳۹۰). موسوعه الامام علی‌النفی الهادی (ع). مؤسسه بوستان کتاب، قم.
۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). آیین زندگی در اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، تهران.
۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۳). العلوم القرآن. مؤسسه پژوهشی فرهنگی دارالحدیث، چاپ سوم، قم.
۱۰. حسینی طهرانی، محمد (۱۳۹۰). مبانی عقاید اسلامی مؤسسه بوستان کتاب، قم.
۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). تحریرالوسیله (شرح مباحث فقهی و اعتقادی). صدرا، چاپ دوم، تهران.

کودکان به

مهارت‌های اجتماعی

آموزش

راهنمای عملی والدین، مربیان و روان‌شناسان (ویژه ۳ تا ۱۲ سال)

بر دارد که به راحتی در محیط خانه یا کلاس قابل اجرا هستند. بدین ترتیب، خواننده نه تنها با اهمیت موضوع آشنا می‌شود، بلکه ابزارهای لازم برای آموزش و مداخله مؤثر را نیز در اختیار خواهد داشت.

برای مثال، در فصل مربوط به تحمل ناکامی، تمرین‌هایی طراحی شده‌اند تا کودک یاد بگیرد در برابر تأخیر در رسیدن به خواسته‌ها یا مواجهه با محدودیت‌ها، واکنشی منطقی و سازگار نشان دهد. در بخش مدیریت فشار روانی، روش‌های ساده‌ای مانند تنفس عمیق، قصه‌درمانی و بازی‌های آرام‌ساز ارائه شده‌اند تا کودکان بتوانند اضطراب روزمره را کنترل کنند. فصل کنترل خشم با بهره‌گیری از فعالیت‌های نمادین، فن‌های توقف و راهکارهای جایگزین رفتار پرخاشگرانه، کودک را در مسیر خودکنترلی قرار می‌دهد. در حوزه ارتباط مؤثر، مهارت‌هایی همچون گوش دادن فعال، نوبت‌گیری در گفت‌وگو و ابراز خواسته‌ها بدون پرخاشگری آموزش داده می‌شود. در نهایت، بخش اعتمادبه‌نفس بر ایجاد تجربه‌های موفقیت و تقویت باورهای مثبت درباره خود تمرکز دارد.

وجه تمایز این کتاب در آن است که زبانش ساده، کاربردی و به دور از پیچیدگی‌های تخصصی است. والدین می‌توانند به‌طور مستقیم از تمرین‌ها برای تربیت فرزندشان بهره ببرند، مربیان می‌توانند فعالیت‌ها را در قالب بازی‌های گروهی اجرا کنند و روان‌شناسان نیز می‌توانند به‌عنوان یک شیوه‌نامه مداخله‌ای در جلسه‌های درمانی فردی یا گروهی از آن استفاده کنند. در نهایت، این کتاب نه تنها یک متن آموزشی، بلکه یک نقشه راه عملی است؛ ابزاری که به کودکان کمک می‌کند از همان سال‌های نخست زندگی، پایه‌هایی محکم برای شخصیت سالم، توانمند و اجتماعی خود بنا کنند. سرمایه‌گذاری بر آموزش این مهارت‌ها، سرمایه‌گذاری بر آینده‌ای است که در آن کودکان امروز به بزرگسالانی مسئولیت‌پذیر، خلاق و سازگار تبدیل خواهند شد.



نویسندگان: پریسا طالب‌خواه،
دکتر سیدحامد سجادیپور
ناشر: زبان علم
سال انتشار: ۱۴۰۲



از زبان مؤلف آن بشنوید.
معرفی این کتاب را

و حتی شغلی آنان در آینده است. بسیاری از مشکلات رفتاری و هیجانی در نوجوانی و بزرگسالی، ریشه در ناتوانی فرد در مدیریت هیجان‌ها و روابط دوران کودکی دارد. بنابراین، آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان، یک انتخاب لوکس یا اضافه نیست، بلکه ضرورتی اساسی برای رشد سالم و همه‌جانبه آنان است. این کتاب به‌گونه‌ای طراحی شده است که صرفاً یک متن نظری یا دانشگاهی نباشد، بلکه راهنمایی عملی و کاربردی برای والدین، مربیان مهدکودک و مدرسه، و روان‌شناسان کودک محسوب شود. هر فصل از کتاب، علاوه بر توضیحات علمی روشن و ساده، تمرین‌ها، بازی‌ها و فعالیت‌هایی عملی را در

دنیای امروز با سرعتی باورنکردنی در حال تغییر است. کودکان ما در این مسیر نه تنها نیازمند دانش و توانایی‌های تحصیلی هستند، بلکه برای داشتن زندگی سالم، شاد و موفق، باید مهارت‌های اجتماعی و هیجانی را نیز بیاموزند. کتاب حاضر با تمرکز بر آموزش مهارت‌هایی چون تحمل ناکامی، مدیریت فشار روانی، کنترل خشم، ارتباط مؤثر و تقویت اعتمادبه‌نفس، پاسخی کاربردی به یکی از مهم‌ترین نیازهای کودکان، والدین، مربیان و روان‌شناسان است. تحقیقات روان‌شناسی نشان می‌دهد، توانایی مدیریت هیجان، حل مسئله در موقعیت‌های دشوار، برقراری ارتباط سالم با دیگران و برخورداری از عزت‌نفس، نه تنها سلامت روانی کودکان را تضمین می‌کند، بلکه پیش‌بینی‌کننده موفقیت تحصیلی، اجتماعی

روز

میلاد

حضرت علی (ع)

9

روز پدراگرامی



نویده نامجو فر
کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

خورشید مکه

بی قرار می کند مشتاق دیدار علی است
 شیعه یعنی آنکه با جانش وفادار علی است
 آنکه در دل داردش، قطعاً طرفدار علی است
 کودکی سرمست از عشق پدروار علی است
 هر سحرگاهش گواه چشم بیدار علی است
 جمله حاتم های عالم حول پرگار علی است
 مردمی خواهد و این مردانگی کار علی است
 چاه صحرا همدم و همراز اسرار علی است
 گویا شرمنده چشمان غمبار علی است
 عالمی بی شک همی حیران افکار علی است
 شاه بیت هر غزل دیوان اشعار علی است
 این جهان بی شک دگر عاجز ز تکرار علی است

شعله ای در سینه دارد آن که بیمار علی است
 شیعیان نقش تو در آینه دل دیده اند
 خانه مهر علی باشد حریم قلب ما
 هرم داستانش غرور شمس را در هم شکافت
 کوچه های شهر در دل رازها گنجانده اند
 دُر دریای سخاوت دشت بی پایان فضل
 عشق بازی با خدا در خلوت لیل المبيت
 دردها دارد درون سینه اش اما فقط
 ناله های چاه را آیا خبرداری ز چیست؟
 عرش لرزان است از فزت و رب الكعبه اش
 دفتر عمر علی منظومه اعجازهاست
 چشم دنیا بعد از این هرگز نمی بیند چو او

درد شهید صحیح قافیه
سیدم

